

فکر

رشد
آموزش

دوره ی هفتم، شماره ی ۳، بهار ۱۳۸۹



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

فصلنامه آموزشی، تحلیلی، اطلاع رسانی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: سید محسن میر باقری

مدیر داخلی: یونس باقری

هیئت تحریریه: فریبا انجمنی، یونس باقری،

سید مهدی سیف، زهرا کاشانی ها، مجید معارف،

سید محمد حسین میر باقری و مسعود و کیل

طراح گرافیک: نوید اندرودی

ویراستار: کبری محمودی

نشانی پستی دفتر مجله: تهران، صندوق پستی: ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵

تلفن دفتر مجله: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۱۲)

تلفن مستقیم: روزهای دوشنبه ۸۸۳۰۵۷۷۱

مدیر مسئول: ۱۱۴ / دفتر مجله: ۳۱۲ / امور مشترکین: ۱۱۴

پایگاه اینترنتی: www.roshdmag.ir

رایانامه: info@roshdmag.ir

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۵۱۱۰، ۷۷۳۳۶۶۵۶

پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

شمارگان: ۱۳۰۰۰

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

قابل توجه نویسندگان و پژوهشگران:

مجله ی رشد آموزش قرآن، نوشته ها و گزارش تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت به ویژه معلمان دوره های مختلف را در صورتی که در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد، می پذیرد. لازم است در مطالب ارسالی، موارد زیر رعایت شود:

چکیده ای از کل محتوای ارسال شده حداکثر در ۲۵۰ کلمه، همراه مطلب ارسال شود. بی نوشت ها و منابع کامل باشد و شامل نام اثر، نام نویسنده، نام مترجم، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره ی صفحه ی مورد استفاده باشد. در متن های ارسالی تا حد امکان از معادل های فارسی واژه ها و اصطلاحات استفاده شود. اصل مقاله های ترجمه شده به پیوست آن، ارسال شود. نشر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت شود. شکل قرار گرفتن جدول ها، نمودارها و تصاویر به، پیوست در حاشیه ی مطلب مشخص شود. مطالب یک خط در میان و در یک روی کاغذ نوشته و در صورت امکان تایپ شود. مطالب مندرج در مجله، الزاماً مبتنی نظر دفتر انتشارات کمک آموزشی نیست و مسؤلیت پاسخگویی به پرسش های خوانندگان، با خود نویسنده یا مترجم است. مقاله های دریافتی در صورت پذیرش یا رد، بازگشت داده نمی شود. مجله در پذیرش، رد، ویرایش و یا تلخیص مقاله های رسیده مجاز است.

سر مقاله / قرآن و سنت معصومین علیهم السلام / ۲

استاد مطهری و عشق به قرآن / دکتر علی نصیری / ۳

راه اندازی نخستین سایت همگانی تحقیق و تدبیر در قرآن کریم در دانشگاه شیخ بهایی /

فریبا انجمنی / ۱۰

میراث علمی استاد مطهری، مخاطب را نقاد می کند / گفت و گو / رمضانعلی ابراهیمزاده / ۱۲

نقش کلمات پر کاربرد در تسهیل فهم قرآن / علیرضا قاسمزاده / ۱۹

گام به گام با دانش آموزان کلاس / نسربین فخاری / ۲۴

واگویه ی احساس نسبت به قرآن کریم / صادق علامتی / ۲۶

چگونه گروه هم خوانی قرآن تشکیل دهیم / احمد لیایی / ۲۸

عوامل افت تحصیلی دانش آموزان در درس دینی و قرآن / مرتضی عابدی اردکانی / ۳۴

حجیت ظواهر قرآن زمینه ساز فهم و تفسیر آن است / گفت گو با حجة الاسلام استاد

حسین علوی مهر / دکتر علی نجار یوریان / ۳۶

الگوی تدوین برنامه های درسی آموزش قرآن بر اساس الگوی هانکینز /

حجة السلام و المسلمین حمید محمدی / ۴۴

حرمات استاد در آیات و روایات / دکتر عین الله خادمی / ۵۰

همراه با کتاب / ۵۸

اخبار قرآنی / ۶۰

قرآن کریم وسنت معصومین (ع) تجلی هدایت کامل الهی

تاریخ حیات بشر گواه پرسش مهمی که بسیاری از مشغول می‌دارد، نسبت آراء و باعقاد و اجماع مسلمانان، هم منبع مهم‌ترین حقایق و است؛ اما نکته‌ی مهم آن است که نظر در چارچوب اصلی و ضروریات دین، در خود زمینه‌ی جدایی و افتراق میان آن‌ها را فراهم ساخته‌است؛ چرا که در برخورد با این اختلافات، رویکردها و روش‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود.

گوناهگونی و تنوع اندیشه‌هاست. اوقات اندیشه‌ی انسان را به خود نظرات مختلف با حق است. قرآن کریم و سنت معصومین (ع) هم معیار تشخیص حق از باطل مسلمانان، گذشته از وحدت و اشتراک

برخی از موضوعات نیز اختلاف نظر دارند و این خود زمینه‌ی جدایی و افتراق میان آن‌ها را فراهم ساخته‌است؛ چرا که در برخورد با این اختلافات، رویکردها و روش‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود.

به نظر می‌رسد، از گذشته‌های دور تر تاکنون، در میان نحله‌ها و فرق مختلف اسلامی، عمدتاً این رویکرد و روش غلبه داشته است که هر نحله یا فرقه‌ای، با جزمیت بر اندیشه‌های خود، نگاه و اندیشه‌ی دیگران را کمتر بر خوردار از حق می‌دانسته‌است؛ در حالی که منطق عقلی ایجاب می‌کند که اگر حتی گروهی، کلیات و اصول تفکر گروه دیگری را مردود بداند نباید بداند معنا تلقی شود که در اندیشه‌ها و آموزه‌های آن گروه هیچ مطلب حقی یافت نمی‌شود. مسلماً در میان نحله‌ها و فرق گوناگون اسلامی، فرقه یا نحله بر حق وجود دارد. مکتب اهل بیت (علیهم السلام) اصیل‌ترین و صحیح‌ترین نکات است و غیر آن، نحله به تعبیر قرآن «غیر قابل قبول» می‌باشد.

آنچه منظور اصلی این سخن کوتاه است آن که هر یک از نحله‌ها و فرق شیعی، به دلایل مختلفی، از جمله تفکر و نگاه خاصی که به قرآن کریم و آموزه‌های معصومین علیهم السلام داشته‌اند، جلوه‌ای از حقیقت را بیشتر دیده و بیشتر بر آن تأکید ورزیده‌اند. مهم‌ترین پیام این واقعیت، آن است که ضمن اعتماد و تکیه بر منابع اصلی دریافت حقیقت، همه‌ی نحله‌ها و گروه‌های فکری می‌توانند با مطالعه و تحقیق در سایر اندیشه‌ها، نواقص خود را جبران کنند.

اگر بخواهیم گفته‌های فوق را در یک مثال روشن بیان کنیم؛ آن که در میان شیعیان از گذشته‌های دور نحله‌های فکری مختلف حدیثی، کلامی، فلسفی، عرفانی و... وجود داشته است.

چنان که می‌دانیم همه‌ی این گروه‌ها اغلب به ضروریات، محکمت و امور قطعی و یقینی قرآن کریم و سنت معصومین از جان و دل اعتقاد دارند اما هر یک، معمولاً بر آن بخش از آیات و روایات تأکید می‌کنند که بیشتر مؤید اندیشه‌های آنهاست. چه خوب است این نحله‌های فکری به جای آن که نقاط ضعف یکدیگر را بر شمرده و برجسته کنند با تأمل و دقت در اندیشه‌ها و آموزه‌های طرف مقابل، حداقل آن بخش از این آموزه‌ها را که استنباط آنها از آیات و روایات ممکن است به دیده‌ی خریدار بنگرند تا خود را از این جلوه‌های حق محروم نسازند.

چنین رویکردی می‌تواند آثار و برکات ارزشمندی داشته باشد که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱. جامعیت آموزه‌های قرآن کریم و سنت معصومین، جلوه‌ی بیشتر و عینی‌تری می‌یابد.
۲. وحدت و همگرایی نحله‌های فکری بیشتر می‌شود که خود، آثار اجتماعی و تربیتی قابل توجهی برای آحاد جامعه دارد.
۳. جزمیت و محدود نگرایی هر یک از دیدگاه‌ها کاهش، و انعطاف و جامعیت نسبی آن‌ها افزایش می‌یابد.
۴. این رویکرد به دنبال نزدیکی و همفکری بیشتر متفکران و اندیشمندان شیعی می‌تواند زمینه‌ساز نزدیکی بیشتر متفکران اسلامی و آن‌گاه اندیشمندان ادیان توحیدی و حتی سایر متفکران در کل جامعه بشری باشد.

به نظر شما آیا چنین رویکردی نمی‌تواند چاره‌ساز برخی از مشکلات فکری و اجتماعی جامعه‌ی ما باشد. با ارائه مقالات و نظرات خود این رویکرد را نقد و بررسی کرده و بسط دهید.



دکتر علی نصیری
عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی

استاد مطهری و عشق به قرآن

استاد شهید مرتضی مطهری از دانشمندان بزرگ شیعه در تاریخ معاصر است. وی فیلسوف، مفسر و فقیهی ژرف‌نگر بوده که با تسلط و اشراف کامل بر شریعت اسلامی و اصول حاکم بر آن، توانست اندیشه‌های ناب اسلام محمدی (ص) را در میان جامعه به گونه‌ای مطرح کند که پاسخگوی بسیاری از معضلات و مشکلات فکری نسل جوان و روشنفکران جامعه‌ی اسلامی باشد.

مهم‌ترین مباحث قرآنی استاد به‌طور مستقل در مجموعه‌ای با عنوان آشنایی با قرآن در دوازده جلد گردآوری شده است که شامل سلسله مباحث تفسیری استاد شهید، در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ می‌شود که بنا بر وعده‌ی شورای نظارت بر آثار استاد، به ۱۴ جلد خواهد رسید.

همایش اندیشه‌های قرآنی استاد شهید حدود دو سالی می‌شود که فعالیت خود را آغاز کرده است و نسبت به جمع‌آوری مقالات درباره‌ی اندیشه‌ها و آرای ایشان مبادرت می‌کند. مقاله‌ی حاضر یکی از این نوشتارهایی است که برای همایش اندیشه‌های قرآنی شهید مطهری ارسال شده است و مجله‌ی رشد قرآن با کسب اجازه از دست‌اندرکاران این همایش و با هماهنگی مسئولین همایش و دریافت مقاله از آنان، نسبت به چاپ آن اقدام می‌کند.

چکیده

یکی از نکات قابل توجه در حیات شهید مطهری، عشق و شیدایی او به قرآن است. نگارنده در این مقاله، نخست پدیده‌ی جذبه و جاذبه‌ی قرآن و مسحوری به هنگام تلاوت یا شنیدن آیات قرآن را بررسی کرده است و با ارائه‌ی نمونه‌هایی در گفتار خاورشناسان، نشان داده است که چنین پدیده‌ای واقعاً در قرآن وجود دارد. آن‌گاه با برشمردن شواهدی چند، علت عشق استاد شهید مطهری به قرآن، واکاوی شده است. نقش استادانی هم‌چون امام خمینی و علامه طباطبایی، زمان‌شناسی، تمجید و ستایش مکرر از قرآن، از جمله شواهدی است که می‌تواند وجود چنین عشقی به قرآن را در جان شهید مطهری نشان دهد.

کلید واژه‌ها: شهید مطهری، عشق به قرآن، تلاوت، زمان‌شناسی.

مدخل

شهید مطهری امتیازات قابل تحسینی داشت که به شماری از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

● **سلامت نفس، طهارت و وارستگی روحی.** استاد فرزانه‌ی ایشان یعنی **امام خمینی (ره)**، درباره‌ی طهارت نفس شهید مطهری چنین آورده است: «مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود...»^۱ سلامت نفس و وارستگی این شهید فرزانه را می‌توان از خطابه‌های تأثیرگذار او و نیز از میان کتاب‌های او به خوبی دریافت.

● **قدرت علمی و فکری.** آثار فراوان استاد مطهری و گستردگی موضوعات نشانگر این مدعاست. گفتار **علامه طباطبایی**، استاد دیگر شهید مطهری، که می‌گفت: «وقتی مطهری در درس حاضر می‌شد، من به وجد می‌آمدم»، حکایتگر برخورداری او از اندیشه‌های ژرف و موشکاف در برخورد با مسائل علمی بود.

● **مطالعه و تتبع گسترده.** شهید مطهری را باید از آن دسته از اندیشوران برشمرد که هیچ‌گاه به دانش برگرفته از استادان یا تفکر فردی خود بسنده نمی‌کنند، بلکه برای دستیابی به اندیشه‌های نو، خود به مطالعه‌ی گسترده و دامنه‌دار رو می‌آوردند. یادداشت‌های استاد که سال‌ها پس از شهادت او منتشر شد، نشانگر این گفته است.^۲

● **زمان‌شناسی و مسئولیت‌پذیری.** شهید مطهری زمان و مقتضیات عصر خود را می‌شناخت، به‌ویژه که در دوران پرشتاب تحولات فکری در دهه‌های پیش از انقلاب، در مرکز این تحولات، یعنی دانشگاه تهران، حضور داشت. افزون

بر آن، خود را در برابر نیازها و ضرورت‌های عصر خویش، چنان مسئول می‌دید که لحظه‌ای آرامش نداشت و از هیچ خطری نمی‌هراسید. همین مسئولیت‌شناسی و برخورداری از روح حماسه و شجاعت باعث شد که او چون سدی آهنین، در برابر موج بنیان‌کن تفکر التقاطی بایستد و سرانجام جان خود را فدای آن سازد.

● **قوت قلم و بیان نافذ.** بدون تردید، اگر عالمی الهی، از دو نعمت بزرگ قلم استوار و بیان شیوا برخوردار باشد، نقش و تأثیرگذاری او برای عموم مردم، به ویژه نسل فرهیخته، چند برابر خواهد شد و خداوند این دو نعمت را به فزونی به شهید مطهری ارزانی داشت. اقبال گسترده‌ای که طبقات متفاوت اجتماعی در زمان حیات و پس از شهادت استاد مطهری به مطالعه‌ی کتاب‌ها و شنیدن سخنان تأثیرگذار او از خود نشان دادند، نشان از این مدعا دارد.

● **رویکرد به مطالعات قرآنی.** استاد مطهری در دوران حیات پرفراز و نشیب خود، توفیق بازکاوی و بررسی مسائل دینی در عرصه‌هایی اعم از فلسفه، کلام، فقه، تاریخ و سیره، اخلاق و از جمله مسائل و مباحث قرآنی را پیدا کرد. مباحث قرآنی ایشان عمدتاً در آثار کلامی نظیر کتاب «وحی و نبوت»، هشت جلد کتاب با عنوان «آشنایی با قرآن» و بخشی از مباحث کتاب «خدمات متقابل ایران و اسلام» انعکاس یافته که از اشتیاق وافر ایشان به مباحث قرآنی حکایت دارد.

مطهری و قرآن

مطهری را باید جزو آن دسته از اندیش‌ورزان نیک رأیی دانست که قرآن، این کتاب هدایت و نور را، نیک می‌شناخته و از سودای جان نسبت به آن، واله و شیدا بوده است. در این جا مناسب است به کمک شواهدی، این مدعا را اثبات کنیم:

نقش استادان شهید مطهری در پیدایش عشق او به قرآن

شهید مطهری بسان بسیاری دیگر از همگان خود، در طول دوران تحصیل، در حوزه‌های علمیه، از محضر استادان بزرگی بهره جست. اما در میان آنان، دو استاد برجسته تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری شخصیت علمی و معنوی وی داشته‌اند که عبارت‌اند از: امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی (ره). با صرف نظر از همه‌ی امتیازات علمی، اخلاقی و معنوی این دو استاد فرزانه، عشق و شیدایی آنان به قرآن مثال‌زدنی است. عشق امام خمینی (ره) به قرآن در سراسر آثار ایشان و اهتمامی که به آیات قرآن نشان داده، هویداست.

شهید مطهری دارای ویژگی‌های قابل تحسینی بود که برخی از آنها عبارتست از: سلامت نفس، طهارت و

**وارستگی روحی، قدرت علمی و فکری،
مطالعه و تتبع گسترده، زمان‌شناسی و
مسئولیت‌پذیری، قوت قلم و بیان نافذ و
رویکرد به مطالعات قرآنی**

در این باره چنین آورده
است:

دریغ است در این مقدمه
از آن بزرگ‌مردی که مرا اولین
بار با نهج‌البلاغه آشنا ساخت و
درک محضر او را همواره یکی از

ذخایر گران‌بهای عمر خودم که حاضر نیستم
با هیچ چیز دیگر معاوضه کنم، می‌شمارم و شب و روزی
نیست که خاطره‌اش در نظرم مجسم نگردد، یادی نکنم و
نامی نبرم و ذکر خیری ننمایم» [سیری در نهج‌البلاغه: ۱۲].

عشق شهید مطهری نسبت به نهج‌البلاغه، کتابی فروتر از قرآن

شهید مطهری در مقدمه‌ی کتاب «سیری در
نهج‌البلاغه»، درباره‌ی آشنایی و عشق خود به نهج‌البلاغه
چنین آورده است:

از کودکی با نهج‌البلاغه آشنا بودم و آن را در میان
کتاب‌های مرحوم پدرم می‌شناختم... در همه‌ی این
مدت، نام نهج‌البلاغه بیش از هر کتاب دیگر به گوشم
می‌خورد... تا آن‌که... تصادف کوچکی مرا با فردی
آشنا با نهج‌البلاغه (میرزا علی آقای شیرازی) آشنا
کرد. او دست مرا گرفت و اندکی وارد دنیای نهج‌البلاغه
کرد. آن وقت بود که عمیقاً احساس کردم این کتاب را
نمی‌شناختم... از آن پس، چهره‌ی نهج‌البلاغه در نظرم
عوض شد، مورد علاقه‌ام قرار گرفت و محبوب شد [همان،
ص ۱۱-۱۰].

از سوی دیگر جالب است بدانیم که ایشان آن‌جا که
قرآن را با نهج‌البلاغه می‌سنجد، در عین ستایش از گفتار
نغز و شکوهمند حضرت امیر (ع) در نهج‌البلاغه، درست
به مثابه کسی که آفتاب را در برابر ماه می‌ستاید، از زیبایی،
عظمت، بلندای لفظ و معنای قرآن سخن می‌گوید. خوب
است بخشی از گفتار وی در این باره را مرور کنیم:

یادم نمی‌رود، یک وقتی در قم برای طلاب نهج‌البلاغه
تدریس می‌کردم. امیرالمؤمنین خطبه‌ای دارد که از
خطبه‌های زهدی نهج‌البلاغه است. راجع به این که عمر
وفایی ندارد و انسان باید متوجه باشد که مردنی هست.
راجع به این که وضع عالم بعد از موت را تشریح می‌کند،
خطبه‌ای است که از نظر فن فصاحت، فوق‌العاده جذاب
است. فصاحت و بلاغت امیرالمؤمنین را احدی، چه دوست

افزون بر آن، همه‌ی
فرزندان انقلاب بارها شاهد
بوده‌اند که سخنرانی و
اظهارنظرهای ایشان، همواره
با استشهاد به قرآن عجین
بود و بارها از مهجور بودن و

ناشناخته ماندن قرآن و آموزه‌های بلند آن
اظهار تأسف می‌کرد و آه جان‌سوز از دل برمی‌کشید.

شیرین‌تر از همه آن‌که در سراسر عمر و به‌ویژه در بستر
بیماری و روزهای آخر عمر، هیچ‌گاه از تلاوت و هم‌نشینی با
قرآن غفلت نکرد.

عشق و شیدایی علامه طباطبایی (ره) به قرآن نیز
مثال‌زدنی است. به جرئت می‌توان مدعی شد که در یک‌صد
سال اخیر، کسی را نمی‌توان یافت که تا این حد دل‌باخته‌ی
قرآن باشد. این شور و شیدایی علامه طباطبایی (ره) نسبت
به قرآن، کار را به آن‌جا رساند که ایشان همه‌ی مطالعات و
تحقیقات خود را به کناری نهاد و سی سال شبانه‌روز برای
تدوین تفسیرالمیزان عاشقانه کوشید.

از آن‌جا که می‌دانیم، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار
در ایجاد و تقویت کشش‌ها و گرایش‌ها در انسان، استادان
هستند، می‌توان مدعی شد که شهید مطهری به‌خاطر همراهی
مستمر با چنین استادان عاشق قرآن، خواسته یا ناخواسته جزو
آن دسته از اندیش‌ورانی است که خود را در کمنند جذب و
جاذبه‌ی قرآن اسیر می‌دیده است.

جالب آن‌که امام خمینی (ره) در فرازی از پیام خود، به
مناسبت شهادت شهید مطهری، درباره‌ی بعد قرآنی وی چنین
آورده است: «... تسلیت در شهادت مردی که در اسلام‌شناسی
و فنون مختلفه‌ی اسلام و قرآن کریم کم‌نظیر بود،...»

استاد مطهری درباره‌ی علامه طباطبایی چنین آورده
است: «در سال ۲۹ در محضر درس حضرت استاد، علامه‌ی
کبیر، آقای طباطبایی (روحی فداه) که چند سالی بود به قم
آمده بودند و چندان شناخته شده نبودند، شرکت کردم»
[مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۴: ۴۴۲].

عبارت «روحی فداه» در حق علامه طباطبایی، نشانگر
میزان ارادت و تأثیرپذیری استاد مطهری از ایشان است.
تأثیرپذیری شهید مطهری از استادان را چنین می‌توان از
ستایش و تجلیل او از آیت‌الله میرزا علی آقای شیرازی
در یافت که در مدتی کوتاه، نزد او نهج‌البلاغه را آموخت. شهید
مطهری در بخشی از مقدمه‌ی کتاب سیری در نهج‌البلاغه،



و چه دشمن، انکار ندارد و این مطلبی است غیر قابل بحث. یعنی همین طور که ما می‌گوییم **فردوسی** یا می‌گوییم **حافظ**، منتها آن‌ها در شعرند، یا اثر این جور اشخاص را یک اثر جاویدان می‌دانیم از نظر فصاحت و بلاغت، در زبان عربی نهج البلاغه این طور است و بالاتر از این بدون شک و شبهه. خیلی خطبه‌ی باحالی است و این جور شروع می‌شود: «دنیا خانه‌ای است که محفوف است به شدائد و سختی‌ها. همیشگی در این جا وجود ندارد. عیش و خوشی که در این جا هست، عیش و خوشی و لذت واقعی نیست. مردمی که در این جا هستند، حکم نشانه‌هایی هستند که از اطراف تیره‌های بلایا به سوی آن‌ها پرتاب می‌شود.»

همین طور جمله جمله حضرت را می‌گویند تا بعد وارد کلام که واقعاً کلام زیبایی است، یک آیه‌ی قرآن می‌آورد... این‌ها را می‌گوید و می‌گوید، در آخرش می‌گوید: «هنالک تبلوا کل نفس ما اسلفت و ردوا الی الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون». فعلاً به معنی‌اش کار نداشته باشید، این الفاظ را که الان می‌خوانم، الفاظ نهج البلاغه را ببینید چه شکل است، لفظ قرآن را ببینید چه شکل است. وقتی الفاظ نهج البلاغه را پهلوی قرآن می‌گذاریم، مثل این است که انسان با اتومبیل در جاده‌ای حرکت می‌کند، می‌بیند فراز و نشیب دارد، یکدفعه روی آسفالت جدید قرار می‌گیرد، می‌بیند اتومبیل روی یک خط هموار حرکت می‌کند و کوچک‌ترین فراز و نشیبی ندارد: «بالبلاء محفوفه و بالغدر معروفه، لاتدوم احوالها و لا تسلم نزالها... العیش فیها مذموم» نا آخر، آن‌گاه می‌گوید: «هنالک تبلوا کل نفس ما اسلفت و ردوا الی الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون» یک انسجام عجیب! من دیدم این قدر تفاوت است میان این جمله و آن جمله که از زمین تا آسمان» [مجموعه آثار، ج ۴: ۷-۵۳۶].

کسی که برای قرآن در مقایسه با نهج البلاغه چنین برتری و برجستگی بی‌منتهایی قائل است و از سوی دیگر، آن چنان که نقل کردیم، از عشق و شیدایی خود نسبت به نهج البلاغه سخن می‌گوید، پیداست که عشق و شیدایی او نسبت به قرآن، به مراتب بیش از آن چیزی است که برای نهج البلاغه بازگو کرده است.

این امر نظیر آن می‌ماند که کسی به رغم دیدن و آگاهی از زیبایی‌های توصیف‌ناپذیر مادی و معنوی بهشت، از زیبایی آسمان دنیا و ستارگان آن ستایش کند. پیداست ستایش و تعظیم او نسبت به زیبایی‌های بهشت، به مراتب افزون‌تر و شدیدتر خواهد بود.

مگر می‌کرد درویشی نگاهی

دزین دزیای پر درز آلهی

کواکب دید چون شمع شب افروز

که شب از نور ایشان گشته چون روز

تو گویی اختران ایستاده اندی

زیان با خاکیان بگشاده اندی

که هان ای خاکیان هشیار باشید

دزین درگه شبی بیدار باشید

رخ درویش بی‌دل زین نظاره

ز چشمش درفشان شد چون ستاره

که یارب بامر زندانت چنین است

که گویی چون نگارستان چین است

ندانم بامر ایوانت چسان است

که زندان بامر هم جو بوستان است

[اسرارنامه‌ی عطار نیشابوری]

تمجید و ستایش و صف‌ناپذیر

شهید مطهری (ره) از قرآن

وقتی به گفتارهای شهید مطهری در مباحث گوناگون و به‌ویژه در مواردی که درباره‌ی قرآن اظهار نظر کرده است، مراجعه می‌کنیم، به روشنی درمی‌یابیم که وی برای قرآن جایگاه بس بلند و رفیعی قائل است، به گونه‌ای که خود را ناگزیر می‌بیند به رغم احترام به گفتار پیامبران و اولیای الهی، این دست از گفتارها را در مقایسه با قرآن، به معنای جاده‌ای پرفراز و نشیب ارزیابی کند.

چنان که آن‌جا که درباره‌ی جاذبه و حلاوت قرآن یا تأثیرگذاری قرآن بر تاریخ و تمدن بشری یا حیات‌بخشی قرآن سخن می‌گوید، این عشق و دل‌باختگی کاملاً هویداست. در این جامناسب می‌بینم که گفتاری از آن شهید فرزانه نقل کنم که عشق وی را به قرآن بازگو می‌کند:

«دیروز عصر در فاتحه‌ی مرحوم فرزانه که به مناسبت چهل‌مین روز وفاتش در حسینیه گرفتند - او واقعاً مرد عالم و متدینی بود و ما از نزدیک ایشان را می‌شناختیم و واقعاً اهل قرآن بود - آقای آرام که به قول خودش سخن‌ران نیست، آمد یک ده پانزده دقیقه‌ای صحبت کرد و بعد یک موضوع خیلی خوبی برای مستمعان مطرح کرد. گفت: آقایان، هر چه که شما در فضیلت این آقای فرزانه می‌گویید، همه‌ی این‌ها وابسته به یک چیز بود که فرزانه اهل قرآن بود و با قرآن سروکار داشت. و بعد هم همه را توصیه کرد که اگر کسی مسلمان



۱۵۰ ساعت باقی مانده است [آشنایی با قرآن، ج ۴: ۵] و این بخش اندکی از مباحثی است که ایشان در این زمینه ارائه کرده است.

در مقدمه‌ی جلد پنجم این کتاب آمده است، شهید مطهری در طول اقامت خود در تهران، تفسیر نیمی از قرآن را برای مخاطبان عام و خاص، ارائه کرده بود که نوارهای بخشی از این جلسات باقی مانده است. بدین جهت، در مقدمه‌ی این کتاب‌ها پیوسته از خوانندگان خواسته شده است که اگر نواری از آن شهید در دست دارند، در اختیار شورای نظارت بر آثار شهید بگذارند.

در بخشی از مقدمه‌ی جلد اول کتاب «آشنایی با قرآن» چنین آمده است:

شناخت قرآن، نامی که خود استاد برای آن سلسله سخنرانی‌ها انتخاب کرده بود، بنا بود مدخلی باشد برای یک رشته از بحث‌های عمیق و اساسی عقیدتی که عبارت بودند از: خدا در قرآن، قرآن در قرآن، انسان در قرآن، تاریخ در قرآن، شناخت در قرآن و... که روی هم مجموعه‌ای پر شماره و غنی از معارف و اندیشه‌هایی را که در این آخرین و کامل‌ترین پیام الهی مندرج است، در برمی‌گرفت... گرچه طرح این کار عظیم در سال‌های بعد و حتی تا دم‌شهادت توسط این شاگرد راستین مکتب قرآن دنبال شد، اما دریغ که استاد مجال نیافت کار سترگی را که آغاز کرده بود، به سامانی نیکو رساند [همان ج ۱: ۶].

توفیق تفسیر نیمی از قرآن، هر چند برای مخاطبان عام، از سوی اندیش‌وررانی هم‌چون شهید مطهری که برای دفاع و سنگربانی از مبانی عقیدتی و فکری اسلام، لختی نیاسود، توفیقی بزرگ است که از عشق و دل‌دادگی وی به قرآن و باورمندی به جایگاه و نقش قرآن در تعالی بخشی به حیات فردی و اجتماعی مردم حکایت دارد.

افزون بر فراهم آمدن آثاری مستقل در زمینه‌ی قرآن و تفسیر، در سایر آثار این شهید به‌ویژه آثار کلامی وی، هم‌چون کتاب‌های **وحی و نبوت**، به صورت مکرر و پیوسته از آیات قرآن برای اثبات مبانی کلامی متقن اسلامی یا نقد تفکرات رقیب استفاده شده است که همه نشان از حضور پرتنگ قرآن در تفکرات و اندیشه‌های ایشان دارد.

شناخت نیاز و مقتضیات زمان و باورمندی به نقش قرآن در اصلاح فرد و اجتماع

در روایات معصومان (علیهم‌السلام) بر ضرورت زمان‌شناسی عالمان دین، تأکید فراوان شده است. امام صادق

است و می‌خواهد از مزایای اسلام بهره‌مند شود، باید با قرآن آشنا شود و اگر می‌خواهد با قرآن آشنا شود، باید با زبان قرآن آشنا شود و این زبان قرآن را بروید یاد بگیرید. به خاطر قرآن بروید یاد بگیرید، نه به خاطر چیز دیگر» [مجموعه آثار، ج ۴: ۵۵۹-۶۰].

آن‌گاه چنین افزوده است: «من خودم حدود هشت سال است که واقعاً معنی‌ای در قرآن احساس می‌کنم که در غیر قرآن احساس نمی‌کنم. گاهی با خودم فکر می‌کنم، شاید این در اثر آن است که تربیت ما عملاً تربیت اسلامی و دینی بوده و این خودش نوعی تعصب است. بعد می‌بینیم که اگر تعصب بود، باید هر چیزی که نام اسلام داشته باشد، برای من علی‌السویه باشد. این همه اخبار و احادیثی هم که ما داریم، باید این‌ها در من همان احساس را ایجاد کند، در صورتی که من می‌بینم نسبت به بسیاری از آثاری که در قدیم آثار اسلامی می‌دانستیم و درباره‌ی آن‌ها فکر می‌کردیم، مرتب دارم از آن‌ها دورتر می‌شوم، ولی نسبت به قرآن می‌بینیم که این اصلاً چیز دیگری است... مخصوصاً وقتی با این آهنگ‌ها می‌شنوم، خیلی لذت می‌برم و گاهی لازم نیست آهنگی باشد، خودم به تنهایی یک آیه‌ی قرآن را تکرار می‌کنم، می‌بینم چه قدر شیرین و لطیف و زیباست!

این حلاوت و شیرینی قرآن و این که هر چه تکرار می‌شود، از شیرینی‌اش کاسته نمی‌شود، از وجوه اعجاز قرآن کریم است.

اهتمام به قرآن در آثار و حیات شهید مطهری

از جمله شواهدی که عشق و شیدایی شهید مطهری را نسبت به قرآن نشان می‌دهد، اهتمام به قرآن، استشهاد به آیات و ارائه‌ی مباحث تفسیری در مجموعه آثار ایشان است. اگر بتوانیم آثار شهید مطهری را ناظر به چند حوزه از مطالعات دینی و اسلامی هم‌چون فلسفه، کلام، اخلاق، سیره و... ارزیابی کنیم، قطعاً یکی از این حوزه‌های مورد نظر استاد شهید، قرآن و مطالعات قرآنی است. به گونه‌ای که هشت جلد از آثار ایشان تحت عنوان «آشنایی با قرآن»، به بررسی و تفسیر سوره‌هایی از قرآن اختصاص یافته است.

استاد براساس آن‌چه در این کتاب‌ها آمده، حدود بیست سوره از سوره‌های قرآن شامل حمد، آیاتی از سوره‌ی انفال، توبه، نور، زخرف، دخان، جاثیه، فتح، قمر، حدید، حشر، ممتحنه، صف، جمعه، منافقون، تغابن، طلاق، تحریم، ملک و قلم را تفسیر کرده است.

براساس آن‌چه در مقدمه‌ی جلد چهارم کتاب «آشنایی با قرآن» آمده، از مجموع دروس تفسیری استاد شهید مطهری،

دو استاد برجسته تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری شخصیت علمی و

معنوی شهید مطهری نقش داشته‌اند که عبارت‌اند از: امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی (ره)

ما وقتی که سراغ آن
فیلسوفان الهی می‌رویم،
فرض کنید که رأس آن‌ها در
قدیم افلاطون و ارسطو را در
نظر می‌گیریم، می‌بینیم آن‌ها هم از

خدا یاد می‌کنند و با دلایلی که دارند، وجود خدا
را اثبات می‌کنند. اما می‌بینیم خدایی که آن‌ها به ما نشان
می‌دهند، حداکثر آن‌چه بتوانند نشان بدهند، یک موجود
خشک بی‌روحي است. خدایی که آن‌ها معرفی می‌کنند، مثل
این است که یک ستاره‌ای را یک ستاره‌شناس به ما بشناساند.
فرض کنید یک ستاره‌شناس می‌آید مدعی می‌شود که غیر از
این سیاراتی که ما می‌شناسیم که به دور خورشید می‌چرخند
و آن‌ها را می‌بینیم، سیاره‌ی دیگری هم وجود دارد که اسمش
را مثلاً می‌گذارند «پپتون» یا «اورانوس». بسیار خوب، یک
اورانوسی هم در دنیا وجود دارد. آن فلاسفه وقتی که خدا
را معرفی می‌کنند، مثلاً می‌گویند علت‌العلل. از این بیشتر
دیگر حرفی ندارند. می‌خواهند با دلایل فلسفی ثابت کنند
که همه‌ی علت‌ها در یک نقطه متمرکز می‌شود. البته حرف
درستی است. می‌گویند: آیا تمام علت‌های عالم در یک علت
نهایی متمرکز می‌شود و آن علت نهایی منبع تمام علت‌ها و
اسباب دیگر است و یا این که در یک نقطه و در یک علت نهایی
متمرکز نمی‌شود؟ بسیار خوب، ما با دلیل فهمیدیم که در یک
نقطه‌ی نهایی متمرکز می‌شود. این درست مثل این است که
یک کسی بیاید قانون جاذبه‌ی عمومی را کشف کند که یک
قانونی در دنیا هست به نام جاذبه‌ی عمومی. چنین چیزی
برای روح بشر جاذبه ندارد، یعنی روح خودش را به سوی
خودش نمی‌کشد. در روح بشر، عشق و طلب به سوی خودش
ایجاد نمی‌کند، پرواز ایجاد نمی‌کند.

ولی خدا به آن شکلی که انبیا عموماً بیان کرده‌اند، آن
خدایی که قرآن به بشر معرفی می‌کند، جاذبه دارد، جمیل
است، زیباست، شایسته است که محبوب و مطلوب بشر قرار
بگیرد. بلکه تنها چیزی که شایسته است به تمام معنا مطلوب
و محبوب بشر قرار بگیرد. اوست. به گونه‌ای خدا را به انسان
می‌شناساند که در انسان نوعی اشتعال ایجاد می‌شود، یعنی
انسان برافروخته می‌شود، در او عشق و حرکت به سوی آن
خدا به وجود می‌آید، شب زنده‌داری‌ها به وجود می‌آورد،
تشنگی در روزها به وجود می‌آورد که برای این خدا، تشنگی‌ها
می‌کشد، گرسنگی‌ها می‌کشد، شب‌زنده‌داری‌ها پیدا می‌کند،
«تجاهدون فی سبیل‌الله باموالکم و انفسکم» می‌شود، جان
در راه این خدا فدا می‌کند، مال در راه خدا فدا می‌کند. اصلاً

(ع) در روایتی معروف فرمود:
«العالم بزمانه لانهجم علیه
اللوابس. بر عالم آگاه به زمان،
حوادث و رخدادها مشتبه
نمی‌شود» [کافی، ج ۱: ۲۷ و
تحف‌العقول: ۳۵۶].

عدم شناخت نیازها و مقتضیات هر عصر، افزون بر
آن‌که اندیش‌وران دینی را از مردم جدا ساخته و آنان را به
عناصری بی‌خاصیت تبدیل می‌کند، زمینه را برای لغزش‌های
بزرگ آنان فراهم می‌سازد. چنان‌که برخی از همین دست از
عالمان در تاریخ اسلام، به خاطر جهل به رخدادها و شرایط
عصر، از سعادت همراهی و هم‌صدایی با حضرت امیر(ع) در
برخی از اقدامات ایشان یا سعادت همراهی با امام حسین (ع)
در ماجرای کربلا، باز ماندند.

بی‌گمان هر کس که با تاریخ تحولات فکری ایران، در
سال‌های پیش از انقلاب آشنا باشد، با قاطعیت ادعا خواهد
کرد که شهید مطهری، از شمار اندک اندیش‌ورانی بود
که با درایت قابل تحسین، نیازها و ضرورت‌های عصر خود
و چگونگی پاسخ‌گویی به این نیازها را می‌شناخت. هجرت
از قم به تهران، حضور فعال و تأثیرگذار در دانشگاه تهران،
همراهی در بنیان‌گذاری حسینیه‌ی ارشاد، تألیف آثاری گاه در
سطح عموم هم‌چون داستان راستان، و نقش‌آفرینی در انقلاب
اسلامی ایران، از جمله شواهدی است که به خوبی این مدعا
را اثبات می‌کند.

عبارت‌های زیر از امام خمینی (ره) در تمجید از شهید
مطهری، نشانگر آگاهی او از نیازهای زمان خود است:

او با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و
توضیح حقایق فلسفی با زبان اسلام و بی‌قلق و اضطراب، به
تعلیم و تربیت جامعه پرداخت. آثار و قلم و زبان او بی‌استثنا
آموزنده و روان‌بخش است و مواعظ و نصایح او که از قلبی
سرشار از ایمان و عقیده نشئت می‌گرفت، برای عارف و عامی
سودمند و فرح‌زاست.^۲

رویکرد نسبتاً گسترده‌ی شهید مطهری به قرآن، حکایت
از همین روحیه‌ی زمان‌شناسی او دارد. او در آثار خود اذعان
می‌کند، هیچ بیانی و پیامی مشابه بیان قرآنی، برای تأثیرگذاری
در روح و روان مخاطبان، تأثیرگذار نیست.

از این جهت، حتی فلسفه و مباحث فلسفی را خشک،
بی‌روح و فاقد قدرت حیات‌بخشی می‌داند. برای نمونه، ایشان
در بیان تفاوت تصویری که فلسفه از خداوند می‌سازد، با
تصاویری که قرآن از خداوند ارائه کرده، چنین آورده است:

ارسطو قادر نیست که خدا را به این شکل به بشر بشناساند. می‌گوید علت‌العلل. همه‌ی علت‌های دنیا در یک نقطه متمرکز می‌شود. بسیار خوب در یک نقطه متمرکز بشود، آخرش چی؟ اما آن خدایی که ما در قرآن می‌بینیم، غیر از این که علت‌العلل است یا به تعبیر قرآن «الاول» است، اول مطلق است. همه چیز از آن جا پیدا شده، عمده‌ی مطلب آن «الآخر» بودنش است: یعنی آن که باز به تعبیر قرآن، همه‌ی اشیا طبعاً به سوی او بازگشت می‌کنند و به سوی او می‌روند و نهایت همه‌چیز به سوی اوست [مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۴: ۶۰۳-۶۰۴].

از سویی دیگر، شهید مطهری معتقد است که قرآن تمدن‌ساز است: «شناخت قرآن از آن جهت ضروری است که این کتاب در تکوین سرنوشت جوامع اسلامی و بلکه در تکوین سرنوشت بشریت مؤثر بوده است. نگاهی به تاریخ این نکته را روشن می‌کند که عملاً هیچ کتابی به اندازه‌ی قرآن بر جوامع بشری و بر زندگی انسان‌ها تأثیر نگذاشته است [آشنایی با قرآن، ج ۱: ۹۰].»

از سویی دیگر، شهید مطهری در سال‌هایی به کار تحقیق، تدریس و تبلیغ مشغول بود که موج مخالفت حکومت وابسته‌ی پهلوی با اسلام از یک‌سو و موج کاذب و پرجاذبه‌ی مارکسیسم از سویی دیگر، بنیادهای عقیدتی عموم مردم و اقشار فرهیخته به‌ویژه دانشجویان را در معرض خطر جدی قرار داده بود. خطر مارکسیسم و اندیشه‌های مارکسیستی چنان جدی بود که باعث گرایش جمعی قابل توجه از جوانان و فرهیختگان آن عصر و شماری از مبارزان، به این مکتب الحادی شد. انحراف گروه مجاهدین خلق و پیدایش گروه فرقان، زاییده‌ی این پدیده بوده است.

حرکت سیاسی امام خمینی با هدف براندازی حکومت پهلوی، حرکت علمی و فکری علامه طباطبایی با تدوین کتاب‌های خاص فلسفی هم‌چون اصول فلسفه و روش رئالیسم و تربیت شاگردان، تلاشی بود که برای مقابله با این دو جبهه انجام می‌گرفت.

در چنین حال و هوایی، شهید مطهری بسان سنگربانی خستگی‌ناپذیر که در متن این تحولات، آن هم در تهران و در دانشگاه حضور داشت، به خوبی از این آفات و خطرات آگاهی داشت و درست به همین خاطر تمام جد و جهد خود را برای مقابله با آن‌ها به کار گرفت و با بیان و قلم خود با آن‌ها به مبارزه برخاست. و سرانجام در همین راه، به دست گروه منحرف فرقان به شهادت رسید.

در چنین شرایطی که توفان‌های سم‌آسای دشمنان مغرض و دوستان جاهل، صدمات جبران‌ناپذیری به پیکره‌ی دین و باورهای مردم می‌زد، طبیعی است که استاد شهید

مطهری یکی از مؤثرترین راه‌ها را برای مقابله با این خطرات، پناه آوردن و بهره‌جستن از قرآن و نشر معارف این کتاب نور و هدایت، میان عوام و خواص می‌دانسته است.

درست‌به‌همین خاطر، تدریس تفسیر قرآن برای دانشجویان و عموم مردم که در مسجد الجواد (ع) و در منطقه‌ی قلعهک تهران، که در طی چند سال متوالی در دهه‌ی پنجاه شمسی انجام می‌گرفت، در دستور کار شهید مطهری قرار گرفت. و چنان که اشاره کردیم، وی در این مدت، توفیق ارائه‌ی نیمی از تفسیر قرآن را یافت. و قصد داشت از این مباحث، به عنوان مقدمه‌ای برای تدوین یک دوره‌ی تفسیر موضوعی جامع بهره‌گیرد.

بدون تردید، شهید مطهری پس از رها کردن دانشکده‌ی الهیات و برخی دیگر از اشتغالات و با پدید آمدن فضای بسیار مناسب و مساعد با پیروزی انقلاب اسلامی، مجال مناسب یافته بود که اندیشه‌های قرآنی خود را توسعه و تعمیق بخشد، اما دست‌ننگین تاریخ‌دانان، مانع تحقق این آرمان بلند شد.

پی‌نوشت

۱. بخشی از پیام امام خمینی به مناسبت شهادت استاد مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، ص ۱.
۲. در بخشی از مقدمه‌ی جلد اول یادداشت‌های ایشان، چنین آمده است: «در مجموع، یادداشت‌های استاد مطهری نوعی سرمایه‌ی بزرگ علمی و معنوی محسوب می‌شود که مخصوصاً برای اهل تحقیق مغتنم است. نکات بدیع و ابتکاری در این یادداشت‌ها فراوان دیده می‌شود». ر.ک: ج ۱، ص ۱۴.
۳. بخشی از پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد شهادت استاد مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، ص ۹.

منابع

۱. مطهری، مرتضی. آشنایی با قرآن. انتشارات صدرا. تهران. ج ۱، ۱۳۷۵.
۲. شیخ صدوق، علی بن محمد بن بابویه قمی. آمالی صدوق. مؤسسه‌ی بعثت. قم. ۱۴۱۷.
۳. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الطاهرات (ع). مجلسی، محمدباقر. مؤسسه الوفا. بیروت. ۱۴۰۳.
۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. جامعه‌ی مدرسین. قم. ۱۴۱۳.
۵. حرانی، ابن شعبه. تحف العقول عن آل الرسول. مؤسسه‌ی نشر اسلامی. قم. ۱۴۰۴.
۶. حرانی، علی ابن شعبه. تحف العقول عن آل الرسول. مؤسسه‌ی نشر اسلامی. قم. ۱۴۰۴.
۷. معرفت، محمد هادی. التمهید فی علوم القرآن. مؤسسه‌ی نشر اسلامی. قم. ۱۴۱۲.
۸. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، علی بن محمد بن بابویه قمی. منشورات الرضی. قم. ج ۱/۱۳۸.
۹. الحیاه. برادران حکیمی. مکتب نشر الثقافه الاسلامیه. تهران. ۱۳۷۱.
۱۰. رزی، بلاشر. در آستان قرآن، ترجمه‌ی محمود رامیار. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۳۵.
۱۱. مطهری، مرتضی. سیری در نهج البلاغه. انتشارات صدرا. تهران. ج ۱، ۱۳۷۶.
۱۲. کافی. یعقوب کلینی، محمد. انتشارات علمیه‌ی اسلامیة. تهران. بی‌تا.
۱۳. مجمع البیان فی علوم القرآن. طبرسی، امین‌الاسلام. انتشارات ناصر خسرو. تهران. بی‌تا.
۱۴. مجموعه آثار استاد شهید مطهری. مطهری، مرتضی. انتشارات صدرا. تهران، ج ۲. ۱۳۷۴.
۱۵. المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، سید محمد حسین. انتشارات جامعه‌ی مدرسین. قم. بی‌تا.
۱۶. مطهری، مرتضی. یادداشت‌های استاد مطهری. انتشارات صدرا. تهران. ۱۳۷۸.

راه اندازی نخستین سایت همگانی تحقیق و تدبر در قرآن کریم در دانشگاه شیخ بهایی

فریبا انجمنی

دبیر آموزش و پرورش منطقه‌ی دو تهران

«کتاب انزلناه الیک مبارک

لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوالالباب» (۲۹/ص)

یکی دیگر از حجاب‌هایی که مانع استفاده‌ی از صحیفه‌ی نورانی قرآن است، اعتقاد به آن است که جز آن که مفسران نوشته و یا فهمیدند، کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست. و تفکر و تدبر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی - که ممنوع است - اشتباه کرده‌اند و به واسطه‌ی این رأی فاسد و عقیده‌ی باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده‌ی عاری و آن را به کلی مهجور کرده‌اند در صورتی که استفاده‌ی اخلاقی، ایمانی و عرفانی، به هیچ وجه به تفسیر مربوط نیست تا تفسیر به رأی باشد «آداب الصلوة»، امام خمینی، ص ۱۹۴-۱۹۱.

سایت «کلام‌الله» که یک سایت پژوهشی در زمینه‌ی «تحقیق موضوعی در قرآن کریم» است، حاصل سلسله‌ی کاوش‌ها و کوشش‌های علمی و پژوهشی جمعی از دانشجویان و استادان است که به موجب اساس وظیفه و در پرتو درک عمیق ضرورت پاسخ به نیاز اساسی نسل معاصر در زمینه‌ی فهم قرآن یعنی «تحقیق موضوعی در قرآن» یا به تعبیر دیگر «مطالعه‌ی منظم و هدفمند در قرآن کریم» بنیان نهاده شد. در حال حاضر به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی قابل استفاده است و در آینده این قابلیت به زبان‌های بیشتری خواهد رسید.

هدف

سایت «کلام‌الله» بر آن است تا براساس «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم»، راه تحقیق در قرآن را به شکل موضوعی، به روی همه مشتاقان فهم قرآن بگشاید تا زمینه‌ی تدبر و استنباط مفاهیم و نکته‌ها و لطایف قرآنی را - آن هم به‌طور مستقیم - در ارتباط با موضوع‌های متفاوت، برای همگان به‌ویژه نسل معاصر فراهم آورد و در اثر استمرار تدبر در آیات قرآن کریم و مأنوس شدن با کلام خداوند، بیان و فرهنگ قرآنی در وجود قرآن‌پژوهان و در جامعه جلوه‌گر شود.

روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم

این سایت بر مبنا و اصول «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» طراحی و تنظیم شده که سال‌ها در مجامع آموزشی به محک تجربه درآمده و نتایج آن تجزیه و تحلیل شده است. کاربران پس از فرا گرفتن این روش و انتخاب موضوع می‌توانند، در فضای تعامل و مذاکره و هم‌فکری و هم‌اندیشی، به تحقیق در قرآن بپردازند. روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، به‌طور دقیق و منظم از مراحل و دستورالعمل‌های روش تحقیق استاندارد برخوردار است. بدیهی است، جامع‌ترین و اصیل‌ترین روش مطالعه و تحقیق در قرآن کریم، روشی است که از هر جهت با شیوه‌ی پیامبر اکرم (ص) مطابقت داشته باشد. لازم به ذکر است، علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) در مقدمه‌ی تفسیر گران‌قدر المیزان، با دلایل کافی به اثبات می‌رسانند که فهم قرآن از طریق تدبر در آیات متناظر شکل می‌گیرد.

الف) مرحله‌ی مقدماتی

۱. انتخاب عنوان تحقیق موضوعی و کلید واژه‌های آن
۲. آماده‌سازی اوراق اولیه‌ی تحقیق موضوعی
۳. نگارش صفحه‌های عنوان
۴. تدارک فهرست آیات اصلی
۵. تدارک فهرست سیاق‌ها
۶. ثبت آمار و ارقام مربوط به کاربرد کلید واژه‌های موضوعی موردنظر در قرآن کریم

ب) مرحله‌ی مفهوم‌یابی

۱. نگارش متن کامل آیه
۲. تلاوت مکرر آیه
۳. بررسی مفاهیم آیه
۴. یادداشت سؤالات
۵. بررسی مفاهیم آیه در سیاق آن
۶. یادداشت نظرها و هماهنگی‌ها
۷. نکات تکمیلی
۸. بازنگری سراسری مفاهیم بدست آمده
۹. مراجعه به متون تفسیری

ج) مرحله‌ی گسترش یا فشرده کردن تحقیق موضوعی

۱. راه‌های گسترش تحقیق موضوعی
۲. راه‌های فشرده کردن تحقیق موضوعی

د) مرحله‌ی تدوین و تألیف

۱. تدارک طرح بخش‌ها و فصل‌های تحقیق
۲. کدگذاری مفاهیم بدست آمده
۳. نگارش

نحوه‌ی ورود کاربر به سایت (کلام‌الله) و عضویت در آن

این سایت به گونه‌ای طراحی شده تا کاربران و علاقه‌مندان به تحقیق در قرآن کریم، به آسانی و بدون از دست دادن وقت بتوانند، پس از انتخاب رمز کاربری و ثبت نشانی پست الکترونیکی خود، به عضویت سایت درآیند و پس از فراگیری گام‌به‌گام «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم»، از قسمت راهنما، به کارگاه تحقیق موضوعی در قرآن وارد شوند.

کارگاه تحقیق موضوعی در قرآن

کارگاه‌های اصلی سایت «کلام‌الله» براساس برنامه‌ی

زمان‌بندی شده در دوره‌های گوناگون برگزار می‌شود. زمان آغاز و پایان هر

کارگاه، پس از فراخوان موضوع و انتخاب موضوع اصلی، به اطلاع کاربران می‌رسد. کاربر

پس از فراگیری روش می‌تواند، در فراخوان موضوع شرکت و موضوع یا موضوع‌های پیشنهادی خود

را در زمان تعیین شده اعلام کند.

در مرحله‌ی بعد، مدیر سایت به‌منظور رأی‌گیری و انتخاب موضوع اصلی کارگاه، همه‌ی موضوع‌ها را

نمایش می‌دهد و موضوعی که بیشترین آرا را هر دوره کسب‌کند، به‌عنوان موضوع اصلی کارگاه انتخاب می‌شود.

در ادامه، براساس روش تحقیق، کلیدواژه، فهرست آیات اصلی همراه با سیاق‌های مربوط آماده می‌شود و در اختیار

کاربران قرار می‌گیرد. با شروع کارگاه تحقیق موضوعی در قرآن، پژوهشگران می‌توانند نکته‌ها و دریافت‌های تدبری

خود را از آیات اصلی، به ترتیب ردیف‌ها یادداشت کنند و به بحث و تبادل نظر و مذاکره در فضای کارگاه تحقیقی

بپردازند.

یادآوری ۱: این تدبیر در سایت اندیشیده شده است که کاربر در صورت تمایل نکته یا نکات خود را در

معرض دید دیگر کاربران قرار دهد.

یادآوری ۲: همه‌ی نکته‌ها با نظارت و تأیید استادان و مدیران سایت قابل رؤیت است. از آن‌جا

که اساس این طرح و روش، بیان آیات قرآن از طریق تدبیر در خود آیات متناظر است، با تدبیر

و تحقیق در ردیف‌های بیشتر، مسیر تحقیق با هدایت خداوند عزیز کامل و کامل‌تر

می‌شود و تحقیق پیش خواهد رفت.

کارگروه‌های کارگاه تحقیقی سایت

کاربران به میزان سعی و تلاش خود

در سایت، از سوی مدیر سایت، رتبه و امتیاز

پژوهشی دریافت می‌کنند. چنین کاربرانی

می‌توانند با نظارت مدیر سایت، ضمن انتخاب

موضوع، خود در قالب یک گروه به

تحقیق بپردازند.

اصفهان، بهارستان، دانشگاه شیخ بهایی

تلفن: ۰۳۱۱-۶۸۱۶۷۶۰-۶۶

گفت و گو: رمضانعلی ابراهیم زاده‌ی گرگی

میراث علمی استاد مطهری، مخاطب رانق‌ادمی کند

سید محمد صالح هاشمی گلپایگانی، عضو هیئت علمی
دانشگاه امام صادق (ع) و مسئول تدوین
«طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری»



سید محمد صالح هاشمی گلپایگانی، مسئول تدوین «طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری»، در این دانشگاه مشغول است. این طرح برخوردار از بداهت، با ویژگی انعطاف‌پذیری با عنایت به مخاطبان، شایسته‌ی توجه به ویژه در آموزش و پرورش است. توجه به آثاری که امام خمینی (ره)، رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، همه‌ی آن‌ها را «بی‌استثنا خوب» ارزیابی می‌کند و به گفته‌ی خودش، نمی‌تواند درباره‌ی آثار دیگران چنین مزیتی را قائل شود.

در این گفت‌وگو، به مقتضای حال و مقام، به کلیاتی بسنده کرده‌ایم از بر تئمن و تبرک.

یاد معلم خبیر، استاد مرتضی مطهری به خیر باد و از زبان حافظ بزرگ، زمزمه‌ای دل‌گیرانه داریم که:
«گفت آن یار کز و گشت سردار بلند

جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد»

● گفت‌وگو را با آشنایی شما آغاز می‌کنیم.

○ بنده سید محمد صالح هاشمی گلپایگانی، در سال ۱۳۴۶ در تهران متولد شدم. در دانشگاه امام صادق (ع) رشته‌ی فلسفه و کلام را تادوره‌ی کارشناسی ارشد خواندم و اکنون ضمن عضویت در هیئت علمی این دانشگاه، در دوره‌ی دکترا، پایان‌نامه‌ی خود را با عنوان «اخلاق و عرفان اسلامی» تدارک می‌بینم. از سال ۱۳۷۸ به صورت رسمی، مسئولیت تهیه‌ی «طرح مطالعاتی آثار استاد شهید مطهری» به بنده سپرده شد.

● از چه زمانی با آثار استاد مطهری آشنا شدید؟

○ پرسش خوبی است. توفیق یار شد تا از سال ۱۳۶۱ به جبهه‌های دفاع مقدس بروم. مدتی به همراه واحد تخریب لشکر حضرت رسول (ص) به جایی رفتیم. در کتاب‌خانه‌ای در

مقدمه

۱۲ اردیبهشت‌ماه روز معلم است. این روز در هر سال یادآور خاطرات خطیر معلم مردی است که جان در راه روشنگری و هدایت خلق نهاد.

آن شب گلوله‌ای که از گلولی سرد و خشن سلاحی شلیک شد، به پیشانی دانشمندی اصابت کرد که همواره بار دانایی در کوله‌ی دانش می‌برد و با هدیه‌ی دانایی، تفکر را پاس می‌داشت؛

فصل‌نامه‌ی «رشد آموزش قرآن»، با نیت خیر یاد کرد از معلم و استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری و با هدف تذکار به فرهیختگان جامعه در گستره‌ی آموزش و فرهنگ کشور، گفت‌وگویی را با عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، به سرانجام رساند.

آنجا، برای اولین بار کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» را دیدم. پرسش‌هایی که در اول این کتاب آمده است، برای من که آن زمان ۱۶ یا ۱۷ سال داشتم، جالب توجه بود. اما نام ایشان را زمانی شنیدم که در مدرسه‌ی «تیک‌پرور» تحصیل می‌کردم. این مدرسه در خیابان فخرآباد قرار داشت. همان‌جا به ما گفتند، دیشب شخصی را به نام «آیت‌الله مرتضی مطهری» را پشت مدرسه ترور کردند. با یکی از دانش‌آموزان به آن‌جا رفتیم. در محل ترور، خون روی زمین ریخته بود. پس از صحبت‌های امام خمینی (ره) و انتشار پیام ایشان، متوجه شدم که دشمنان چه شخصیت ارزشمندی را از دست ما گرفتند.

اشاره به نکته‌ی دیگری هم جالب است که مرا به آثار استاد پای‌بند کرد؛ فردی به نام **مرتضی پالیزبانی**، فرمانده ما در جبهه، در دانشگاه تهران، دانشجوی رشته‌ی فلسفه بود. حدود ۲۱ سال داشت. سخن‌ران ماهری بود و به آثار استاد مطهری بسیار علاقه‌مند بود. روزی ما را که حدود ۳۰ نفر بودیم، جمع کرد و درباره‌ی شهید مطهری حرف زد و گفت: هفت سال از انقلاب اسلامی گذشته است. بعد از همه پرسید، چند کتاب ایشان را خوانده‌اند؟ هرکسی جوابی داد. در پایان نشست. به دلیل نفوذ کلامی که داشت، بچه‌ها مرخصی گرفتند، رفتند شهر و کتاب‌های استاد مطهری را خریدند. پس از بازگشت، در همان چادر شروع به مطالعه‌ی کتاب‌ها کردند. مرتضی پالیزبانی، قبل از عملیات فک، برای تشجیع رزمندگان، نوار روضه‌خوانی استاد مطهری درباره‌ی وقایع کربلا را تهیه و پخش کرد. اما در شب عملیات، با اصابت ترکشی به شهادت رسید. بعد از شهادت، در جیب لباسش نوشته‌ای یافتند. شهید پالیزبانی در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود: «مطهری، مطهری، مطهری را دریابید». به نظرم می‌آید روی سنگ قبرش نیز جمله‌ی «مطهری را دریابید» حک شده باشد. بنابراین، تلاش شهید پالیزبانی و ریختن خون وی، بر عزم بنده برای شناخت افکار مطهری تأثیر داشت. مطالعه‌ی کتاب‌های شهید مطهری که به این ترتیب از دو کوهه، مقر رزمندگان، آغاز شده بود، و هم‌چنان ادامه یافت، رشد عقلی جدی را برایم به ارمغان آورد.

● آیا همراه با آشنایی، شناخت هم حاصل می‌شد یا شناخت را انگیزه‌های دیگر به وجود آوردند؟

○ عوامل متفاوتی ممکن است به شناخت منجر شود؛ شناخت از روی آثار علمی، بر اثر روابط خانوادگی و شناخت به دلیل ارتباط شاگردی و استادی. بنده شهید مطهری را از آثارش شناختم. از جمله می‌خواستم دریابم که ویژگی‌های شخصیتی وی چگونه بود. لذا از روی قوه‌ی تحلیلش از مسائل و موضوع‌ها،

به امتیاز شخصیتی وی بیشتر پی بردم.

● زندگی عملی و نظری استاد مطهری توأمان بود. برای مثال، آن‌چه را درباره‌ی «جاذبه و دافعه‌ی علی (ع)» گفته، به نسبت می‌توان در کردار و رفتار وی نشان داد. بدین مفهوم که ایشان به دلیل داشتن مبانی و چارچوب‌های فکری مشخص و مستحکم، در مقابل نیروهایی که آنان را منحرف و کژرو می‌داند، موضع‌گیری منطقی می‌کند و بر اساس همان مبانی فکری که بدان اعتقاد دارد، هرگز از جاده‌ی استدلال خارج نمی‌شود و نهایت هدف خود را اولاً روشن‌گری و ثانیاً هدایت تعیین می‌کند. این روش وی که با قدرت آن را پی گرفت، در آن دوره نتیجه هم داد. هم در بُعد جاذبه و هم در بُعد دافعه. خوش‌بختانه، جاذبه‌ی کار وی بسیار پربرکت بوده است. متأسفانه بعد از شهادت ایشان، این سنت حسنه و مؤثر، از سوی دیگران ادامه نیافت، چرا؟

آیا می‌توان گفت که استاد مطهری به دلیل احاطه و اشراف کامل به هدف هدایت‌گرانه‌ی پیامبران و امام معصوم (ع)، سیاست را در ذات مباحث خود حل می‌کرد، اما پس از وی، اصل برخورد سیاسی شد و کلیت اندیشه‌ی اسلامی در محاق سیاست کدر شد. لذا تأثیر مبلغان به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نتوانست کارآمدی لازم را داشته باشد؟

○ شهید مطهری به خاطر ویژگی‌های فکری خاصش، نتیجه‌ی عملکردش با دیگران تفاوت پیدا کرد.

یکی از امتیازهای او، تفکر و عقلانیت شدید بود. تفکر و تلاش عملی‌اش به حدی رسیده بود که با پذیرش مبانی به‌صورت علمی کامل، قابلیت دفاع برای آن قائل شده بود و به همین سبب، کار معرفتی و عقلانی، برایش ایمان به ارمغان آورد. در ابتدای بحث ازدواج موقت در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» می‌گوید: وقتی درباره‌ی اسلام شبهه ایجاد می‌کنند

ایمان و تعبد شهید مطهری، در عین عقلانیت و بهره‌جستن از تفکر و اندیشه، امتیاز و ویژگی دیگر اوست. استاد ثابت کرد که نه تنها تفکر عقلانی با تعبد و حیانی منافات ندارد، بلکه این دو مکمل یکدیگرند

حضرت آیت الله خامنه‌ای: اگر بنده می‌خواستم برنامه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم را بنویسم، بدون شک یکی از مواد برنامه را این می‌گذاشتم که کتاب‌های آقای مطهری خوانده شود، خلاصه‌نویسی شود و امتحان داده شود

کرد. روایاتی که از زندگی‌اش نقل می‌شود، مؤید همین خصلت آزادیگویی اوست. اما بحث ما برمی‌گردد به پیام حضرت امام خمینی‌ره، پس از شهادت استاد و سخنانی که در بزرگداشتش بیان فرمودند. حضرت امام، آثار استاد را بی‌استثنا خوب دانستند. از این جمله و جمله‌های مشابه امام راحل می‌توان برداشت کرد که تفکر آن شهید در آثارش، در اوج است. لذا نباید کسی بدان‌ها انتقاد کند یا بخواهد از این مرحله بگذرد؟ یا مفهوم دیگری دارد؟

○ از ویژگی‌های جالب آثار شهید این است که به مخاطب، فکر نقادی را القا می‌کند. زیرا خواننده‌ی آثارش در می‌یابد که وی چگونه به تفکیک موضوع‌ها می‌پردازد و چگونه آرای درست و نادرست و اشکالات هر متن و فکری را مستدل بیان می‌کند. به‌طور کلی، هر کس کتاب‌های استاد را مطالعه کند، روحیه‌ی نقد سالم پیدا می‌کند. داشتن همین روحیه‌ی نقد سالم برگرفته از تأثیر مطالعه‌ی این آثار، این نتیجه را هم دارد که آثار استاد نیز قابلیت نقد دارند.

نباید فراموش کنیم که منتقد باید، ابتدا آثارش را به‌طور کامل مطالعه کند و بفهمد. بعد سویه‌ی نقد را اختیار کند. این اصل باید درباره‌ی تمام آثار دیگران نیز رعایت شود. اگر این شرایط نقد فراهم باشد، به نقد آثار استاد توصیه می‌شود. هرگز نمی‌توان به منتقد آگاه و فهیم گفت: «خواندن و درک مطلب کافی است، اما موشکافی لازم نیست، یا سؤال‌ها و ابهام‌های را مطرح نکن! تدبّر در آیات قرآن و بعد پرسیدن درباره‌ی آن‌ها و کلام معصوم (ع) نیز رواست، چه رسد به آثار استاد شهید مطهری!

اما توقف نکردن در آثار استاد، تفاوت می‌کند با کنار گذاشتن آن‌ها. توقف نکردن یعنی، با مطالعه و تدبّر، آثار را به‌طور کامل بفهمیم و بعد به مرحله‌ی بالاتر گام بگذاریم. آثار استاد مطهری، بستر اولیه‌ی نظام فکری اسلامی است، نه تمام تفکر اسلامی. باید اندیشید، چگونه می‌توان توقف نکردن در آثار استاد را محقق کرد و در چه صورت با گذر از آن به مراحل بالاتر رسید؟

این کار باید در دو مرحله صورت گیرد: تعمق در این آثار در مرحله‌ی اول و توسعه‌ی مبانی آن‌ها در مرحله‌ی دوم. از بیان این جمله‌ی اعتراض‌آمیز ناچارم که: بعد از سال‌ها گذاشتن سمینار و ایراد سخن‌رانی و برگزاری مسابقه، با آن که نام استاد زیانزد است، اما آثار و فکرش مهجور مانده است. در بحث‌های مربوط به آزادی، تا چه اندازه از آرای شهید

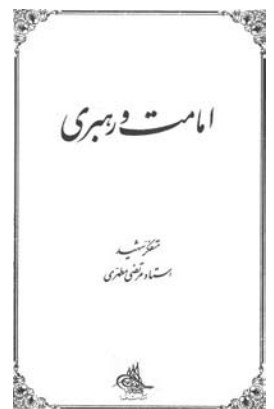
و به اسلام حمله می‌کنند، از ته دل خوش حال می‌شوم، زیرا می‌دانم پیروز نهایی این عرصه، اسلام است. استاد مطهری وقتی با امتیاز ایمان و قوت و قدرت فکری و استدلالی، به مصاف شبهه‌افکنان و مخالفان فکری می‌رود، عصبانی نمی‌شود و انگ نمی‌زند، بلکه با اشراف کامل به جوانب موضوع مورد اختلاف، به بحث عقلی و استدلالی و اقناعی می‌پردازد. خوب چرا ما و دیگران این ویژگی را نداریم؟ به دو دلیل:

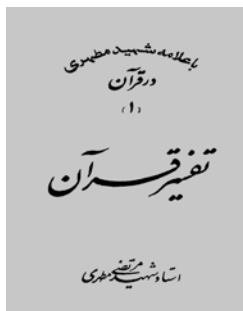
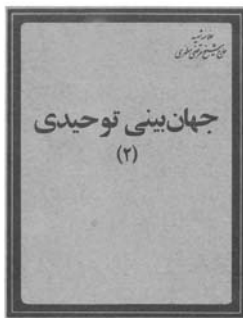
اول: سعی و تلاش نکرده‌ایم؛ دوم: شاید ایمان و شجاعت شهید مطهری را نداریم. رهبری هم روی شجاعت وی تأکید دارند. بنابراین، هم کار و تلاش کرده بود، هم روی امور فکری تسلط داشت و هم شجاعت علمی داشت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، خیلی از بزرگان، به دلیل کار و مشغله، فرصت تفکر نیافتند. نتوانستند آسیب‌شناسی جدی کنند و روش برخورد با مشکلات را هم پیدا نکردند. این نکته را هم اضافه کنم. وقتی استاد مطهری به شهادت رسید، برگه‌ای در جیبش یافتند که از جمله روی آن نوشته بود: برنامه‌ریزی برای جوانان و راه‌اندازی نماز جمعه. ببینید، چنین فردی در اردیبهشت سال ۵۸ که فقط چند ماه از پیروزی انقلاب می‌گذرد، به چه مسائل اساسی‌ای فکر می‌کند. اگر آن روز می‌خواهد برای جوانان برنامه‌ریزی کند، ۳۰ سال بعد با هجوم برای جبران کردن جوانان مواجه خواهد شد.

ایشان ایدئولوگ بود. مسائل را می‌دید، تحلیل می‌کرد و با استخراج قواعد، از آن‌ها برای برنامه‌ریزی آینده بهره می‌گرفت. به همین علت می‌توان گفت، برخی از ویژگی‌های شهید مطهری منحصر به‌فرد بودند و در دیگران کمتر آن‌ها را شاهدیم.

● استاد مطهری انسانی آزاده بود و آزادیگویی دیگران را نیز می‌طلبید. این امتیاز را می‌توان از آثارش فهم





تدوین سیر مطالعاتی آثار استاد، بفرمایید صبغی قوی معلمی و با مردم بودن، تا چه حد در طرح موضوعها و مسائل از سوی وی تأثیر داشت؟

○ خودشان مطلبی به این مضمون دارند: این آرزو به دلم ماند، جایی آن گونه قلم بزنم و بنویسم که خودم می‌خواهم. همواره قلم من در جهت پاسخ به سؤالها و رفع نیازها حرکت کرده است. یعنی بآبادک نیازهای جامعه و برای رفع آنها نوشته است. یا در جاهای دیگر یادآور می‌شود که بحثی را که مطرح می‌کند، به سؤالهایی بازمی‌گردد که از وی شده یا در جامعه مطرح است.

اول کتاب «مسئله‌ی حجاب» می‌گوید: در مرآه با جوانان دریافتم، بیشترین گرفتاری آنان به مسائل فکری و عقیدتی باز می‌گردد. جوانان عناد ندارند، بلکه مطالب درست به آنان تفهیم نشده است.

ایشان به مباحثی نپرداخت که در کتابخانه‌ها بایگانی شود و کسی به سراغشان نرود، بلکه خود دنبال نیازها و شبهه‌های موجود در جامعه رفت و همواره دغدغه‌اش، اسلام و نیازهای زمان و مقتضیات زمان بود.

معتقد بود، اسلام پاسخ‌گوی تمام نیازهای ماست. اما چرا اکنون مشکلات وجود دارد؟ پاسخ می‌داد، زیرا ما نتوانسته‌ایم از اصول ثابت اسلام، مواد لازم و به زبان روز را استخراج کنیم و به جامعه و از جمله جوانان ارائه دهیم.

علت ماندگاری و طرح آن‌ها تا امروز، همین ویژگی است. کار معلم همین است. معلم می‌خواهد با فکر و روح و جان مخاطبانش تعامل برقرار کند تا نیازها و دردهایش را دریابد. جالب است که ایشان در کتاب «انسان کامل»، ملاک انسانیت را درد می‌داند. خلاف رای راسل که منفعت و نیچه که قدرت می‌داند. می‌فرماید، اگر بخواهیم بدانیم چه قدر انسانیم، باید ببینیم چه قدر درد و دغدغه‌ی مشکلات دیگران را داریم. این درد و دغدغه سبب می‌شود، به اندازه و سعی خود در پی علت مشکل برویم. مثلاً جهل دیگران را با نوشتن، به دانایی بدل

از ویژگی‌های آثار شهید مطهری این است که فکر نقادی را به مخاطب القا می‌کند. زیرا خواننده‌ی آثارش درمی‌یابد که وی چگونه آرای درست و نادرست و اشکالات هر متن و فکری را مستدل بیان می‌دارد. لذا هرکس کتاب‌های استاد را مطالعه کند، روحیه‌ی نقد سالم می‌یابد

مطهری استفاده می‌شود و دیدگاهش در این مورد تشریح شده است؟ آثار و مبانی فکری ایشان در برنامه‌های صدا و سیما چند درصد نافذ است؟ آرای وی در نظام حقوق زن و مرد و در نظام اجتماعی، و در بحث عدالت اجتماعی و توحید و معنویت، تا چه حد مطرح است؟ می‌پرسم، در برنامه‌ریزی آموزش و پرورش و تدوین کتاب‌های درسی، چه قدر از آثار یا مبانی فکری استاد استفاده کرده‌ایم؟ بنابراین، مهجوریت آثار و فکرشان مطرح است، نه توقف در حد فکر وی.

این جا باید اضافه کنم، شاخصه‌های فکری استاد مطهری از دو منبع سرچشمه گرفته است: یکی از مرحوم علامه طباطبایی و دیگری از حضرت امام خمینی (ره). مرحوم امام و مرحوم علامه، هرچه دارند از قرآن کریم و اهل بیت (ع) است. اسلام ناب را که امام مطرح می‌کند، چیست و در کجا باید نشانه‌های آن را دریافت؟ این اسلام ناب را می‌توان در آثار استاد مطهری پیدا کرد.

● امام خمینی (ره) فرمود که شهید مطهری ثمره‌ی عمر ایشان است.

○ درست است. بنابراین تبلور علمی و مبانی اسلام ناب را می‌توان در کتاب‌های استاد یافت و آثار استاد معبری است به سوی دریای بی‌کران قرآن.

● به نظر شما آموزش و پرورش به وظیفه‌ی خود در قبال آثار استاد مطهری عمل کرده است؟

○ فکر می‌کنم عمل نکرده و در این زمینه نارسایی زیاد است. دلیل آن هم خروجی‌های انسانی از این وزارتخانه است. آنانی که وارد محیط کار یا دانشگاه می‌شوند، یا با میراث استاد آشنا نیستند یا آشنایی اندک دارند، یا با آثار شهید مطهری زاویه‌ی فکری جدی پیدا کرده‌اند. می‌پرسم، معلمان و مربیان آموزش و پرورش، حتی معلمان درس‌های دینی و قرآن، چه قدر با آثار ایشان آشنایی و نسبت به آن شناخت دارند؟ همین طور، مسئولان برنامه‌ریزی این وزارتخانه؟ شجاعت اعمال آرای شهید مطهری در این وزارتخانه چه قدر وجود دارد؟

● تدریس در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، از وی معلم می‌سازد. صفت مبلغ نیز اقتضا می‌کند، در مجامع گوناگون از مسجد تا دانشگاه، برای سخن رانی، وعظ و بحث‌های علمی، حضور یابد. لذا این دو امتیاز، سبب مشاهدات میدانی از معضلات و مشکلات متفاوت جامعه و ا فشار گوناگون می‌شود؛ از معضلات و مسائل فکری و عقیدتی گرفته تا مشکلات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اخلاقی. با عنایت به دخالت مستقیم شما در



ایشان در این حوزه چنین بود. ابتدا سؤال را مطرح و بعد تعریفها را مشخص می کرد. سپس بخش های عمده و مهم آرای مخالف را می گفت. در ادامه، اشکالات را بیان می کرد و آن را به چالش می کشید. در نهایت، نظر کامل خود را تبیین می کرد. کارش در مقابل پرسشگر و مخالفان فکری، فقط سلبی نبود.

مبنای تفکر شهید مطهری «توحیدی» است و به تمام شاخه های اندیشه و نظام فکری وی از این سرچشمه سیراب می شود. اصل توحید با تمام عمق آن را باید در قرآن یافت. لذا باید دانست، شهید مطهری تمام نظام فکری اش را از قرآن گرفته و به تناسب موضوع، از آن استفاده کرده است.

● **درباره ی «سیر مطالعاتی آثار شهید مطهری» نیز توضیحی بفرمایید.**

○ سیر مطالعاتی را از «آسان به مشکل» تدوین کرده ایم. علت انتخاب را هم عرض می کنم. به نظر می رسد، اگر سیر مطالعاتی آثار استاد را از «مشکل» بنا می گذاشتیم، ممکن بود برای مخاطبان خسته کننده باشد و مانع اقبال گسترده شود یا در استمرار کامل مطالعاتی، با ریزش مواجه شویم. بررسی ها نشان داد، انگیزه ی قوی لازم است تا فردی بخواهد با وجود سنگینی فهم مطلبی، بدون نظام اجباری، و در نوعی نظام اختیاری، کارش را ادامه دهد. به این علت، طی راه آسان به

کنیم. خودش این درد عمیق را داشت. لذا نیازهای جامعه را تشخیص می داد و در رفع آن ها می کوشید.

● **با توجه به آن چه مطرح کردید، شاید پرسشم غیر متعارف باشد، اما بدون شک کسانی که شناخت عمیقی از آثار شهید مطهری ندارند یا مطالعه شان فراگیر نیست، این سؤال برایشان مطرح است که آیت الله مرتضی مطهری در زندگی و آثار علمی اش تا چه حد از آموزه های قرآن کریم متأثر بود؟ به ویژه که به طور مستقیم و مستقل، مگر در سخنرانی ها و آثار معدودی از تفاسیر سوره های کوتاه قرآن، به این موضوع نپرداخته است؟**

○ در میان ویژگی های شهید مطهری، ویژگی قرآنی - روایی و ویژگی فلسفی اش خیلی بارز بود. مباحث را ابتدا تبیین کامل عقلی و استدلالی می کرد. بعد می گفت، این مطلب قرآنی است. در بحث های «آشنایی با علوم قرآنی» که تاکنون ۱۲ جلد آن چاپ شده است، ابتدا تفسیر قرآن دارند. بعد دلیل عقلی می آورند، اما در بقیه آثارش، ابتدا دلایل عقلی و استدلالی را می آورد. زیرا در این جا با سؤالات مواجه است. برای پاسخ نمی توان ابتدا به پرسشگر گفت، قرآن چنین می گوید، پس باید قبول کنی. در این وضعیت پرسنده می گوید چرا قرآن چنین گفت؟! لذا ابتدا بحث را خوب پرورش می دهد. روش

مشکل را برگزیدیم. البته ارتباط موضوعی را در نظر گرفته‌ایم.

● مبنای تدوین سیر مطالعاتی، کتاب محور است؟

○ مبنای کار کتاب است. برای مثال، از کتاب «آزادی معنوی» آغاز کردیم. این کتاب براساس انسان‌شناسی، خود عالی و خوددانی تنظیم شده است. بعد جاذبه و دافعه‌ی علی (ع)، سیره‌شناسی و... را قرار داده‌ایم.

البته این نظام، یک بُعد سیر مطالعاتی را تشکیل می‌دهد. در بُعد دیگر آن، مطالعه‌ی آثار را متناسب با زمان هم قرار داده‌ایم تا انگیزه‌ی مطالعاتی را در افراد تقویت کند. مطالعه‌ی «حماسه‌ی حسینی» را برای ماه‌های محرم و صفر توصیه کرده‌ایم و تأکید شده است که در ماه مبارک رمضان، به مطالب مربوط به امام علی (ع) رجوع کنند. لذا در این سیر، عنایت به مکان و زمان و مخاطب کاملاً رعایت شده است.

اگر قرار است دانش‌آموزان مدارس با برنامه‌ی سیر مطالعاتی با آثار استاد آشنا شوند، خوب است کار را با تأثیری پیش ببرید، اما در حوزه و دانشگاه به کار سرعت دهید. کتاب «داستان راستان» را در برنامه‌ی دانشگاهی نداریم، اما در مدارس، مثلاً در دوره‌ی راهنمایی، تأکید شده که در آغاز هر جلسه و قبل از ورود به بحث اصلی، یک داستان از شهید مطهری خوانده شود.

● پس این طرح سیر مطالعاتی قابلیت استفاده در آموزش و پرورش را هم دارد؟

○ سیر مطالعاتی مورد نظر ما چارچوبی دارد که با توجه به مخاطبان انعطاف‌پذیر است. به همین علت و به دلیل همین ویژگی، دوره‌ی فشرده‌ای را برای «تربیت مربی» در آموزش و پرورش اجرا کردیم. این دوره‌ها در چهار سطح طراحی شده‌اند که هر سطح در یک هفته و با ۴۸ ساعت کلاس، به شکل کارگاهی برگزار می‌شود. در این دوره، ابتدا استادان، شاگله‌ی مباحث و نکته‌های کلیدی و اساسی مباحث را با «اندیشه‌جو» بیان در میان می‌گذارند و اندیشه‌جویان از آن‌چه استاد مطرح می‌کند، یادداشت برمی‌دارند. در پایان هر سطح، وظیفه‌ی اصلی را اندیشه‌جو به عهده می‌گیرد.

اندیشه‌جویان با مطالعه‌ی تدریجی مباحث کتاب که قبلاً تدریس شد و همراه با مباحثه‌های هفتگی، مطالب هر کتاب را به خوبی فرا می‌گیرند. پس از این مرحله، در جلسه‌ای با حضور یکی از استادان، سؤال‌ها و شبهه‌ها مطرح می‌شوند و در مدت مباحثه و مطالعه، به پرسش‌ها پاسخ داده و شبهه‌ها نیز رفع می‌شوند. در این مرحله، اندیشه‌جو آمادگی لازم را می‌یابد تا به عنوان مربی، تدریس همان کتاب را برای گروهی

از اندیشه‌جویان دیگر به عهده گیرد. روش کار وی همان روش دوره‌ی آموزشی است. پس از اتمام مباحث سطح یک، مطالعه‌ی سطح دو آغاز می‌شود. پس از پایان دوره‌ی آموزشی، از مربیان آزمون گرفته می‌شود و افرادی که به کسب امتیاز لازم از قبل تعیین شده، موفق می‌گردند، به عنوان مربی معرفی می‌شوند.

● یعنی این دوره را می‌توان به نوعی آموزش ضمن خدمت به حساب آورد؟

○ درست است. مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، پس از آزمون، کارت و مدرک پایان دوره و مربیگری می‌دهد. افراد شرکت کننده در کلاس‌های تربیت مربی - که ما برای آنان اصطلاح «اندیشه‌جو» را وضع کرده‌ایم، از سوی آموزش و پرورش انتخاب و معرفی می‌شوند.

● آیا از این برنامه در آموزش و پرورش استقبال کرده‌اند؟

○ تاکنون در چندجا، از جمله در ارومیه، این دوره را برای معلمان و مدیران مدارس اجرا کرده‌ایم که دوره‌ی موفق بود و درخواست‌هایی برای برگزاری آن‌ها شد که در حال بررسی و مذاکره هستیم. اما یادآور شوم که در مجموعه‌ی آموزش و پرورش این بحث مطرح نیست و موضعی است. از جمله در منطقه‌ی یک، موضوع در حال پی‌گیری برای تشکیل کلاس‌اند. البته در برخی از مدارس، با حضور معلمان و استاد معرفی شده از سوی دانشگاه امام صادق (ع)، دوره‌ی سیر مطالعاتی برگزار شده است.

● مهم‌ترین هدف‌های اجرای طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری کدام‌اند؟

○ هدف‌های کلی اجرای طرح بسیار است، اما برخی از آن‌ها را یادآوری می‌کنم:

۱. بسط و گسترش اندیشه‌ی اسلامی در سطح جامعه؛

وقتی استاد مطهری به شهادت رسید، برگه‌ای در جیبش یافتند که از جمله در آن نوشته بود: «برنامه‌ریزی برای جوانان و راه‌اندازی نماز جمعه». ببینید ایشان در اردیبهشت سال ۵۸ که فقط چند ماه از پیروزی انقلاب می‌گذرد، به چه مسائل اساسی‌ای فکر می‌کند. اگر آن روز می‌خواهد برای جوانان برنامه‌ریزی کند، برای آن است که ۳۰ سال بعد، با هجوم برای حیران کردن جوانان مواجه نشود



۲. اشاعه‌ی تفکر ناب اسلامی در مراکز علمی، حوزوی و فرهنگی، به‌ویژه در مساجد، پایگاه‌های مقاومت و کانون‌های فرهنگی؛

۳. افزایش و ارتقای سطح شناخت و معرفت عمومی جامعه در مواجهه با جریان‌های ناسالم اجتماعی و سیاسی و تهاجم فرهنگی؛

۴. نیروسازی علمی - دینی و تربیت مربی بینش مطهر؛
۵. زمینه‌سازی برای بهره‌مندی عالمانه و محققانه از قرآن کریم و روایات اهل بیت(ع)؛

۶. زمینه‌سازی مناسب برای ورود به مباحث و نظرات دیگر اندیشمندان اسلامی؛

۷. تقویت استقلال فکری - اسلامی و افزایش توان تفکر، مطالعه و کتاب‌خوانی؛

۸. آشنایی با مبانی فکری نظام جمهوری اسلامی و نظام‌سازی فکری برای حاکمیت اسلامی و نیز آشنایی با زمینه‌های ظهور، مهدویت و جامعه اسلامی؛

۹. پاسخ‌گویی به سؤال‌ها و شبهه‌های اعتقادی جامعه و جوانان؛ سؤال‌هایی که در صورت پاسخ نیافتن، سر منشأ بسیاری از لغزش‌ها و انحراف‌ها می‌شوند؛

۱۰. پی‌گیری هدف‌ها و طرح‌های جانبی مانند تشکیل هسته‌های فرهنگی.

● به اصطلاح برای دفع دخل مقدر، این پرسش را با شما در میان می‌گذارم، چرا در این طرح مطالعاتی، فقط به آثار ایشان اکتفا شده است؟ آیا نمی‌توان مکملی برای این طرح با استفاده از آثار مکتوب دیگران در نظر گرفت؟ آیا بسنده کردن صرف به میراث علمی استاد مطهری، مخاطبان طرح سیر مطالعاتی را تک‌ساختی نمی‌سازد؟

○ این طرح با هدف آشنایی با معارف اسلامی و برای شکل‌گیری بستر اولیه‌ی فکری تدوین شد. لذا ضرورت دارد، موضوع‌های گوناگون در نوعی نظام واحد فکری منسجم ارائه شود. آثار شهید مطهری مجموعه‌ای به هم پیوسته با مبانی و چارچوب مشخص است و هدف‌های طرح را تأمین می‌کند. اما بعد از آگاهی از نظام فکری موجود در آثار ایشان، می‌توان از آرا و اندیشه‌های دیگران به تناسب هر موضوعی و متناسب با ظرفیت و توانایی مخاطب با محوریت آثار شهید مطهری بهره گرفت. بنابراین، اگر کسی بخواهد در مباحث متفاوت معارف دینی وارد شود و به نظریه‌های متفاوت و حتی شبهه‌ها و ایرادها بپردازد، اولین قدم این است که موضوع را بشناسد تا

قادر به تشخیص سره از ناسره باشد.

می‌توان سؤال کرد، چگونه ممکن است کسی که موضوعی را شناسایی نکرده است، بتواند به خوب یا بد بودن آن حکم کند؟ حداقل شرط لازم برای داوری در مورد تعالیم دینی، آشنایی کامل با یک دوره معارف دینی و اسلامی است. آثار شهید مطهری، به عنوان بستر اولیه‌ی مطمئن و سالم فکری که آشنایی مؤثری از معارف اسلامی را به مخاطب می‌دهد، برای ما مطرح است. پس از مطالعه و فهم این آثار و با داشتن یک نظام فکری با زیرساخت‌های مناسب، هیچ اشکالی ندارد که به بررسی آرای مخالف و معارض پرداخته شود.

● با توجه به پرسش‌های ما و جواب‌های شما، شاید برای مخاطبان مجله‌ی رشد آموزش قرآن، این ابهام به‌وجود آید که به آثار استاد مرتضی مطهری فقط در آموزش و پرورش و دانشگاه کمتر توجه شده است. آیا این کم‌عنایتی در حوزه‌های علمیه نیز مصداق دارد؟
○ ما چنین منظوری نداشتیم. اما کتاب‌های ایشان، از سرچشمه‌هایی است که لازم است همه خود را از آن سیراب کنند. به‌ویژه اهمیت موضوع برای طلاب علوم دینی و مبلغان معارف اسلامی دوچندان است. شایسته‌ی طلبه و مبلغ دینی نیست که در عرصه‌ی دروس دینی حضور داشته یا در کسوت روحانیت باشد، اما با آثار شهید مطهری آشنا نباشد. ببینید مقام معظم رهبری در این زمینه چه نکته‌ی دقیقی را یادآوری و بر اجرای آن تأکید کرده‌اند. «هن لازم می‌دانم و بارها هم این نکته را گفته‌ام که همه‌ی طلاب و همه‌ی اهل منبر، یک دوره آثار شهید مطهری را بخوانند»، یا گفته‌اند: «اگر بنده می‌خواستم برنامه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم را بنویسم، بلاشک یکی از مواد این برنامه را این می‌گذاشتم که کتاب‌های آقای مطهری خوانده شود، خلاصه‌نویسی شود و امتحان داده شود». و برای نمونه تأکید دارند: «طلاب باید کتاب جهان‌بینی شهید مطهری را مباحثه کنند». و درباره‌ی پاورقی‌های کتاب «روش رئالیسم» نیز همین سفارش را در بعد گسترده‌تر دارند، با این مضمون که «باید علما و متفکران مباحثه کنند، تدریس کنند و به طلبه‌ها و شاگردهایشان یاد بدهند».

رهبری، هم‌چنین طراز روحانی بودن در دانشگاه را، احاطه داشتن به آثار شهید مطهری دانسته‌اند. بنابراین، تمام طبقات فرهنگی و روشنفکر جامعه مورد خطاب‌اند و هدف این است که به فرموده‌ی امام خمینی، «کتاب‌های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه‌های غیراسلامی فراموش شود».



نقش کلمات پر کاربرد در تسهیل فهم قرآن

چکیده

اهمیت تدبر و تفکر در آیات قرآن کریم و فهم پیام الهی، بر هیچ کس پوشیده نیست. در آیات زیادی از قرآن کریم و نیز روایات معصومین (ع)، بر این امر تأکید شده است. برای نیل به این هدف ارزشمند، راه‌های بسیاری وجود دارد که یکی از تأثیر گذارترین و کاربردی‌ترین آن‌ها، روش «استفاده از کلمات پر کاربرد» است. به‌کارگیری این روش در درس دینی و قرآن، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در اجرای آن، کلمات با ضریب تکرار بالا در بخش آیات قرآنی کتاب با همکاری خود دانش‌آموزان استخراج و به صورت مجزا آموزش آن‌جا که در اجرای این روش، خود دانش‌آموزان مشارکت فعال دارند، شور کلاس ایجاد و کلاس از حالت خشکی و بی‌روحي خارج می‌شود. علاوه بر این، افزایش علاقه در دانش‌آموزان، امر یادگیری را نیز تسهیل می‌کند. در مجموع، با استفاده از این روش می‌توان برای دانش‌آموزان زمینه و ابزار مناسبی را به منظور تدبر و تفکر در آیات قرآن کریم فراهم کرد.

ره‌ننه
تجربیس
موفق معلمان



کلید واژه‌ها: کلمات اکثر، دینی و قرآن، دبیرستان، آموزش، درک معانی، آیات قرآن.

کلمات پر کاربرد زمینه‌ای برای تدبر و تفکر در آیات قرآن کریم

اهمیت تدبر و تفکر در آیات قرآن کریم و فهم معانی والای آن، سبب شده است که این امر به صورت ویژه‌ای مورد توجه متولیان نظام تعلیم و تربیت قرار گیرد. در سال‌های اخیر، با توجه به تغییر ساختار کتاب درسی دینی و تلفیق آن با درس قرآن و تغییر نام آن به دینی و قرآن، بر فهم و درک معانی آیات و عبارات

غیر ضابطه‌سازان

کارشناس ارشد علوم قرآن
و حدیث مازندران، امل،
دبیرستان شهید علی باقری

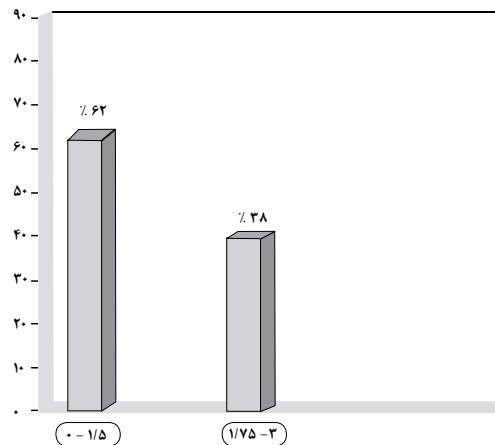


قرآنی تأکید زیادی شده است. به نظر می‌رسد، هدف غایی از این تغییرات که در چندین نوبت صورت گرفته است، این باشد که از یک طرف قرآن وارد برنامه‌ی زندگی نوجوانان و جوانان دانش‌آموز شود و از طرف دیگر، زمینه برای دستیابی به معارف قرآن کریم به صورت بی‌واسطه و مستقیم از خود قرآن کریم برایشان فراهم شود. لازم به یادآوری است، با توجه به نوع ارزشیابی کتاب دینی و قرآن که در آن ۴ نمره به قرائت شفاهی و ۲ نمره از ۱۶ نمره‌ی کتبی، به ترجمه‌ی عبارات و فهم معانی آیات اختصاص یافته، شایسته است توجه بیشتری به این بخش که حدود یک پنجم کل نمره‌ی کتبی را شامل می‌شود، صورت گیرد.

نگارنده با تحقیق و بررسی اوراق امتحانی دانش‌آموزان سال‌های گذشته، به این نتیجه رسیده‌ام که تعداد زیادی از دانش‌آموزان، در قسمت ترجمه‌ی عبارات قرآنی و فهم آن توفیق چندانی ندارند و حتی بیش از نصف نمره‌ی این بخش را از دست می‌دهند. شیوه‌ی کاری من به این صورت بود که اوراق امتحانی سه کلاس از شش کلاس سال اول یک دبیرستان را به صورت تصادفی نمونه‌گیری کردم. بعد از بررسی اوراق امتحانی که نوعی آزمون معلم ساخته بود و در آن فقط ۲ نمره از قسمت ترجمه سؤال طرح شده بود، نتایج را براساس نمره، به دو طبقه تقسیم کردم. دانش‌آموزانی که در قسمت ترجمه و مفاهیم بین ۱/۵ - نمره کسب کرده بودند را در طبقه‌ی اول و دانش‌آموزانی را که بین ۳ - ۱/۷۵ نمره به دست آورده بودند، در طبقه‌ی دوم قرار دادم و با بررسی دقیق، فراوانی مربوط به هر طبقه را استخراج کردم. نتایج به شرح زیر است:

شماره‌ی کلاس	طبقه	درصد فراوانی	درصد	شماره‌ی کلاس	طبقه	درصد فراوانی	درصد
۱۰۱	۱	۷	۱۹	۱۰۲	۱	۶	۱۷
	۲	۱۳	۳۶		۲	۹	۲۶
	۳	۱۴	۳۹		۳	۱۱	۳۱
	۴	۲	۶		۴	۹	۲۶
۱۰۳	۱	۴	۱۱	۱۰۴	۱	۱۱	۲۹
	۲	۱۰	۲۸		۲	۱۳	۳۴
	۳	۱۳	۳۳		۳	۸	۲۱
	۴	۱۰	۲۸		۴	۶	۱۶
۱۰۵	۱	۶	۱۶	۱۰۶	۱	۷	۲۰
	۲	۸	۲۲		۲	۵	۱۴
	۳	۱۸	۴۹		۳	۱۶	۴۴
	۴	۵	۱۳		۴	۸	۲۲

نتیجه‌ی کلی بررسی، به شکل نمودار ستونی زیر است:



همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بیش از نصف افرادی که اوراق امتحانی آن‌ها بررسی شد، نمره‌ی قسمت ترجمه را از دست داده‌اند. با توجه به این‌که ۲۰ درصد نمره‌ی امتحان کتبی، به بخش ترجمه و فهم معنای آیات و عبارات قرآنی اختصاص دارد، یعنی یک پنجم از کل نمرات کتبی، معلوم می‌شود این بخش باید به صورت ویژه‌ای مورد بررسی همکاران محترم قرار گیرد. من نیز کوشیدم، در کلاس‌هایی که تدریس می‌کنم، تا حدودی این مشکل را برطرف کنم. بنابراین، روش آموزش مفاهیم و ترجمه‌ی عبارات قرآنی از طریق کلمات حداکثری یا پرکاربرد که راه‌حلی کاربردی و کارگشاست را به کار گرفتم. جرقه‌ی اولیه‌ی این راه‌حل، با خواندن مقاله‌ای از استاد **سید هادی محدث**، از مجله‌ی رشد آموزش قرآن «شماره‌ی سوم/ ۱۳۸۲» با عنوان «روش دست‌یابی مستقیم»، در ذهنم روشن شد. البته در آن مقاله، بحث درباره‌ی عموم افراد جامعه و کل آیات و سوره‌های قرآن کریم بود و من با الهام از آن سعی کردم، قواعد آن را درباره‌ی آیات و عبارات قرآنی کتاب دینی و قرآن به کار بگیرم.

با الگوبرداری از این روش، می‌توان کلمات با ضریب تکرار بالا را در آیات و عبارات قرآنی کتاب شناسایی کرد و بخشی از وقت کلاس را به تفهیم آن پرداخت تا زمینه‌ی لازم برای تفکر و تدبر در آیات و فهم پیام عبارات قرآنی کتاب برای دانش‌آموزان فراهم شود. باید در نظر داشت، منظور نهایی از آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم این است که دانش‌آموزان در کنار انس همیشگی با قرآن و قرائت آن، با طرق فهم آیات الهی نیز آشنا شوند. یکی از کلیدهای این آشنایی، کلمه‌هایی است که بیشترین تکرار را در قرآن دارند. از این رهگذر، زمینه‌ی دریافت مفهوم آیات قرآن که شامل معارف اسلامی قرآن‌اند، به‌طور مستقیم برایشان فراهم می‌شود. البته به این منظور، کتاب‌های مفیدی هم تألیف شده‌اند که شاید جدیدترین آن‌ها کتاب آموزش مفاهیم قرآن، نوشته‌ی استاد مسعود وکیل باشد که شامل مراحل متفاوتی در آموزش است. هم‌چنین است کتاب «آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم» به قلم آقایان سید هادی محدث، حمیدرضا صفار هرنندی و ابوالفضل علامی که انتشارات یاقوت در سال ۸۴ آن را در سه جلد چاپ کرده است و هم‌چنین کتاب‌های آموزش قرآن دوره‌ی راهنمایی.

به نظر می‌رسد هدف از تألیف این کتاب‌ها عبارت باشد از: فهمیدن تدریجی معنای واژه‌های پرکاربرد قرآن؛ توانایی ترجمه‌ی ترکیب‌های قرآنی به شیوه‌ی کلمه به کلمه؛ کسب مهارت در ترجمه‌ی آیات ساده‌ی قرآن؛ توانایی درک بسیاری از آیات قرآن در سایه‌ی استمرار در قرائت و انس با قرآن؛ ایجاد زمینه‌ی مناسب برای عمل به رهنمودهای قرآن در زندگی فردی و اجتماعی و آراسته‌شدن به اخلاق قرآنی.

برای این که دانش‌آموزان به اهداف مذکور برسند، رعایت چند اصل لازم و ضروری به نظر می‌رسد:

۱. تدریج؛ ۲. تکرار و تمرین؛ ۳. تداوم و استمرار؛ ۴. تثبیت؛ ۵. تشویق.

باید در نظر داشت، این اصول می‌توانند مکمل همدیگر باشند؛ چنان‌که اصل تداوم و استمرار با اصل تدریج چنان هستند، زیرا لازمه‌ی استمرار هر عمل، تدریجی عمل کردن آن است. لذا در این راستا، باید دانش‌آموزان را قدم به قدم با مفاهیم قرآنی آشنا کرد و برای ایفای نتیجه‌ی بهتر، از مفاهیم ساده‌تر آغاز و سپس به معانی پیچیده‌تر پرداخت. علاوه بر آن، نباید از اثرات مثبت تشویق در این راه غفلت کرد. برای تثبیت بهتر یادگیری در زمینه‌ی آموزش نیز می‌توان از طریق مباحثه‌ی دو یا سه نفری این کار را انجام داد.

در ابتدای اجرای این کار، با همکاری دانش‌آموزان سعی کردیم کلمات با ضریب تکرار چهار به بالا را در عبارات قرآنی دروس کتاب شناسایی کنیم. از آن جایی که خود دانش‌آموزان در این فعالیت مشارکت می‌کنند، شور و نشاط بیشتری در کلاس ایجاد و یادگیری و آموزش راحت‌تر می‌شود. بعد از شناسایی، کلمات را همراه با ترکیبات گوناگون آن آموزش دادیم. مثلاً کلمه‌ی «قال» با ترکیبات آن یعنی ماضی، مضارع و امر در صیغه‌های گوناگون، ۲۱ بار در بخش آیات کتاب تکرار شده است یا کلمه‌ی «الذی» به صورت‌های مفرد، مثنی یا جمع، ۲۵ مرتبه مورد استفاده قرار گرفته است. یا کلمه‌ی «من» با ترکیباتی از ضمائر گوناگون (منه، منک، منها و...) ۴۲ مرتبه در آیات و عبارات قرآنی کتاب تکرار شده است. تبیین این کلمات و آموزش مستمر آن، توانایی دانش‌آموزان را در موارد مشابه افزایش داده و در ترجمه و درک مفاهیم و تفکر بهتر، به آن‌ها کمک می‌کند. جدولی از این نمونه کلمات در پایان مقاله آمده است.

بنده این روش را در سه کلاس سال اول، به کار گرفتم و در انتهای نیم‌سال، کلمات استخراج شده را در برگه‌ای جمع‌آوری کردم و بعد از تکثیر در اختیار دانش‌آموزان قرار دادم. در مرحله‌ی اول، این طرح را برای نه درس اول کتاب انجام

با این روش تعداد زیادی از دانش‌آموزان، در قسمت ترجمه‌ی عبارات قرآنی و فهم آن توفیق خوبی کسب کردند و حتی بیش از نصف نمره‌ی این بخش را به دست می‌آورند

داده و در کنار آن، کلماتی را که در پایان بخش آیات هر درس، به منظور راهنمایی دانش‌آموزان در ترجمه وجود دارد نیز گنجاندم. بعد از نیم‌سال اول، این کار برای درس‌های بعد تکرار شد.

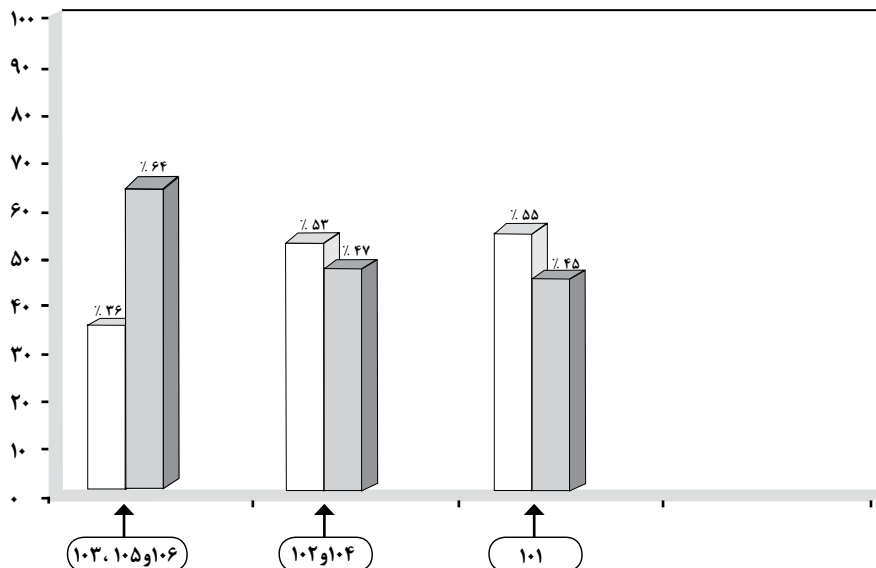
بعد از بررسی اوراق امتحانی دانش‌آموزان در پایان امتحانات که یک آزمون معلم ساخته بود و در بارم‌بندی آن ۴ نمره از ۱۶ نمره‌ی کتبی به عبارات قرآنی اختصاص یافته بود، نتایج خوبی به دست آمد. باید متذکر شد، در این آزمون، در قسمت آیات، ۳ نمره برای ترجمه‌ی عبارات قرآنی و ۱ نمره برای پیام آیه منظور شده بود. طراح سؤال نیز یکی دیگر از همکارانم بود که کار تدریس دو کلاس دیگر از شش کلاس اول دبیرستان را برعهده داشت و از فعالیت‌های بنده در کلاس و اجرای این طرح اطلاع نداشت. مطابق اظهار نظر خودش، او در دو امتحان کلاسی خود، از همین سؤالات استفاده کرده بود. بعد از بررسی اوراق امتحانی، برای به‌دست آوردن فراوانی نمرات را در چهار دسته طبقه‌بندی کردم که به قرار زیر است:

بعد از طبقه‌بندی و قراردادن نمرات دانش‌آموزان در

طبقات مذکور، این نتایج به دست آمد:

ردیف	طبقه	نمره	کلاس	طبقه	تعداد	درصد
۱	طبقه‌ی اول	۰-۱	۱	۰-۱/۵	۲۲	۶۶
				۱/۷۵-۳	۱۱	۳۴
۲	طبقه‌ی دوم	۱/۲۵-۲	۲	۰-۱/۵	۲۱	۵۴
				۱/۷۵-۳	۱۸	۴۶
۳	طبقه‌ی سوم	۲/۲۵-۳	۳	۰-۱/۵	۲۳	۶۵
				۱/۷۵-۳	۱۲	۳۵

در بررسی کلی، نتایج به دست آمده را در دو ستون نمایش داده‌ام و در نمایش ستون‌ها، دانش‌آموزانی را که در قسمت ترجمه و مفاهیم از ۲ نمره کمتر گرفته‌اند، در ستون متوسط به پایین و دانش‌آموزانی را که از ۲ نمره بیشتر گرفته‌اند، در ستون متوسط به بالا جای داده‌ام. در نمودار پایین، رنگ سفید بیانگر متوسط پایین و رنگ سیاه بیانگر متوسط بالاست.



شناسایی کلمات با ضریب تکرار بالا در کتاب دین و زندگی و تفهیم این واژگان برای دانش‌آموزان، زمینه‌ی لازم را برای فهم، تفکر و تدبیر در آیات فراهم می‌آورد

لازم به ذکر است، این روش در کلاس‌های ۱۰۵، ۱۰۳ و ۱۰۶ که کار تدریس آن برعهده‌ی بنده بود اجرا شد و تدریس کلاس‌های ۱۰۲ و ۱۰۴ با دبیر طراح سؤال و تدریس کلاس ۱۰۱ با یکی دیگر از همکاران بود.

چنان‌که ملاحظه می‌کنید، ستون متوسط بالا در کلاس‌هایی که این روش در آن‌ها کار شده و اجرا گشته، ۱۷-۱۶ درصد رشد نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد، با اجرا و به‌کارگیری این طرح و رفع نواقص آن، می‌توان نتایج بهتری را مشاهده کرد.

در انتهای مقاله باید یادآور شوم، اجرای این روش محسناتی به همراه داشته است که برخی از آن‌ها به قرار ذیل است:

۱. افزایش رغبت و علاقه در دانش‌آموزان کلاس.
۲. تمایل بیشتر برای تحقیق و یادگیری ترجمه‌ی کلمات و مفاهیم عبارات قرآنی.
۳. شور و نشاط در کلاس و بیرون آمدن کلاس از حالت خشکی و انجماد؛ زیرا در اجرای این روش، خود دانش‌آموزان حضور فعال دارند و بخش اصلی کار برعهده‌ی خودشان است.
۴. فراهم کردن زمینه‌ی کافی برای بهره‌برداری مستقیم از آیات قرآن کریم.

در جدول پایین، کلمات پرکاربرد واژگان قرآنی کتاب دینی و قرآن جمع‌آوری شده است. بدیهی است آموزش این کلمات به همراه کلماتی که در پایان بخش آیات هر درس آمده است، به دانش‌آموزان، برای درک بهتر و تدبر در آیات و عبارات قرآنی، کمک زیادی خواهد کرد.

فهرست کلمات پرکاربرد در کتاب دینی و قرآن سال اول دبیرستان

ردیف	اسم	تعداد تکرار	معنی	ردیف	فعل	تعداد تکرار	معنی
۱	الله	۳۸	خدا	۱	قال	۲۱	گفت
۲	ارض	۱۳	زمین	۲	ذَكَرَ	۹	یاد آورد
۳	السموات	۹	آسمان‌ها	۳	كان	۶	بود
۴	ذِكْر	۸	یاد	۴	اتَّخَذَ، اتَّخَذَ	۴	گرفت
۵	الَّذین	۱۸	کسانی که	ردیف	حروف	تعداد تکرار	معنی
۶	الَّذی	۷	کسی که	۱	إِنَّ	۲۳	همانا، به درستی که
۷	ذَلِك	۵	آن	۲	أَنَّ	۳	همانا، به درستی که
۸	مای موصول	۳۳	هر آن‌چه	۳	إِنْ	۴	اگر
۹	اولئک	۶	آنان	۴	أَنَّ	۴	که
۱۰	هَذَا	۷	این	۵	عند	۴	نزد
۱۱	هُوَ	۲۰	او	۶	عَنْ	۱۰	از
۱۲	مِنْ	۱۷	کسی که، هرکس	۷	قد، لقد	۶	به تحقیق
۱۳	إِذَا، إِذَا	۷	زمانی که	۸	مِنْ	۴۲	از
۱۴	سَبْحَانَ	۴	پاک و منزّه است	۹	مای نفی	۳	معنای فعل را منفی می‌کند.
				۱۰	لَمَّا	۷	زمانی که
				۱۱	عَلَى	۷	بر، به
				۱۲	فِي	۳۲	در
				۱۳	إِلَى	۷	به سوی

گام به گام با دانش آموزان کلاس

نسربین فخاری
دبیر آموزش و پرورش شهر کرمانشاه

صبرم کم کم به سر می‌رسید که تصمیم گرفتم دو کار انجام دهم:

۱. نظرخواهی از دانش‌آموزان پیرامون نحوه‌ی تدریس؛ این که هر کدام انتقاد، پیشنهاد یا راه‌حلی برای معلمشان می‌بینند، بدون قید مشخصات خود و در برگه‌ای، آن را بیان کنند و حتی بدون هیچ مبالغه یا کم‌گویی، همه‌ی نظراتشان را انتقال دهند.

خوش‌بختانه این کار شروع حرکت مثبتی در کلاس شد. نکات مثبت و منفی معلم را نوشته بودند. با کمک خودشان، مطالب را خواندیم و دسته‌بندی کردیم. در پایان هم به نتیجه رسیدیم. تعدادی از آن‌ها خواستار این بودند که در حین

در ابتدای سال، پس از یادآوری مطالب سال گذشته، مخصوصاً قواعد و قوانین روخوانی قرآن و تدریس درس جدید، از بچه‌ها ارزش‌یابی به عمل آوردم. متأسفانه نتیجه‌ی مثبتی دریافت نکردم. باز هم به کار ادامه دادم. جلسات بعد، ارزش‌یابی کتبی و شفاهی (روخوانی آیات شریفه) را تکرار کردم و متأسفانه انتظارم برآورده نشد.

با خود فکر کردم و به این رسیدم که شاید اشکال در خودم باشد. بار دیگر تمام قواعد لازم را شمرده شمرده مرور، تکرار و در آیات پیاده کردم. اما سردی و شل بودن و بی‌حال و حوصله بودن بچه‌ها، دال بر وجود مشکل و مسأله‌ای می‌کرد.

تدریس، کمتر از نوار آموزشی استفاده شود و بیشتر خود معلم بخواند و تکرار و تأکید کند. تعدادی به سخت بودن آیات و تعدادی هم به موارد دیگر اشاره کرده بودند.

۲. قدم دوم؛ سر کلاس حاضر شدم و از دانش‌آموزان خواستم برگه‌ای در بیاورند و برای من نامه‌ای بنویسند (موضوع آزاد)؛ از هر آن چه که در ذهنشان هست و شاید از بیان آن ترس و ابا دارند.

جنب‌وجوشی دوباره در آن‌ها ایجاد شد. این بار استقبال بیشتری کردند و رغبت بیشتری از خود نشان دادند. احساسی دگر داشتند؛ شاید احساسی شبیه به این که دوستی و یا از دوست نزدیک‌تر، با آن‌ها ارتباط برقرار کرده است و یا امینی را برای درد دل کردن یافته‌اند.

همه نوشتند و نوشتند. برگه‌ها را جمع کردیم. پس از مطالعه‌ی تک‌تک آن‌ها، موارد مشابه را دسته‌بندی کردم. بین آن‌ها، به نامه‌هایی برخوردیم که تعدادی از آن‌ها به نکات مهمی اشاره کرده بودند که برای اداره‌ی کلاس و برقراری محیط بهتر، برای من معلم خیلی لازم و کمک کننده بود.

• برخی از نظرات آنان بدین گونه بود، اگر ما سر کلاس شلوغیم، به خاطر این است که در منزل اجازه نداریم کوچک‌ترین سخنی را بیان کنیم. پس مجبوریم در کلاس خود را تخلیه کنیم.

• نامادری دارم و هیچ انگیزه‌ای به مدرسه آمدن ندارم. فقط برای فرار از موقعیت منزل، به مدرسه پناه می‌آورم.

• برادر بزرگ‌ترم مرا خیلی آزار می‌دهد و دائم کنترل می‌کند. این نداشتن اعتماد، باعث بی‌رغبتی و بی‌حوصلگی من به کلاس درس شده است.

• در منزل ما به خواندن کتاب آسمانی اهمیتی داده نمی‌شود و حتی کسی اجازه‌ی دست زدن به آن را ندارد، چرا که دست زدن به آن، برابر با انجام گناه تلقی شده است.

• سال‌های قبل، درباره‌ی اشکالات روخوانی ما سخت‌گیری نمی‌شد و این است که خواندن برایم کاری دشوار شده است.

• دشوار شدن روخوانی و ناتوانی کامل ما در انجام این امر، باعث کسلی و سستی و بی‌حوصلگی در کلاس شده است.

• در منزل کسی را ندارم که با سواد باشد و اشکالات ما را برطرف کند. من به نظر و تصور خودم، بی‌اشکال و بی‌نقص روخوانی را انجام می‌دهم.

• آن قدر مشکل اقتصادی داریم که تا وارد منزل می‌شوم، دوش‌به‌دوش خانواده‌ام کار می‌کنم و آن قدر خسته و رنجور می‌شوم که از نظر جسمی و ذهنی دیگر توانی برایم نمی‌ماند که در منزل تمرینی داشته باشم و چون تمرین نکرده و نابلد به مدرسه می‌آیم، بی‌ذوق و بی‌حوصله می‌شوم.

• و خیلی موارد دیگر...
پس از دسته‌بندی مطالب، تعدادی از آن‌ها را که لازم بود، سر کلاس مطرح کردم و با خودشان به بحث نشستیم. همین که می‌دیدند کسی هست با آن‌ها دوست شود و فاصله‌ای را بین خود و معلم نمی‌دیدند، برق شادی در چهره‌هایشان نمایان بود.

در اولین قدم، مطالب را گروه‌بندی کردم. دانش‌آموزان هم تراز درسی را در یک گروه قرار دادم و به این وسیله چندین گروه تشکیل شد و برای آن‌ها به انتخاب خودشان سر گروهی تعیین کردم.

شکل نشستن را هم از حالت رسمی و کلاسی تغییر دادیم. قرار شد مشورتی کارها را انجام دهیم. البته تعدادی از آن‌ها بنا به اقتضای سنشان با هم سازگاری نداشتند، اما به‌رحال، حس همکاری و هم‌یاری در بچه‌ها بر انگیزته و در تعدادی تقویت شده بود.

در نهایت، مسابقه‌ای را در چند مرحله برگزار کردیم. ابتدا بین اعضای هر گروه؛ بعد بین هر دو گروه با هم.

در مرحله‌ی آخر، بین همه‌ی گروه‌های کلاس با هم مسابقه گذاشتم و قرار شد هر عضو و هر گروهی که از نظر مهارت روخوانی و رعایت قواعد و نیز از نظر درسی پیشرفت چشم‌گیر داشته باشد، تشویق و به‌عنوان دانش‌آموز کوشا معرفی شود.

به این ترتیب در آن سال دانش‌آموزان از نظر قرائت قرآن خیلی پیشرفت خوبی داشتند.

واگویه‌ی احساس نسبت به قرآن کریم

صادق علامانی
کارشناس ارشد زبان عربی
دبیر دبیرستان های شهری

بگذار روح نا آرام خویش را در فضای بی کران تو به پرواز در آورم.

ای یار دیرین،
یاد آور طنین زندگانی، نه مردگان.
ای سفیر شیرین سخن،
ای همدم دانایی،
رکن سعادتت؛
سعادتت نتیجه‌ی یک زندگانی عقلانی،
وسیله‌ی دفع رذایل جسمانی،
و فزاینده‌ی فضایل اخلاقی.
حُسن گیرای تو،
وجودم را سرشار از لذتی بی غل و غش کرده،

صادق علامانی، از دبیران فعال و بسیار بانشاط شهری است که به تازگی نیز به افتخار بازنشستگی نائل شده است. ایشان کارشناس ارشد ادبیات عرب است و سال‌های سال از دبیران موفق مدارس بوده است. نوشته‌هایش در مجلات گوناگون به چاپ می‌رسد. از ذوق و علاقه او به نویسندگی همین بس که پاداش پایان خدمت خود را صرف اجاره‌ی یک باب آپارتمان کرده و آن‌جا کتاب‌خانه‌ی کوچکی تشکیل داده تا هم میزبان علاقه‌مندان باشد و هم خود مکان مناسبی برای نویسندگی داشته باشد. گاهی نیز نوشته‌های خود را برای جمله‌ی ما می‌فرستد. ما نیز به سهم خود از ایشان و علاقه‌ی وافرشان به کار فرهنگی تشکر می‌کنیم.

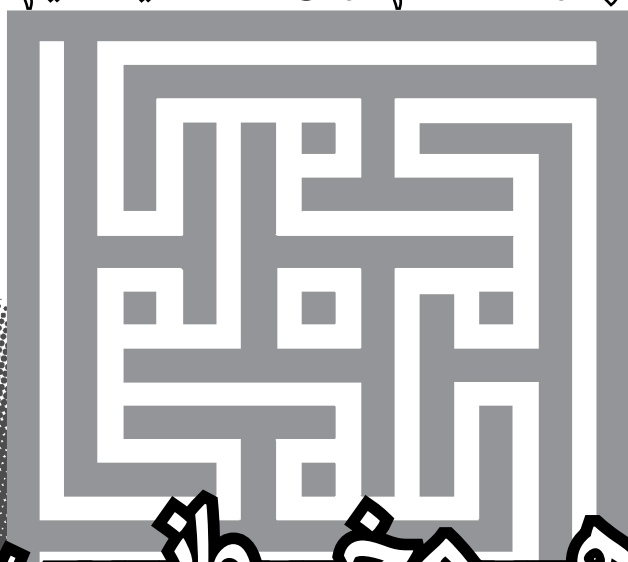
مملو از حکمت و ظرایف.
مبنای فرهنگ و تمدنی،
آیینی تمام نمای انسانی.
و چه خوش درخشنده‌ای،
و نخستین پیامت،
«بخوان»، الذی علم بالقلم.
و ترویج دهنده‌ی رسالت محمدی،
و تعلیم دهنده‌ی آن چه که انسان نمی‌داند؛
تا بفهمد آن چه را که فهمیدنی است.
ای انیس،
تو وسیله‌ی انتقال میراث گذشته به آینده‌ای،
و پرورش دهنده‌ی علم و فرهنگی.
تو مربی بزرگی،
مؤثر در اندیشه و رفتار،
جهت دهنده‌ی فکر و گفتار،
و رساننده‌ی انسان سعادت مند،
به قله‌های انسانیت.
ای عزیز،
امید است که جدایی بین تو و ما به بیراهه رود.

و لحظات ملالت بار را،
به لحظات لذت بخش مبدل ساخته
و خاطرات لذت بخش را،
پیوسته زنده نگه داشته.
ای مونس تنهایی،
تو بهترین رفیقی،
ناخالصی در تو،
به بیراهه می‌رود.
ای روح دانایی،
تو عامل سلامتی و قوام روحی،
این روح تشنه را سیراب کننده‌ای.
گویند، آشنایی با تو،
خوشایند فهم و ادراک است.
آری،
پدید آورنده‌ی آن شور و حرارتی،
که خستگی را در آن راهی نیست؛
زیرا که
با سیر و سیاحت در تک تک اوراق زرین تو،
انسانیت مفهوم خود را یافته.
ظرفی را مانی،



احمد لیایی
از قاریان قرآن کریم و
کارشناس تشکیل گروه‌های تواشیح

چگونه گروه هم‌خوانی قرآن تشکیل دهیم؟



هم‌خوانی قرآن کریم

شاید شما نام احمد لیایی را زیاد نشنیده باشید، ولی حتماً تصویر او را در حالی که همراه با دیگران در گروه‌های تواشیح در حال اجرای برنامه بوده است، بارها و بارها از طریق سیمای جمهوری اسلامی دیده‌اید. احمد لیایی قاری و پیش‌کسوت در تشکیل و رهبری گروه‌های هم‌خوانی و تواشیح است که تا به حال گروه‌های بسیاری را آموزش و تشکیل داده است. او اینک به‌عنوان یکی از باسابقه‌ترین افراد در این زمینه به‌شمار می‌رود. مقاله‌ی حاضر حاصل سال‌ها تجربه و فعالیت‌های او در زمینه‌ی تشکیل و اداره‌ی گروه‌های هم‌خوانی و تواشیح است که در اختیار شما قرار می‌گیرد، امید است این مقاله به تشکیل گروه‌های هم‌خوانی در مدرسه کمک کند.

رشد آموزش قرآن

مقدمه

قرآن معجزه‌ی جاودانه‌ی حضرت ختمی مرتبت، حضرت محمد(ص) و تنها وسیله‌ی ارتباط خدا با انسان است. سعادت و نیک‌بختی جوامع بشری در گرو عمل به دستورات نورانی این منبع فیاض است. برای بهره‌گیری از این اقیانوس بی‌کران معارف و سیراب شدن از چشمه‌ی زلال حکمت و معنویت آن، باید زمینه‌ها و قابلیت‌های لازم در فرد و اجتماع فراهم آید.

از جمله‌ی اساسی‌ترین راه‌های وارد شدن در این بوستان معرفت و خوشه‌چینی از خرمن با برکت آن، آشنایی با شیوه‌ی تلاوت، فنون قرائت و صحیح‌خوانی قرآن است. از آن‌جا که قرآن کلام خداوند است، استماع آن توسط گوش‌های آماده و دل‌های ملامال از عشق به ملکوت و عالم بالا، خصوصاً با صوت حزین و ندای زیبا و ملکوتی، تأثیرات شگرف و عمیق روحی و احساسی در مستمعین می‌گذارد و آنان را برای سیر و سلوک و سفر معنوی به سُرادقات سما و عروج از خاک به افلاک آماده می‌کند. از این طریق انسان‌های بی‌شماری از سایر ادیان، با گوش جان سپردن به بانگ دلنواز قرآن، به اسلام علاقه‌مند می‌شوند، به مطالعه و تحقیق پیرامون آن می‌پردازند و در نهایت به آن می‌گروند. امروزه یکی از راه‌های اساسی دعوت بشریت به اسلام، به‌کارگیری این اهرم تأثیرگذار و کارساز است.

یکی از هنرهای مذهبی که توسط قاریان ایرانی ابداع شده، شیوه‌ی تلاوت جمعی یا هم‌خوانی قرآن کریم است که توانسته با روشی جدید، جوانان را به تلاوت قرآن کریم جذب کند. هدف این‌جانب از نگارش مقاله‌ی حاضر، با توجه به تجربیات چندین‌ساله‌ی راهنمایی گروه‌های هم‌خوانی قرآن کریم و آشناساختن جوانان با زوایای این هنر اسلامی است که ان‌شاءالله بتوانند روزبه‌روز با قرآن انس بیشتری بگیرند. در این‌جا به اقتضای حجم محدود مقاله، تنها ۲۵ نکته‌ی مهم برای گروه‌های هم‌خوانی در چهار محور به این شرح عرضه شده است: نحوه‌ی تشکیل گروه، اصول اولیه، نحوه‌ی تمرین و نکات مربوط به اجرا.



نحوه تشکیل گروه

• خصوصیات اعضای گروه

قبل از ذکر خصوصیات فنی متذکر می‌شویم، ویژگی‌های اسلامی و اخلاقی پیش‌فرض ورود به گروه است و نیاز به تشریح ندارد. اعضای گروه‌ها باید در درجه‌ی اول قاری قرآن و دارای صداهای زیبا و منعطف باشند. از دیگر خصوصیت‌ها، مناسب بودن فاصله‌ی سنی بین اعضاست تا بدین وسیله، هم افراد بتوانند یکدیگر را از تمام جنبه‌ها درک کنند و هم ترکیب صدایی و قد و جثه‌ی آنان مناسب باشد. تحمل، درک متقابل و گذشت از خطاهای یکدیگر هم از دیگر خصوصیت‌های مورد انتظار در اعضای گروه است.

• انتخاب مربی

چنان‌چه اعضای گروه انتخاب شده‌اند (به‌صورت خودجوش)، باید یک نفر را به‌عنوان مربی و مسئول برای خود در نظر بگیرند و براساس نظرات او، کار تمرین و اجراها صورت گیرد. در بعضی موارد نیز، فردی به‌عنوان مربی، خود به تشکیل گروه دست می‌زند. در زمینه‌ی هم‌خوانی، تجربه‌ی مربی باید بیشتر از سایرین باشد.

• ترکیب صدایی گروه

اگر گروه بخواهد زنگ صدایی مناسبی داشته باشد، باید شرایط زیر را رعایت کند:

- قطعه‌ای ساده، مانند «سبحان‌الله» در نظر گرفته می‌شود. همه‌ی اعضای گروه لحن آن را فرامی‌گیرند و به‌صورت هم‌زمان و در یک پرده شروع به قرائت می‌کنند.
- مربی گروه یا شخص متخصص دیگری، از فاصله‌ی چندمتری به مجموعه‌ی صدای گروه گوش می‌دهد. در صورتی که صدای خارجی وجود نداشت و هم‌چنین صدای هیچ یک از اعضا به تنهایی قابل تشخیص نبود، صدای گروه «هم‌زنگ» است.
- چنان‌چه صدای عضوی مشخص بود، ولی آن فرد می‌توانست آن را کنترل کند و صدایش را به زنگ سایر صداها نزدیک گرداند، می‌تواند عضو گروه باقی بماند.
- هنگامی که زنگ دل‌خواه صدای گروه به‌دست آمد، گروه را از نظر طبیعت و توانایی صدای اعضا، به دو گروه «باس» و «تنور» یا «بم» و «زیر» تفکیک می‌کنیم. صداهای توسط را نیز در گروه تنور یا زیر قرار می‌دهیم. افراد گروه باید به‌طور مساوی دارای صداهای بم و زیر باشند. در صورتی که در یک گروه تعداد اعضا عدد فرد بود، تعداد اعضای گروه تنور باید یک نفر بیشتر باشد.

- نکته‌ی مهم این است که توانایی صدای افراد و وسیع بودن ارتفاع آن، بیش از طبیعت صدای مورد نیاز گروه باشد. بدیهی است، افرادی که ارتفاع صدای بیشتری داشته باشند، در عضویت گروه اولویت دارند. تمامی اعضای گروه باید با خصوصیات صدایشان آشنا باشند.
- تعداد اعضای یک گروه نباید از چهار نفر کمتر باشد و حداکثری هم برای آن متصور نیست. هر چند که ترکیب پنج نفر دارای مزایای زیادی است؛ از جمله: ایاب و ذهاب راحت‌تر، ترکیب صدایی بهتر، تمرین ساده‌تر، و اجرای موفق‌تر.

• تقسیم کار

پس از انتخاب اعضای گروه، تمامی کارها باید بین آنان تقسیم شود: یک نفر مربی، یک نفر مسئول روابط عمومی، یک نفر مسئول تدارکات و... تمامی اعضا باید دارای مسئولیت باشند تا با مشارکت یکدیگر، کار به نحو احسن انجام شود.

(ب) اصول اولیه

• انتخاب هم‌خوانی در سه مرحله

در مرحله‌ی اول، باید هم‌خوانی‌های تقلیدی ارائه داد. یعنی از تلاوت قاریان ایرانی یا مصری استفاده و عین آن را پیاده کرد. روش تمرین در مراحل بعد توضیح داده می‌شود. در مرحله‌ی دوم باید در تلاوت‌ها تغییراتی ایجاد و آن‌ها را برحسب توانایی‌های اعضا ارائه کرد. در مرحله‌ی سوم نیز باید به تولید روی آورد و هم‌خوانی‌های غیرتقلیدی عرضه داشت. مرحله‌ی سوم سخت‌ترین قسمت کار گروه و ایده‌آل‌ترین مرحله‌ی آن است. موفق شدن در این مرحله به استعداد مربی و اعضای گروه بستگی دارد. البته این نکته قابل ذکر است که ساختن یک هم‌خوانی غیرتقلیدی، هر چند از لحاظ لحنی از هم‌خوانی‌های تقلیدی ضعیف‌تر باشد، اما ارزش بیشتری دارد. ضمن این‌که هر گروه باید هر سه مرحله‌ی فوق را طی کند.

• زمان هم‌خوانی

زمان هم‌خوانی باید بین چهار تا هفت دقیقه انتخاب شود، زیرا در مدتی کمتر از چهار دقیقه، تنوع لحنی کم خواهد بود. از طرف دیگر، اجرای برنامه بیش از هفت دقیقه نیز طولانی و خسته‌کننده می‌شود. باید توجه داشت، در هم‌خوانی‌های قرآن کریم هر چه زمان کمتر باشد، تمرین زودتر پایان می‌یابد و کار به نتیجه می‌رسد. چون این کار دارای پیچیدگی‌های زیادی است، انتخاب تلاوت‌های کوتاه مناسب‌تر است.

• رعایت نظم و موازین اسلامی و اخلاقی

نظم در این کار هنری، به علت گروهی بودن آن، باید به شدت رعایت شود. لذا رعایت زمان قرار بین اعضا، طریقه‌ی لباس پوشیدن، رنگ، نوع و مدل لباس، حالت صورت، تمیز بودن ظاهر، مسواک زدن همیشگی دندان‌ها، به خصوص قبل از اجراء و مسواک زدن از این قبیل که مورد توجه عموم است و تأثیر زیادی بر بینندگان می‌گذارد، نشان‌دهنده‌ی گروهی منظم و منضبط است. هم‌چنین، اعضا باید در تمرین و اجراء، و هنگام برخورد با مردم، موازین اسلامی و اخلاقی را هیچ‌گاه فراموش نکنند و به عنوان کسانی که ارائه‌دهنده‌ی هنر اسلامی هستند، مظهر افرادی مؤمن و منظم باشند.

• اجرای خصوصی

برای این که گروه آمادگی اجرای برنامه در یک محفل رسمی را پیدا کند، لازم است تا در محافل کوچک و خصوصی، قبل از اجرای رسمی، آن را به مرحله‌ی اجرا درآورند؛ تا پس از آن با رفع اشکالات (که معمولاً در محافل رسمی نمود بیشتری دارد)، برنامه‌ی جامع‌تری به اجرا درآورد.

﴿چگونه تمرین﴾

• مکان تمرین

بسیاری از گروه‌ها، مکان‌هایی مثل مسجد، مدرسه و دانشگاه را برای تمرین انتخاب می‌کنند، ولی انتخاب منزل اعضای گروه برای تمرین، سبب الفت بیشتری می‌شود. در هر صورت، اتاق انتخاب شده باید کاملاً ساکت و آرام باشد. اگر صدا داخل یا خارج می‌شود، می‌توان اتاق را تعویض یا عایق‌بندی کرد تا مزاحمتی برای اعضا و یا افراد خارج از اتاق ایجاد نشود. امکان تهویه‌ی هوا، نور و عدم رفت و آمد افراد متفرقه در حین تمرین، از خصوصیات مکان مناسب است.

• زمان تمرین

زمان تمرین نباید از دو ساعت کمتر و از سه‌ونیم ساعت بیشتر شود (مگر در موارد اضطراری). یک ساعت تمرین بدون هیچ صحبت متفرقه، ده دقیقه استراحت بدون صدا، و سپس ادامه‌ی تمرین در مدت زمان پیشنهادی، مطلوب است (تا ۲/۵ ساعت). در صورتی که تمرین تا سه‌ونیم ساعت به طول انجامید، دو وقت ده دقیقه‌ای استراحت بین هر یک ساعت تمرین توصیه می‌شود. روزهای تمرین را باید ترجیحاً دو روز در هفته و به صورت ثابت قرار دارد.

• شروع تمرین و گرم کردن صداها

اولین نکته در شروع تمرین، رعایت قرار قبلی و شروع در ساعت مقرر است. ابتدا صداها را اصطلاحاً گرم و با صدای در پرده‌های بم حرف «آ» را به صورت کشیده، ادا می‌کنیم و پرده‌پرده بالا می‌رویم و دوباره به پرده‌های اولیه بازمی‌گردیم. این کار را تا یک «اکتاو» ادامه می‌دهیم. گرم کردن صداها نباید به خستگی صدا منجر شود. فقط برای آمادگی صدا، نیاز به گرم کردن آن است.

یکی از راه‌های اساسی دعوت بشریت به اسلام، به کارگیری از اهرم تأثیرگذاربانگ دلنواز قرآن است

• تمرین انفرادی و گروهی

باید تک‌تک اعضای گروه، نواری را که هم‌خوانی موردنظر روی آن ضبط شده است، تهیه و در محیطی کاملاً ساکت و آرام، به روش زیر استماع کنند:

- ده مرتبه‌ی متوالی از ابتدا تا انتهای تلاوت موردنظر را به دقت و با رؤیت آیات نورانی قرآن کریم، بشنوند.
- از یازدهمین مرتبه تا مرتبه‌ی شانزدهم، همراه نوار زمزمه کنند و کم‌کم صدای خود را بالا ببرند.
- از مرتبه‌ی شانزدهم تا بیستم نیز، صدای شخص باید بر صدای نوار غلبه داشته باشد.

طی این بیست مرتبه، چارچوب لحن در ذهن شنونده نقش خواهد بست و در جلسه‌ی عمومی موارد بالا را می‌توان در چند جلسه تکرار کرد. در جلسه‌ی تمرین گروهی، مربی ابتدا از جمع می‌خواهد که یک‌بار کل برنامه را اجرا کنند و موارد اشکال را می‌نویسد. سپس از افراد گروه می‌خواهد، به صورت انفرادی تلاوت کنند و اشکالات هر فرد را به او گوشزد می‌کند. در تمرین گروهی، مربی تلاوت موردنظر را به قطعاتی تقسیم می‌کند و هر قطعه را جداگانه تمرین می‌دهد و به اشکال‌گیری می‌پردازد. آن‌گاه قسمت‌ها را به هم متصل می‌کند. اعضای گروه هنگام بیکاری و تنهایی نیز باید به‌طور انفرادی تمرین کنند.

• چگونگی هماهنگی بین اعضا در تمرین

- شاید سخت‌ترین بخش تمرین در هم‌خوانی، هماهنگی بین اعضا برای انطباق تحریرهاست. بدین منظور در مورد تحریرها طبق مراحل زیر باید عمل شود:
- تقسیم‌بندی آن‌ها؛
- کند کردن سرعت آن‌ها؛
- نرمی آن‌ها را به تیزی تبدیل کردن؛
- شمارش تعداد تحریرها.

آنان، این فرصت را به افرادی که عقب مانده‌اند می‌دهد تا آنان نیز به مرز آمادگی برسند.

• پیش‌بینی اتفاقات هنگام اجرا در زمان تمرین

هنگام اجرا، مواردی پیش می‌آیند که اگر به آن‌ها توجه نکنیم، برنامه خراب می‌شود؛ مانند برخورد به قطعاتی که اوج صدا در آن‌ها زیاد است یا مواردی که همگی اعضا یکباره سکوت می‌کنند و یک یا چند نفر ادامه می‌دهند. در این قبیل موارد، باید پیش‌بینی‌هایی لازم در تمرین صورت گیرد. چون این اتفاقات متنوع هستند، باید در تمرین موارد آن هماهنگ شود و در اجرا طبق قراری که در تمرین گذاشته شده است عمل شود.

• تنفس صحیح و تقسیم نفس در هم‌خوانی

برای تنفس صحیح، باید توانایی لازم در شل کردن عضلات و از بین بردن فشارهای اضافی عضلات بدن را به دست آورد و آن‌گاه دم و بازدم صحیح را فراگرفت: هوا را با بینی به درون می‌کشیم و مراقبت می‌کنیم که قسمت بالای سینه حرکت نکند و هوا تا عمق شش‌ها فرو برود و دیافراگم به ناحیه‌ی داخل شکم نفوذ کند و باعث برآمده شدن شکم شود. آن‌گاه هوا را با خست هر چه تمام‌تر و طی ده پانزده و سپس بیست شماره، از طریق دهان بیرون می‌دهیم. این تمرین را در ساعات متفاوت روز انجام می‌دهیم تا روش تنفس و کنترل آن به صورت عادت و ملکه درآید. برای افزایش نفس، ورزش‌های شنا، کوه‌نوردی و دوومیدانی توصیه می‌شوند. برای تقسیم نفس هنگام اجرا، در مواردی که قطعات تلاوت هم‌خوانی طولانی هستند، می‌توان به روش زیر عمل کرد:

- قطعاتی را که نفس زیادی لازم دارند، مشخص و محل‌هایی را که باید در آن‌جا نفس گرفت، معین می‌کنیم.
- برای جلوگیری از افت صدا در هر مقطع نفس‌گیری، مقرر می‌کنیم فقط یک نفر نفس بگیرد.
- به فردی که نفس گرفته است می‌گوییم باید با صدایی که از لحاظ ارتفاع با بقیه در یک پرده قرار دارد (از نظر لحن) ولی از لحاظ شدت ضعیف‌تر است، وارد صدای گروه شود و بعد کم‌کم حجم صدایش را بیشتر کند تا به حد دیگران برسد.
- برنامه‌ریزی می‌کنیم تا حالت چهره‌ی افراد طبیعی باشد و بینندگان و شنوندگان متوجه نفس‌گیری نشوند.

﴿ نکات مربوط به اجرا ﴾

• آمادگی قبل از اجرا

برنامه‌ای که تصمیم بر اجرای آن است، باید قبل از اجرا به

پرده‌ی صوتی اول، در اجرا بسیار مهم است و چنان‌چه بالاتر از حد معمول در نظر گرفته شود، ممکن است در اوج‌ها مشکل‌ساز شود

حال با توجه به مراحل فوق، ابتدا قسمت اول از تلاوت مورد نظر با سرعت کم، تیز کردن تحریرها و شمارش تعداد تحریرها تمرین می‌شود. همین مراحل را پس از ملکه شدن آن در ذهن افراد، از آخر به اول طی می‌کنیم. پس از این قسمت به سراغ قسمت بعدی خواهیم رفت و همین مراحل را در مورد آن قسمت نیز عمل می‌کنیم. پس از تمرین همگی قسمت‌ها، آن‌ها را به هم وصل می‌کنیم و پس از چندبار تمرین با سرعت کم، به تدریج سرعت را بالا می‌بریم و از حد معمولی نیز سرعت را بیشتر می‌کنیم.

• نحوه‌ی برخورد با افرادی که توانایی کمتری دارند

چنان‌چه در تمرین، افرادی گیرایی کافی را نداشتند و پایه‌پای بقیه پیش نمی‌رفتند، باید با آن‌ها بیشتر کار کرد. ولی چنان‌چه باز هم مطالب را خوب متوجه نشدند، باید لحظاتی آنان را به حال خود گذاشت و با بقیه تمرین کرد. مربی گروه در این‌گونه موارد با اشکال‌گیری از دیگران و رفع موارد ضعف

سرعت مرور شود. آخرین قرارها در این تمرین سبک و سریع بررسی می‌شوند. نظم اعضای گروه در رعایت زمان‌های قرار و حضور به موقع در محل اجرا سبب می‌شود، مجریان مراسم نیز نظم را رعایت کنند. صداها قبل از اجرا باید گرم شوند.

• بررسی سیستم صوتی

سرپرست یا مسئول روابط عمومی گروه باید از سالم بودن سیستم صوتی سالن مطمئن شود. همه‌ی میکروفون‌ها را باید قبل از اجرا تنظیم کرد و مطمئن شد که ولوم و اکوی سیستم صوتی در حد متعارف است. چه بسا یک برنامه با کیفیت عالی اجرا شود، ولی به دلیل عدم تنظیم صحیح سیستم صوتی، جلوه‌ای نداشته باشد. بهترین حالت برای جذب صدای کل گروه این است که به تعداد اعضای گروه میکروفون وجود داشته باشد.

• چگونگی ورود به صحنه و استقرار در جایگاه

قبل از ورود به صحنه، اعضا باید لباس خود را منظم و وضعیت سر و صورت خود را مرتب کنند. پس از دعوت مجری، اعضای گروه باید با رعایت موارد زیر در جایگاه مستقر شوند:

- ترتیب قد و شکل متناسب آن رعایت شود.
- میکروفون‌ها تنظیم شوند.
- استقرار به صورت هلالی باشد تا اعضای گروه صدای یکدیگر را بشنوند.
- حالت بدن نسبت به سطح زمین، قائم باشد.

• شروع برنامه

چنانچه تمام اعضای گروه در جایگاه مستقر شده‌اند، باید با سکوت خود حاضرین در مجلس را نیز به سکوت دعوت کنند. پس از تنظیم میکروفون‌ها، مربی یا یکی از اعضای گروه، خلاصه‌ای از مشخصات هم‌خوانی را برای حضار در مجلس بیان می‌کند. ذکر مناسبت، معرفی گروه، معرفی آیات هم‌خوانی، ترجمه‌ی آیات و... از مواردی هستند که می‌توان مطرح کرد.

• توکل بر خدا و استعانت از ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام)

باید قبل از شروع برنامه با یاد و نام خداوند و توکل بر او، و هم‌چنین توسل جستن به ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) دل‌ها را جلا بخشید و روح معنوی را به این هنر اسلامی منتقل

کرد. یکی از نکات ارزشمندی که بسیاری از گروه‌ها به آن عمل می‌کنند، اهدای ثواب اجرای برنامه به روح مطهر یکی از معصومین (علیهم‌السلام) است.

• گرفتن پرده‌ی اولیه

یکی از اعضای گروه که وظیفه‌ی گرفتن پرده‌ی اولیه‌ی صوتی را دارد، استعاده را می‌گوید و بقیه‌ی اعضا ادامه می‌دهند. پرده‌ی صوتی اول در اجرا بسیار مهم است و چنانچه بالاتر از حد معمول در نظر گرفته شود، ممکن است در اوج‌ها مشکل ساز شود. از طرف دیگر نیز، اگر پایین‌تر باشد، برنامه جلوه‌ی لازم را نخواهد داشت. بعضی از گروه‌ها از وسایلی مثل دیپازون یا نوار کاست برای گرفتن پرده‌ی اولیه استفاده می‌کنند.

• چگونگی برخورد با فردی که در اجرا ضعیف بوده یا قصور داشته است

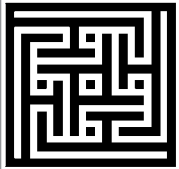
با فردی که هنگام اجرا قسمتی را فراموش کرده یا موجب اختلال در برنامه شده است، نباید هنگام اجرا مورد توجه قرار داد. از ایما و اشاره نیز باید خودداری کرد تا موجب حواس‌پرتی افراد گروه و جلب و توجه بینندگان نشود. تذکرات لازم را می‌توان ساعاتی بعد به او داد تا از لحاظ روحی و روانی نیز تأثیر گذار باشد.

• ضبط برنامه برای آرشیو و رفع اشکال

یکی از اعضا که مسئول روابط عمومی نیز هست، وظیفه دارد تمامی برنامه‌ها را ضبط کند تا ضمن تکمیل آرشیو، چنانچه اشکالی در برنامه وجود داشت، در اولین تمرین بعد از اجرا برطرف شود. ضمناً با بررسی آرشیو می‌توان تغییرات مناسب در برنامه ایجاد کرد. مشخصات برنامه، از قبیل تعداد نفراتی که برنامه را اجرا کرده‌اند، محل اجرا، آیات هم‌خوانی شده، میزان هدایا و... نیز باید ثبت شوند تا به‌عنوان کارنامه‌ی گروه به یادگار بماند.

• نظرسنجی

پس از پایان هر برنامه، اعضای گروه می‌باید از حاضرین در مجلس و مسئولین مراسم نظرخواهی کنند. از نظرات مفید بهره بگیرند و انتقادات را با گشاده‌رویی بپذیرا باشند. به‌علاوه، به این نکته توجه داشته باشند که بینندگان مواردی را در اجرای هر گروه می‌بینند که اعضای گروه آن‌ها را نمی‌بینند. تحمل نظرات مردم و اعضای گروه سبب پیشرفت می‌شود.



در مراکز پیش دانشگاهی شهرستان میبد بررسی شد

عوامل افت تحصیلی دانش آموزان در درس دینی و قرآن

مرتضی عابدی اردکانی
دبیرستان دینی و قرآن شهرستان میبد

بی شک، تربیت نسل دین باور، از مهم ترین اهداف نظام مقدس تعلیم و تربیت کشور عزیزمان ایران است. هدف همه‌ی دست‌اندرکاران این نظام، تحویل نسلی شاداب و پرشور در سایه‌ی نهادینه‌سازی اعتقادات دینی و معلومات علمی است. اما گاهی احساس می‌شود که عواملی، سرعت رسیدن به این مهم را کند می‌کنند و یا خدای ناکرده، نتیجه‌ی این آموزش، مطلوب غایت دین نیست. آن چه خدمتتان عرضه می‌شود، تحلیل آماری نتایج یک پژوهش میدانی با حضور قریب به ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان مراکز پیش دانشگاهی شهرستان میبد است. پرسش‌نامه‌ی این تحقیق حاوی ۱۴ سؤال چهار گزینه‌ای و یک سؤال تشریحی بود که ابتدا اهم نظرات تشریحی دانش‌آموزان و سپس جداول مربوط به درصد پاسخ‌گویی دانش‌آموزان به سؤال‌های پرسش‌نامه، بیان شده است.

نظرات تشریحی پسران درباره‌ی کتاب دینی و قرآن

- حفظی شدن مطالب کتاب
- عدم وجود ارتباط (پیوستاری) معنایی بین صفحات کتاب
- کاهش حجم کتاب و مطالب حفظی در کنکور
- اهمیت بیشتر به بحث و گفت‌وگو در کلاس
- افزایش مثبت نقش معلمان در علاقه‌مندی دانش‌آموزان
- ایجاد فضای درک مفاهیم در کتاب
- مشارکت دانش‌آموزان در آموختن
- تشکیل کلاس مفاهیم آیات برای دانش‌آموزان

نظرات تشریحی دختران درباره‌ی کتاب دینی و قرآن

- مشکل بودن سطح درک مفاهیم کتاب
- کم بودن ساعت تدریس این درس
- استفاده از وسایل کمک آموزشی
- استفاده از دبیران مسئولیت پذیر
- زیاد بودن حجم کتاب
- کم بودن ساعت تدریس
- کاربردی کردن مطالب کتاب
- تسلط کامل دبیران بر محتوای کتاب
- افزایش تأثیر این درس در کنکور
- بیان مشکلات روز و پاسخ گویی به آن‌ها
- حذف این درس از کنکور
- بیشتر شدن جنبه‌ی درک و فهمی کتاب از جنبه‌ی حفظی آن
- تشکیل کلاس‌های تست زنی برای آیات
- بالا بودن تناقضات این درس و امور جامعه
- استفاده از دبیران خلاق و مجرب
- انجام فعالیت‌های گروهی
- بیشتر کردن ساعت تدریس
- نزدیکی زیاد کتاب به فلسفه
- توجه کردن به نیازهای روز
- حذف موضوعات تکراری
- تقویت دروس عمومی در کنکور
- دشواری برخی مفاهیم کتاب
- مشکلات تدریس کتاب
- کاربردی تر کردن این درس
- استفاده از معلمان با تجربه برای رفع شبهات
- تدریس براساس معنویات
- جذاب تر کردن کلاس‌ها
- کم بودن ساعت تدریس این درس
- جالب و جذاب نبودن متن کتاب
- محدود بودن تدریس دبیران به کتاب
- عدم جذابیت برخی مطالب کتاب
- حجم زیاد کتاب و دشواری مطالب

۱۴ سؤال پرسش چهار گزینه‌ای به شرح زیرند:

پاسخ دختران به سؤالات چهار گزینه‌ای					پاسخ پسران به سؤالات چهار گزینه‌ای					پرسش‌ها
کم	متوسط	خیلی	خیلی زیاد	بدون پاسخ	کم	متوسط	خیلی	خیلی زیاد	بدون پاسخ	
۳۹٪	۴۵٪	۷٪	۶٪	۳٪	۳۹٪	۴۵٪	۷٪	۶٪	۳٪	۱. ضعف برنامه‌ریزی مدارس در اختصاص دادن ساعات مفید به این درس
۱۶٪	۲۵٪	۱۹٪	۴۰٪	×	۷٪	۲۸٪	۱۰٪	۴۹٪	۶٪	۲. تکراری بودن برخی از مطالب کتاب‌های دینی و قرآن
۱۰٪	۱۳٪	۶٪	۶۲٪	۹٪	۱۲٪	۱۵٪	۲۵٪	۴۴٪	۴٪	۳. اخلاق و رفتار دبیران معارف در جذب دانش‌آموزان و یا ایجاد دل زدگی از این درس
۳۳٪	۳۹٪	۱۸٪	۶٪	۴٪	۳۳٪	۳۹٪	۱۸٪	۲۳٪	۸٪	۴. تأثیر کم این درس در آزمون سراسری
۳۰٪	۳۳٪	۱۲٪	۱۸٪	۷٪	۳۰٪	۳۳٪	۱۲٪	۱۶٪	۸٪	۵. توانایی کتاب در پاسخ گویی به شبهات روز
۱۵٪	۲۴٪	۱۸٪	۴۰٪	۳٪	۱۵٪	۲۴٪	۱۸٪	۳۸٪	×	۶. روش‌های سنتی تدریس معلمان و استفاده نکردن از وسایل و کمک آموزشی
۲۲٪	۲۴٪	۱۸٪	۳۶٪	×	۲۲٪	۲۴٪	۱۸٪	۴۴٪	۷٪	۷. عدم برگزاری کلاس‌های تست و تقویتی با حضور دبیران مجرب
۱۸٪	۲۴٪	۲۰٪	۳۵٪	۳٪	۱۸٪	۲۴٪	۲۰٪	۳۹٪	۶٪	۸. دشواری برخی از مطالب کتاب‌های دین و قرآن
۳۶٪	۲۷٪	۱۸٪	۱۶٪	۳٪	۳۶٪	۲۷٪	۱۸٪	۲۶٪	۴٪	۹. نقش دیگر دبیران در افزایش و یا کاهش علاقه به این درس
۱۵٪	۱۶٪	۲۴٪	۴۵٪	×	۱۵٪	۱۶٪	۲۴٪	۲۴٪	×	۱۰. مناسب بودن طراحی و صفحه‌آرایی کتاب
۲۴٪	۳۹٪	۲۴٪	۱۳٪	×	۲۴٪	۳۹٪	۲۴٪	۲۷٪	۲٪	۱۱. ارتباط و پیوستگی مطالب کتاب‌های چهار ساله‌ی دینی و قرآن
۲۰٪	۲۵٪	۲۰٪	۳۵٪	×	۲۰٪	۲۵٪	۲۰٪	۳۱٪	×	۱۲. حجم زیاد کتاب‌ها و عدم تناسب با ساعات تدریس هفتگی
۸٪	۱۵٪	۳۵٪	۴۲٪	×	۸٪	۱۵٪	۳۵٪	۴۰٪	۵٪	۱۳. عدم تسلط علمی برخی از دبیران بر موضوعات درسی
۲۱٪	۱۵٪	۱۷٪	۴۷٪	×	۲۱٪	۱۵٪	۱۷٪	۴۵٪	۴٪	۱۴. وجود پاره‌ای تناقضات میان آموخته‌های شما از این درس و وضعیت موجود در جامعه



حجیت ظواهر قرآن، زمینه ساز فهم و تفسیر آن است

استاد حسین علوی مهر
در گفت و گو با رشد
آموزش قرآن:

گفت و گو: دکتر علی نجار پوریان
دبیر آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران

حجت الاسلام حسین علوی مهر در تیرماه سال ۱۳۴۲ در شهرستان اهواز متولد شد. تحصیلات خود را تا پایان دیپلم، در شهر بوشهر گذراند. برای ادامه‌ی تحصیل، به مدت یک سال و نیم راهی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شد و پس از آن به شهر مقدس قم هجرت کرد. علوم حوزوی را نزد استادانی هم‌چون اعتمادی، موسوی تهرانی، جعفر سبحانی و جوادی آملی به اتمام رساند و برای درس خارج در درس آیات عظام مکارم شیرازی، وحید خراسانی و میرزای تبریزی شرکت کرد. دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن را در حوزه به پایان رساند. پژوهش ایشان با نام «بررسی تفسیری و کلام آیات وحی»، هم‌چنین دو کتاب از ایشان با نام «روش‌ها و گرایش‌های تفسیری» و «تاریخ تفسیر و مفسران» چاپ شده است. دو کتاب دیگر نیز با نام «قرآن و دفاع» و «بررسی حقیقت و ارکان وحی»، آماده‌ی چاپ است. بیش از بیست مقاله از ایشان در مجلات کشور چاپ شده است. از دکتر علی نجار پوریان از دبیران دینی و قرآن شهر تهران که این مصاحبه را برای خوانندگان مجله‌ی رشد قرآن انجام داده‌اند و مسئولیت تدوین و منبع نویسی را متقبل شده‌اند تشکر می‌کنیم.

● اگر ممکن است در رابطه با امکان فهم قرآن مقداری توضیح دهید.

○ درباره‌ی امکان فهم و تفسیر قرآن، دو دیدگاه اساسی وجود دارد:

۱. فهم قرآن ممکن است، چرا که قرآن برای هدایت و برطرف کردن نیازهای مردم نازل شده است تا مردم معنای آن را درک کنند و به اوامر آن عمل و از نواهی آن اجتناب کنند. افزون بر دلایل عقلی، آیات فراوانی از قرآن با صراحت بر آن دلالت دارند: از جمله: «هَذَا بَيِّنٌ لِلنَّاسِ» [آل عمران / ۳: ۱۳۸]: این قرآن دارای مطالب روشن و گویا برای مردم است. و نیز «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» [قمر / ۵۴: ۴۰]. ما این قرآن را برای یادآوری آسان قرار دادیم.

۲. در مقابل دیدگاه نخست، برخی از اخباریون بر این باورند که ظواهر قرآن حجیت ندارد و برای همه قابل فهم نیست، چرا که قرآن دارای مقامی بلندمرتبه است و معانی والا و پیچیده‌ای دارد. فهم قرآن ویژه‌ی افراد خاصی است که در روایات به «من خوطب به» تعبیر شده است [ر.ک: خویی البیان: ص ۲۶۷-۲۷۰].

اما باطل بودن این دلایل روشن است، چرا که اگر قرآن برای عموم مردم قابل فهم نباشد، نازل شدن آن برای عموم لغو خواهد بود.

استاد مطهری ضمن طرح مطالب فوق، به نقد دیدگاه اخباریون پرداخته است. ایشان می‌نویسد: در تحلیل و شناخت محتوای قرآن، نخستین سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا اساساً قرآن قابل شناخت و بررسی هست؟! آیا می‌توان در مطالب و مسائل قرآن تفکر و تدبر کرد، یا آن که این کتاب اساساً برای شناخت عرضه نشده، بلکه صرفاً برای تلاوت و قرائت و یا برای ثواب بردن و تبرک و تیمن است. ممکن است به ذهن خطور کند که این سؤال موردی ندارد، زیرا کسی در این جهت که قرآن کتابی برای شناخت است، تردید نمی‌کند. اما نظر به این که در دنیای اسلام به علل گوناگون، جریان‌های نامطلوبی در موضوع شناخت قرآن پیش آمد که در انحطاط مسلمین تأثیر به‌سزایی داشته است و متأسفانه هنوز هم ریشه‌های آن افکار منحط و خطرناک در جامعه‌ی ما وجود دارد، لازم می‌دانیم کمی در این باره توضیح بدهیم.

در میان علمای شیعه در سه چهار قرن پیش، افرادی پیدا شدند که معتقد بودند قرآن حجت نیست. این‌ها از میان منابع چهارگانه‌ی فقه که از طرف علمای اسلام به عنوان معیار شناخت مسائل اساسی عرضه شده بود، یعنی قرآن، سنت،

عقل و اجماع، سه منبع را قبول نداشتند. در مورد اجماع می‌گفتند، این رسم سنی‌هاست و نمی‌توان از آن تبعیت کرد. در خصوص عقل می‌گفتند، با این همه خطای عقل، اعتماد به آن جایز نیست. اما در مورد قرآن، محترمانه ادعا می‌کردند که قرآن بزرگ‌تر از آن است که ما آدم‌های حقیر بتوانیم آن را مطالعه کنیم و در آن بیندیشیم. فقط پیامبر و ائمه حق دارند در آیات قرآن غور کنند، ما فقط حق تلاوت آیات را داریم. این گروه همان اخباریون هستند.

اخباریون فقط مراجعه به اخبار و احادیث را جایز می‌دانستند. شاید تعجب کنید اگر بدانید، در بعضی از تفاسیری که توسط این افراد نوشته شد، هر جا در ذیل هر آیه، اگر حدیثی بود، آن را ذکر می‌کردند و اگر حدیثی وجود نداشت، از ذکر آیه خودداری می‌کردند؛ آن‌طور که گویی اصلاً آن آیه از قرآن نیست.

این عمل یک نوع ظلم و جفا بود بر قرآن و پیداست جامعه‌ای که کتاب آسمانی خود، آن هم کتابی مانند قرآن را به این شکل طرد کند و آن را به دست فراموشی بسپارد، هرگز در مسیر قرآن حرکت نخواهد کرد [شناخت قرآن، ج ۱: ۲۵].

منشأ این افکار ریشه در روایاتی دارد که مفاد ظاهری آن این است که تفسیر قرآن از دسترس عقل بشر دور است. امام باقر (ع) در روایتی، به جابرین یزید می‌فرماید: «یا جابر ان لقرآن بطناً و له ظهراً و للظهر ظهراً یا جابریس شی ابعده من عقول الرجال من تفسیر القرآن...»: ای جابر! قرآن دارای باطنی و ظاهری است و ظاهر آن هم ظاهر دیگری دارد. ای جابر، از عقل مردم چیزی دورتر از تفسیر قرآن نیست [وسائل الشیعه، ج ۸: ۱۴۲].

روایت دیگری مشابه آن از امام صادق (ع) نقل شده است: **عبدالرحمن بن حجاج** گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرماید: «لیس شی ابعده من عقول الرجال عن القرآن»: از عقل مردم چیزی دورتر از قرآن نیست [همان، ۱۴۹] که در این روایت کلمه‌ی تفسیر هم وجود ندارد.

این روایات و مانند آن‌ها، از جمله «لاتبلغه عقول الرجال» [اصول کافی، ج

۱: ۲۶۷] که زیاد هم هستند، عده‌ای از محدثان و ظاهرگرایان را بر این پندار واداشته است که تفسیر یا فهم قرآن ممکن نیست. در حالی که اولاً با ظاهر بسیار از آیات قرآن، از جمله



برخی از اخباریون بر این باورند که ظواهر قرآن حجیت ندارد و برای همه قابل فهم نیست، چرا که قرآن دارای مقامی بلندمرتبه است و معانی والا و پیچیده‌ای دارد



استاد مطهری به بعد معنوی و تأثیرگذاری قرآن توجه کرده و زبان قرآن را زبان منطق، تعقل و زبان دل می‌داند

«هذا بیان للناس» سازگار نیست و ثانیاً منظور از آن‌ها، دو مفهوم را می‌توان در پی داشته باشد:

– منظور، باطن قرآن و تأویل قرآن و حقایق از قرآن است که به سادگی نمی‌توان از قرآن استخراج کرد.

– منظور، ملاک‌ها و فلسفه و علت‌ها برای احکام است که هر مفسری نمی‌تواند فلسفه‌ی احکام را از آیات قرآن استخراج کند (همان‌طور که شیخ انصاری در رسائل آن را مطرح کرده‌اند).

و آگاهان این دو محور پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) هستند که می‌توانند حقایق اسرار و علم فراوانی را از قرآن استخراج کنند و به باطن آن دسترسی بیابند.

● جناب استاد می‌دانیم که آیات قرآن متناسب با نیازهای مردم و جامعه، و همگام با حوادث و وقایع گوناگون نازل می‌شد و پیامبر (ص) نیز همان آیات را بر مردم می‌خواند. آنان که با زبان عربی آشنا بودند، وظیفه‌ی خود را می‌فهمیدند، چرا که قرآن برای استفاده‌ی همگان نازل شده و آمده است تا راهنما و هادی آنان در امور زندگی باشد؛ چنان که قرآن کریم خود را نور، هدایت، روشن‌گر هر چیز، بیان و... می‌داند و از همه‌ی مردم درخواست می‌کند تا برای تکامل و سعادت خود از آن استفاده کنند. چه بسا افرادی که به محض شنیدن آیه یا آیاتی از قرآن کریم، هیجان، عشق و تحول درونی در آنان پدید می‌آمد و دگرگون می‌شدند، و این خود دلیلی برای قابل فهم بودن آیات وحی برای مردم است. با وجود این مسائل، قرآن چه نیازی به تفسیر دارد؟

○ به این پرسش پاسخ‌های متفاوتی داده شده است، از جمله این که قرآن خود ذاتاً روشن است و نیازمند به تفسیر نیست و آیاتی نیز که اشاره شد، به همین مطلب اشارت دارد و آن چه نیاز به تفسیر را سبب شده است، امور عرضی است.^۱

اما نیازمندی قرآن هم از جهت ذاتی قرآن قابل تأمل است و هم از جهت امور عرضی. منظور از نیاز ذاتی قرآن به تفسیر آن است که آیات قرآن، به خودی خود و صرف نظر از هر عامل بیرونی، نوعی ابهام و اجمال دارد و بدون تفسیر، فهم صحیح از آن میسر نمی‌شود.

مراد از نیاز عَرَضی به تفسیر آن است که آیات قرآن، به

خودی خود، دارای ابهام نیستند، بلکه عوامل بیرونی، نظیر حوادث زمان و شرایط خاص مخاطبان، فهم مراد خداوند را از قرآن به طور مستقیم دشوار ساخته است. به نظر می‌رسد، بیش‌تر عواملی که نیاز به تفسیر را دامن زده‌اند، نیاز عرضی هستند، اما متن قرآن خود دارای ویژگی‌هایی است که از آن به نیازهای ذاتی نام می‌بریم.

● اگر ممکن است برای نیازهای ذاتی قرآن که نیاز به تغییر دارند توضیح دهید.

○ نیازهای ذاتی که برای قرآن برشمرده می‌شود، برگرفته از آن است که قرآن به خاطر موقعیت و مصلحت خاص خود مطلبی را کامل طرح نکرده، اما برای روشن شدن کمال و تمام آن؛ راهکارهایی برای چگونگی دست‌یابی به تفسیر و فهم آن بیان کرده است. با این توضیح، مهم‌ترین نیازهای ذاتی می‌تواند امور زیر باشد:

۱. آیات قرآن از طرف کسی نازل شده است که بر تمامی اسرار طبیعت و جهان آگاه و دانش او پایان‌ناپذیر است: «قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»: ای رسول ما! به تکذیب‌کنندگان بگو این کتاب را آن خدایی فرستاده است که به علم ازلی از اسرار آسمان‌ها و زمین آگاه است.

از طرف دیگر، اندیشه‌ی بشر محدود است. از این‌رو، خداوند دانش بی‌کران خود و مضامین بلندمرتبه‌ی آن را در قالب الفاظ متداول آورده است تا برای بشر قابل فهم باشد. این الفاظ هرچند هم که گویا و رسا باشند، گنجایش آن مفاهیم بلندمرتبه و دانش بی‌کران خداوند را ندارند، چرا که الفاظ، به محسوسات و عالم ماده مربوط است. بدین جهت، برای درک بیش‌تر آن مفاهیم عالی و معنوی، الفاظ قرآن به تفسیر بیش‌تری نیاز دارند.

۲. خداوند متعال در بیان آیات احکام، به کلیات آن‌ها بسنده کرده است و به بسیاری از جزئیات اشارت نکرده، چرا که قرآن به عنوان یک کتاب قانون اساسی دین مطرح است و این احکام و قوانین به توضیح و تفسیر نیاز دارد که بر عهده‌ی رسول خدا (ص) و اهل بیت پیامبر (ع) است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) نَزَلَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ لَمْ يَسْمَعْ اللَّهُ لَهُمْ ثَلَاثًا وَ لَا أَرْبَعًا، حَتَّى كَانَتْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) هُوَ الَّذِي فَسَّرَ لَهُمْ ذَلِكَ» [اصول کافی، ج ۱: ۲۸۶]. نماز بر پیامبر نازل شد، اما خداوند بیان نکرد چند رکعت؛ سه رکعت یا چهار رکعت. و این رسول خدا (ص) بود که رکعات نماز را برای مردم تفسیر کرد.

هم‌چنین است احکام زکات، حج، ولایت و... که تبیین و شرح جزئیات آن‌ها بر عهده‌ی مفسران واقعی قرآن، رسول

خدا(ص) و اهل بیت او (ع)، است. خداوند متعال می فرماید: **وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ [نحل / ۴۴]:** و ما قرآن را به سوی تو فرود آورده ایم تا برای مردم آن چه را به سوی آنان نازل شده است، توضیح دهی. یعنی ای رسول خدا، توضیح و تفسیر آیات برعهده‌ی تو است.

● یعنی در واقع مفسران همان راسخان در علم هستند؟

○ قرآن کریم دو گونه آیه دارد؛ آیات محکم و متشابه: «منه آیات محکمات هنّ أمّ الكتاب و آخر متشابهات» [آل عمران / ۷]. آیات متشابه اگر چه به واسطه‌ی آیات محکم قابل تفسیرند، اما خود آیاتی هستند که معنای گوناگون را بر می‌تابند و دست‌یابی به مفهوم و تفسیر و تأویل صحیح آن به آسانی ممکن نیست. به همین جهت، خداوند افزون بر قرآن، **راسخان در علم** را نیز مرجع تشخیص تأویل این آیات قرار داده است و تفسیر کامل و صحیح آن را نیز باید از راسخان در علم جست‌وجو کرد: «و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم» [همان / ۷]. طبق روایات، کامل‌ترین مصداق راسخان در علم، ائمه‌ی اطهار (ع) هستند. زیرا در روایات متعدد از آنان نقل شده است که «نحن الراسخون فی العلم و نحن نعلم تأویله» [تفسیر عیاشی، ج ۱: ۹]. ما راسخان در علم هستیم و ما تأویل آیات متشابه را می‌دانیم.

● چه عواملی ریشه در خود قرآن ندارند، بلکه به خاطر گذشت زمان و دوری از عصر نزول و مخاطبان، باعث ابهام‌هایی در آیات شده است؟

○ این عوامل همان نیازهای عرضی هستند که به اختصار بیان می‌کنیم.

دوری از حوادث نزول

بیش‌تر آیات قرآن در رابطه با حوادث و موضوعاتی خاص نازل شده‌اند و تنها افرادی که هنگام نزول حضور داشته‌اند و از عمق حادثه و کم و کیف آن آگاهی دارند، ولی دیگرانی که از چگونگی نزول وحی دانشی ندارند، مطالب و مفاهیم برخی آیات برای آنان به‌طور کامل روشن نیست؛ مانند شاعری که شعر یا قصیده‌ای را به مناسبت حادثه‌ای بیان می‌کند و افراد حاضر در صحنه، نسبت به آن آگاهی دارند، اما برای افرادی که پس از آن‌ها می‌آیند و آن را مطالعه می‌کنند، مفهوم نیست. بدین جهت آن حادثه به تفسیر و توضیح نیاز دارد.

نشستن غبار غربت بر چهره‌ی الفاظ قرآن

لغات و کلمات قرآن کریم نیز مطابق کاربرد قبایل و

منطقه‌های گوناگون عرب آن عصر بوده است. برای آشنایی با این لغات، مراجعه به کتاب‌هایی که لغت‌شناسان نوشته‌اند، ضروری می‌نماید تا معانی اصیل و ریشه‌ای که با فرهنگ حجاز، یمن و دیگر مناطق عرب آن عصر مطابقت دارد، مورد بررسی قرار گیرد. زیرا معانی بسیاری از لغات، در این عصر تغییر یافته است؛ مانند واژه‌ی «کفات» که اکنون به معنای «پرنده‌ی تیزپرواز» است، ولی در عصر پیامبر (ص) به معنای زمینی بود که دربرگیرنده‌ی چیزی مانند مردگان باشد. در نتیجه، این کتاب الهی دارای رموز و مفاهیمی است که هر چه بیش‌تر باید شکافته شود تا گنجینه‌های اسرار آن بر تشنگان حقیقت آشکار شود.

نیازهای عصری

قرآن کتابی جاویدان است که برای هدایت تمام بشر در همه‌ی عصرها نازل شده است. هر عصر دارای ویژگی‌های اجتماعی و نیازهای فرهنگی خاص و پرسش‌های شبیهات متناسب با عصر خود است. از طرف دیگر، قرآن در جای خود ثابت شده است که دارای باطن است و توانایی پاسخ‌گویی به مسائل و شبیهات بشر را دارد. وجود تفسیرهای متفاوت متناسب با نیازهای اجتماعی،

براساس اصول و قواعد صحیح و پایدار و منابع معتبر، مانند خود قرآن، سنت و عقل سالم و خطری ضروری می‌نماید. از امام صادق (ع) نقل شده است: خداوند متعال قرآن را برای زمان خاص یک عصر قرار نداده است. در هر زمان جدید، نزد هر قوم، تا روز قیامت مطالب و نکته‌های جدید قابل برداشت است [عیون اخبار الرضا، ج ۱: ۸۷].

از علامه طباطبایی نقل شده است: تفسیر قرآن باید هر دو سال عوض شود.

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۵۸ می‌فرماید: «ذلک القرآن فاستنطقوه و لا ینطق»: قرآن را به نطق درآوردید و خود صامت است.

● یکی از بحث‌های بسیار مهم و جدی امروز که به شناخت متن قرآن مربوط است، موضوع زبان قرآن است. به این معنا که خداوند در قرآن کریم با مردم به چه زبانی سخن گفته است؟ روشن است که منظور من لغت عربی نیست، زیرا همه این را می‌دانند که قرآن عربی است. بلکه منظور از زبان، شیوه‌ی انتقال



آیات متشابه اگر چه به واسطه‌ی آیات محکم قابل تفسیرند، اما خود آیاتی هستند که معنای گوناگون را بر می‌تابند و دست‌یابی به مفهوم و تفسیر و تأویل صحیح آن به آسانی ممکن نیست

کتاب را که مشتمل بر آیات است، در مرحله‌ی نزول متبلس و مزین به لغت و لفظ عربی قرار دادیم تا تو و قوم بتوانند در آن اندیشه کنند و اگر در قالب لفظی که شایسته‌ی قرائت باشد یا عربی مبین قرار نمی‌دادیم، قوم تو نمی‌توانستند اسرار آیات را درک کنند و درک صحیح وحی و اسرار آن ویژه‌ی تو می‌بود [المیزان/ ج ۱۱: ۷۵].

علامه طباطبایی (ره) استناد قرآن به وحی و عربی بودن الفاظ آن را دخیل و مؤثر در ضبط اسرار آیات و حقایق مسارف قرآن می‌داند. به همین جهت، اگر معنا و مفهومی که به پیامبر القا می‌شد، الفظی از جانب خود پیامبر باشد یا ترجمه به زبان دیگری باشد، اسرار آیات بر مردم روشن نمی‌شود و از دسترس عقول بشر مخفی می‌ماند [پیشین].

مرحوم طبرسی نیز بر این باور است که منظور از عربی بودن قرآن، همان زبانی است که قوم عرب در محاورات خود به عربی سخن می‌گویند. افزون بر آن، روایتی از ابن عباس در ارزش و اهمیت کلام عرب نقل می‌کند که پیامبر فرمود: «أحب العرب لثلاث: لاني عربي و القرآن عربي و كلام اهل الجنة عربي»؛ من عرب را به خاطر سه چیز دوست دارم؛ زیرا خودم عرب هستم، قرآن نیز به زبان عربی است و کلام بهشتیان نیز عربی است.

ابن کثیر نیز عربی را لغت عرب می‌داند و در تفسیر نزول قرآن به زبان عربی می‌نویسد: زیرا زبان عربی فصیح‌ترین لغات و زبان‌ها، گویاترین، گسترده‌ترین و در ادای معانی قوی‌ترین نوع زبان‌هاست. در نتیجه، خداوند با شرافت‌ترین کتاب‌ها را به اشرف لغات بر اشرف پیامبران به وسیله‌ی اشرف فرشتگان در شریف‌ترین مکان‌ها و در شریف‌ترین ماه‌های سال یعنی رمضان نازل کرده است [تفسیر قرآن العظیم، ج ۲: ۴۸].

معناست که چگونگی زبان را می‌رساند، نظیر زبان رمز، زبان عرف، زبان سمبلیک و زبان علمی تخصصی. در این زمینه در مورد قرآن چه دیدگاهی وجود دارد؟

○ یکی از مهم‌ترین و آسان‌ترین ابزار انتقال مفاهیم ذهنی و تفهیم و تفهم، زبان است. هر ملتی برای تفهیم و تفهم مفاهیم و ابزار خواسته‌های درونی خود، از زبان خاصی استفاده می‌کند. بحث زبان قرآن بر دو موضوع قابل تقسیم است: یکی زبان به معنای لغت قرآن و دیگری به معنای شیوه‌ی انتقال معنا که به اختصار توضیح می‌دهم.

زبان و لغت قرآن: خداوند برای هدایت ملت‌ها و انسان‌ها، پیامبرانی از جنس بشر و هم‌زبان با همان مردم می‌فرستاد تا با آنان سخن گویند و با شیوه‌ی معمول و رایج، شریعت مورد نظر خداوند را به مردم تفهیم کنند. به همین جهت، آخرین پیامبر خود را شایسته در شخصیتی دید که در میام قوم عرب زبان می‌زیست و وی را در محیطی که زبان عربی رشد کرده است، برانگیخت.

خداوند می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» [ابراهیم/ ۴]: بنابراین زبان هر دینی همان زبان مردمی است که صاحب شریعت در میان آنان زندگی می‌کرده و به رسالت برگزیده شده است و این همان زبان عادی است که پیامبران الهی با قومشان مکالمه می‌کردند تا مقاصد وحی را برای آنان بیان کنند [المیزان/ ج ۱۲: ۱۵ و ۱۶].

قرآن در میان مردمی که زبان عربی داشتند نازل گردید و با همان زبان به رساترین و گویاترین شیوه‌ی آن بر مردم و قوم عرب عرضه شد و این همان زبان عربی فصیح است. افزون بر متن و نص زیبای آن، آیاتی از قرآن بر این مطلب دلالت دارد. می‌فرماید: إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» [زخرف/ ۱۰۳]: ما این کتاب را قرآنی عربی قرار دادیم. شاید شما در آن اندیشه کنید.

آیات دیگر عبارت‌اند از: رعد/ ۳۷، احقاف/ ۱۲، طه/ ۱۱۳، زمر/ ۲۸، فصلت/ ۳، مریم/ ۹۷ و شوری/ ۷.

● منظور از عربی چیست، آیا منظور زبان عربی است و یا کلام فصیح و روشن؟

○ بسیاری از مفسران آن را به معنای لغت و زبان عربی دانسته‌اند^۲ اگرچه منافاتی با معنای فصاحت و بلاغت و بین بودن آن نیز ندارد.

علامه طباطبایی (ره) می‌نویسد: منظور این است که در مرحله‌ی انزال، لباس عربیت بر خود پوشیده است و خداوند این قرآن را مطابق سخن گفتن متداول میان عرب با الفاظ و لغت عربی قرار داده است و معنای آیه این می‌شود که ما این

● با توجه به مطالب فوق که فرمودید چه نکاتی را می‌توان در تحلیل نزول قرآن به زبان عربی بیان کرد؟

۱۰. عربی بودن قرآن امری طبیعی است، چرا که پیامبر اسلام در میان قومی برانگیخته شد که عرب زبان بوده‌اند و معقول نیست، پیامبری در میان قومی برانگیخته شود که زبان آن قوم عربی باشد، اما آن پیامبر دین و شریعتش به زبان دیگری باشد و کتابی بیاورد که با زبان مردم و قوم خود بیگانه باشد.

۲. لغت عربی فصیح‌ترین لغت و زبان است و مورد توجه رهبران دینی بوده است.

۳. فصاحت و بلاغت قرآن کریم در حد معجزه است که کسی نمی‌تواند مانند آن را بیاورد.

۴. برخوردار بودن قرآن از زبان عربی، در کشف اسرار و معارف حقیقی قرآن دخالت و تأثیر دارد.

۵. افزون بر مطالب فوق خداوند برای نخستین بار دلیل عربی بودن قرآن را بیان کرده است. به‌طور طبیعی، اگر قرآن

غیرعربی می‌بود، عرب زبانان لب به

اعتراض می‌گشودند که چرا پیامبری

عربی و قرآنی غیرعربی نازل شده است: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُضِّلَتْ آيَاتُهُ أَءَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ

[فصلت/ ۴۲]: اگر این کتاب را

قرآنی غیرعربی قرار می‌دادیم، قطعاً می‌گفتند: چرا آیه‌های

آن روشن بیان نشده است؟ کتابی غیرعربی با مخاطبان

عرب زبان چگونه سازش دارد؟

در نتیجه، قرآن به هر زبانی نازل می‌شد، اعتراضاتی

در پی داشت؛ به ویژه این که پیامبر و قومی عرب زبان

یا کتابی غیرعربی معقول نیست.

● در این جا پرسشی مطرح است که عربی بودن زبان قرآن، کتاب

را به همان قوم اختصاص

می‌دهد، زیرا اقوام و ملت‌های دیگر که زبان دیگری دارند، نمی‌توانند الفاظ آن را بفهمند. در نتیجه این یا جهانی بودن قرآن منافات دارد.

○ پاسخ این سؤال شما را از حضرت آیت‌الله جوادی آملی نقل می‌کنم، قرآن دو زبان دارد. یکی زبان ظاهری و لفظی که همان عربی است. اما افزون بر آن، زبان دیگری دارد که به معارف و هدایت انسان‌ها مربوط است و با فکر و عقل و قلب جهانیان سروکار دارد. این همان زبان عمومی و جهانی قرآن کریم است [تفسیر تنسیم، ج ۱: ۸۵].

● نکته‌ی دیگر درباره‌ی زبان قرآن، ارائه‌ی زبان قرآن به معنای شیوه‌های گوناگون انتقال معناست. موضوع این بحث آن است که زبان قرآن با کدام عرف و تخصص منطبق است؟

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].

○ در این موضوع، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عمومی مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی بوده است و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند، قرآن نیز با همان زبان نازل شده، ولی در نوع خود، فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده است [علوم قرآنی، بی‌تا: ۴۸].



از امام صادق (ع) نقل شده است: خداوند متعال قرآن را برای زمان خاص يك عصر قرار نداده است. در هر زمان جدید، نزد هر قوم، تا روز قیامت مطالب و نکته‌های جدید و قابل برداشت دارد

(گاهی از زبان تمثیل، گاهی از اشارات و رموز و گاهی از اصطلاحات خاص استفاده کرده است).

استاد مطهری به بُعد معنوی و تأثیرگذاری قرآن توجه کرده و زبان قرآن را زبان منطق، تعقل و زبان دل می‌داند. ایشان می‌نویسد: قرآن با زبان منطق و استدلال با مخاطب خود سخن می‌گوید، اما به جز این زبان، قرآن زبان دیگری نیز دارد که مخاطب آن عقل نیست، بلکه دل است و این زبان دوم احساس نام دارد [آشنایی با قرآن، بی تا: ۳۵].

ایشان در جای دیگر می‌افزاید: قرآن در توصیف خود، برای خود دو زبان قائل می‌شود؛ گاهی خود را کتاب تفکر، منطق و استدلال معرفی می‌کند و گاهی کتاب احساس و عشق. به عبارت دیگر، قرآن تنها غذای عقل و اندیشه نیست، غذای روح هم هست [همان، ۳۶ و ۳۷].

برخی نیز با الگوگیری از همین اندیشه، زبان قرآن را زبان هدایتی و خاص می‌دانند [زبان قرآن، بی تا: ۴۰۴].

اما به علت وجود رمز، اشارات و کنایات و نیز نوع سخن گفتن عرفی با مردم، هم‌چنین برخورداری از اصطلاحات خاص، به ویژه اصطلاحات شرعی مانند صلاه و صوم و حتی برخی اشارات علمی در قرآن کریم، زبان ترکیبی از قوت بیشتری برخوردار است.

● منظور از مبانی دلالتی چیست؟ چه مواردی را شامل می‌شود؟

○ مبانی دلالتی، آن مباحثی را دربرمی‌گیرد که زیرساخت‌های فهم قرآن را تشکیل می‌دهند. به حوزه‌ی دلالت قرآن و فهم آن مربوط است. البته باید مبانی دلالتی را که بنیادهای اصلی فهم و تفسیر و دلالت متن را ثابت می‌کند و میان بحث‌های دلالت که در قواعد و اصول تفسیر بحث می‌شود، تفکیک کرد، چرا که مثلاً بحث حجیت ظواهر قرآن که از مبانی است، اصل فهم و دلالت داشتن قرآن را ثابت می‌کند، اما این که این مفهوم چه دلالتی دارد، آیا دلالت لفظی است یا طبیعی یا عقلی و اگر دلالت لفظی است، آیا دلالت مطالبی یا تضمینی یا الزامی است که مصداق و نوع دلالت را روشن خواهد کرد، از مباحث قواعد و اصول تفسیر است. اگرچه مبانی و اصول قواعد با هم مرتبط هستند، ولی یکی زیرساخت و بنیان است و دیگری پایه‌هایی که روی آن بنیان‌ها قرار داده می‌شوند. در این جا، آن مباحث بنیادین دلالت، از جمله حجیت ظواهر قرآن، امکان فهم و تفسیر قرآن و نیازمندی قرآن به تفسیر،

بحث و بررسی می‌شوند.

● در طرح مبانی فهم قرآن، بحث حجیت ظواهر قرآن مطرح شد. اولاً بفرمایید چگونه این بحث از مبانی فهم و تفسیر می‌شود، ثانیاً چه نظریاتی در این باره مطرح است؟

○ در مورد پرسش اول که حجیت ظواهر چگونه از مبانی فهم می‌شود، بدین جهت است که حجیت ظواهر قرآن با فهم قرآن ارتباط مستقیم دارد، زیرا در صورتی قرآن کریم برای ما قابل فهم است که ظواهر آن حجت باشد. اگر ظواهر قرآن حجیت نداشته باشد، نمی‌توان به خود قرآن مراجعه کرد و مفاهیم آن را به دست آورد. در نتیجه، فهم قرآن و عدم آن، بر حجیت ظواهر مبتنی است. اگرچه بخشی از تفسیر قرآن نیز بر همین مبنا استوار است. از جمله، تفسیر قرآن به قرآن وقتی صحیح است که ظواهر قرآن حجت باشد.

● پس این بحث با بحث امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن ارتباط کامل دارد که درهم آمیخته شده‌اند، زیرا حجیت ظواهر قرآن برای ما فهم آور است و عدم حجیت، عدم امکان فهم را از خود قرآن ثابت می‌کند.

○ به نکته‌ی دقیق و صحیحی اشاره فرمودید. حجیت ظواهر قرآن، زمینه‌ساز فهم و تفسیر قرآن است.

اما ممکن است کسی بگوید، بدون حجیت ظواهر قرآن، با استفاده از روایات معصومین (ع) نیز می‌توان قرآن را تفسیر کرد. می‌گوییم: آری این صحیح است، اما یکی از مهم‌ترین منابع تفسیر قرآن، یعنی استفاده از خود قرآن، حذف خواهد شد، چرا که در صورت عدم حجیت ظواهر قرآن، تفسیر قرآن با استفاده از خود قرآن از حجیت ساقط می‌شود. در هر حال، برای روشن شدن حجیت ظواهر یا عدم حجیت آن، به سه دیدگاه می‌توان اشارت کرد:

عدم حجیت ظواهر به طور مطلق: این دیدگاه منسوب به اخباریون است. صاحب وسائل الشیعه، در جلد ۱۸/۱۲۹ باب ۱۳ یعنی ابواب صفات قاضی، بایی را باز کرده است با عنوان عدم جواز استنباط احکام نظری از ظواهر قرآن، مگر بعد از شناخت تفسیر آن آیات از ائمه‌ی معصومین (ع).^۹

حجیت ظواهر به طور مطلق: این دیدگاه متأخران و منسوب است به مرحوم شیخ انصاری، آخوند خراسانی، میرزای نائینی (ره) و نیز امام خمینی (ره)، آیت‌الله خویی، گلپایگانی، اراکی و...

قول به تفصیل: بدین معنا که ظواهر قرآن نسبت به کسانی که مقصود به افهام و مخاطب قرآن بوده‌اند، حجت

است، اما نسبت به غیر مقصودین به افهام و غیر مخاطبان حجیت ندارد. این دیدگاه به صاحب معالم و میرزای قمی (ره) منسوب است.

● **ظاهراً تنها بنا بر دیدگاه دوم، امکان فهم و تفسیر قرآن به وسیله قرآن صحیح است. ممکن است دلایل این گروه را توضیح دهید.**

این گروه (قائلین به حجیت ظواهر) دلایلی برای اثبات گفتار خود دارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم.

۱. **سیره عقلی:** بنا و شیوه عقلی عالم همواره بر این بوده است که آن چه از ظاهر کلمات می‌فهمیدند، به آن عمل می‌کردند و به دنبال قرینه، مخصص، معنای مجازی و... نمی‌گشتند.

پیامبر اسلام (ص) نیز شیوه خاصی برای تفهیم و تفهم آیات الهی اختصاص نداد، بلکه از همان شیوه‌ای که در میان مردم رایج بود، استفاده کرد و با آن‌ها مانند خودشان سخن گفت. قرآن را بر مردم می‌خواند، اوامر و نواهی خداوند را به مردم می‌فهماند و مردم نیز ظاهر سخنان پیامبر (ص) را حجت می‌دانستند و به آن‌ها عمل می‌کردند.

آیاتی از قرآن دلالت می‌کند که به ظاهر قرآن می‌توان تمسک کرد و به آن عمل کرد. این آیات چند دسته هستند:

الف) آیات تدبیر: أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا. [نساء/۸۲] آیا در قرآن اندیشه نمی‌کنند؟ اگر این کتاب از جانب غیر خدا می‌بود، اختلافات فراوانی در آن می‌یافتید.

اگر قرآن قابل فهم نباشد، چگونه می‌توان در آن تدبیر کرد.

ب) آیات قرآن آسان: «وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ» [قمر/۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰]: به راستی ما قرآن را برای یادآوری [مردم] آسان کردیم.

خداوند قرآن را برای مردم آسان کرده است تا بتوانند آن را بفهمند و در زندگی خود به کار ببرند.

ج) آیات بیان و تبیان: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ» [آل عمران/۱۳۸]: این (قرآن) بیانی است برای عموم مردم.

«وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» [نحل/۸۹]: و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه‌ی هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

واژه‌ی بیان به معنای روشن بودن است که قرآن برای همه‌ی مردم روشن است. اما این که چرا به تفسیر نیاز دارد،

در بحث قبل دلایل آن گذشت.

در آیه‌ی دیگر خداوند متعال می‌فرماید: «وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ [روم/۵۸]: ما برای فهم مردم در این قرآن، از هر مثلی آورده‌ایم.

۲. **تمسک به ظاهر کتاب:** روایاتی نیز وجود دارند که بر جواز تمسک به ظاهر کتاب دلالت می‌کنند. به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) حدیث ثقلین: پیامبر (ص) فرمود: من در میان شما دو چیز گران‌بها به جای می‌گذارم؛ یکی «کتاب» (قرآن) و دیگری «عترت» که اگر به آن دو جنگ بزنید، هرگز گمراه نمی‌شوید^۶ دلالت می‌کند بر این که می‌توان به ظاهر کتاب خدا تمسک کرد و به آیات آن استناد جست و بدان عمل کرد.

ب) روایات عرض اخبار بر قرآن: روایات فراوانی که دلالت می‌کند، اخبار را بر کتاب (قرآن) عرضه کنید. اگر موافق کتاب بود، آن را اخذ کنید و اگر مخالف کتاب آسمانی بود، آن را کنار بگذارید: «مَا وَافَقَ الْكِتَابَ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَهُ فَذَعُوهُ» [وسائل الشیعه، ج ۱۸: ۸۲]:

این دلایل از آیات و روایات را که نقل شد، می‌توان دلایل امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن نیز برشمرد.

پی نوشت

۱. ر.ک: معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه التثیب، ج ۱: ۱۴.
۲. ر.ک: راغب، مفردات. ص ۳۴۰ و قاموس قرآن، ج ۴: ۳۱۳.
۳. ر.ک: طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۶: ۳۱۶؛ المیزان، ج ۱: ۷۴، ابن‌کثیر تفسیر القرآن العظیم، ج ۲: ۴۸۰؛ تفسیر شبر، ص ۲۳۹ و...
۴. ر.ک: طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۵: ۳۱۶.
۵. هم‌چنین محمد امین استرآبادی که اخباری متعصبی است، در کتاب الفوائد المدینه ص ۱۲۸، هم‌چنین بحثی را عنوان کرده است.
۶. نیز مانند ص ۲۹ / محمد / ۲۴.
۷. این روایت از معتبرترین روایات و متواتر است. بیش از بیست صحابی آن را نقل کرده‌اند. «علامه امینی» می‌نویسد: این حدیث مورد اتفاق تمام مسلمانان است [الغدیر، ج ۱/ ۳۳۰]. برخی از منابع حدیث عبارت‌اند از: صحیح مسلم، ج ۷: ۲۳؛ سنن ترمذی، ج ۷: ۶۶۵؛ سنن دارمی، ج ۲: ۴۳۳؛ مستدرک حاکم، ج ۳: ۱۰۹، الصواعق المحرقة، ص ۷۵ و ۱۳۶ و...



پیامبر اسلام (ص) نیز شیوه‌ی خاصی برای تفهیم و تفهم آیات الهی اختصاص نداد، بلکه از همان شیوه‌ای که در میان مردم رایج بود، استفاده کرد و با آن‌ها مانند خودشان سخنی گفت

حجت الاسلام
والمسلمین حمید
محمدی، مجموعه
کتابهای «زبان
قرآن» را در زمینه‌ی
آموزش صرف و نحو
عربی به چاپ رسانده
است. از ابتکارات ایشان
این است که ادبیات
عرب را با استفاده از
آیات قرآنی آموزش
می‌دهد که به بیست
و دو زبان زنده دنیا ترجمه
شده و میلیون‌ها نسخه
از آن به چاپ رسیده
است. ایشان پژوهشی را
انجام داده است با عنوان
«روش‌های تدریس» که
بخشی از آن در این جا
به نظر شما می‌رسد. آقای
محمدی در حال حاضر
مدیرکل مرکز توسعه
و ترویج فعالیت‌های
قرآنی وزارت
فرهنگ و ارشاد
اسلامی
است.

الگوی تدوین برنامه‌های درسی آموزش قرآن

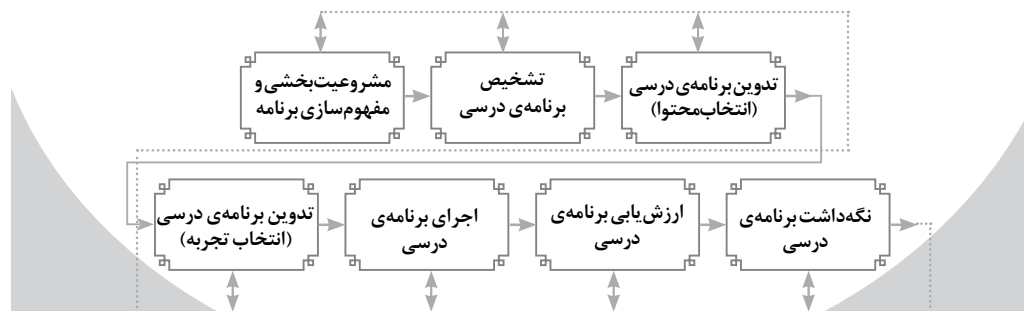
بر اساس الگوی تصمیم‌سازی هانگیز
حجة الاسلام والمسلمین حمید محمدی

سراغاز

هر نظام آموزشی، به مفهوم عام، نیازمند
ترسیم الگویی برای تدوین برنامه‌های درسی خود است.
کیفیت عناصری که در برنامه‌ی درسی قرار می‌گیرند، بر رویکردی
مبتنی است که آن نظام آموزشی نسبت به برنامه‌ی درسی دارد. در این میان،
عناصری هستند که در نظام‌های برنامه‌ی درسی از هر نوع که باشند، نمی‌توان آن‌ها
را مورد غفلت و چشم‌پوشی قرار داد؛ عناصری نظیر: محتوا، یادگیرنده، روش تدریس،
ارزش‌یابی و مواد آموزشی برنامه. نظر بر این است که در مهندسی برنامه‌ی درسی، عناصر یاد
شده از موارد بنیادی هستند. افزودنی است که عناصر دیگری نیز هستند که اهمیت دارند؛ مانند
مکان، زمان و نوع گروه‌بندی مخاطبان.

ولی روی هم رفته، **کلاین** (۱۹۹۲) با بهره‌گیری از منابع گوناگون اظهار می‌دارد، اهداف،
محتوا، فعالیت‌های یادگیرندگان، روش ارزش‌یابی، منابع و ابزار یادگیری، زمان، فضا یا
محیط، گروه‌بندی دانش‌آموزان و سرانجام راهبردهای تدریس، در عمل مهندسی برنامه،
اهمیت زیادی دارند. به هر ترتیب، شایسته است عناصری که در طرح برنامه‌ی درسی گنجانده
می‌شوند، با دیدگاه‌های برنامه‌ی درسی و الگوهای آموزشی ارتباط لازم را برقرار کنند.
چنین ارتباطی، هم باید درونی باشد و هم قابل لمس. به منظور بازنمایی
مقصود، از ارتباط دیدگاه‌ها با الگوهای تدریس یا آموزش،

الگویی نمونه ارائه می‌شود:



نمودار شماره ۱

رویکردی خاص از برنامه‌ی درسی

تاکنون الگوهای گوناگونی برای تدوین برنامه‌ی درسی معرفی شده‌اند که هر کدام به نام تدوین‌کنندگان آن‌ها نام گرفته‌اند؛ از آن جمله می‌توان به الگوهای برنامه‌ریزی درسی **تایلر، تابا، مزیلر، سیلر و الکساندر**، و **هانکینز** اشاره کرد. هر کدام از الگوهای یاد شده، بنا به خاستگاه‌ها و پیشینه‌های نظری خود، مزایا و محدودیت‌هایی دارند. با این همه، الگوهای یاد شده، در عمل کارایی خود را نشان داده‌اند. الگویی که در این قسمت برای تدوین برنامه‌های درسی قرآن‌آموزی معرفی می‌شود الگوی **تصمیم‌سازی هانکینز**^۲ است. دلیل ترجیح الگوی حاضر بر سایر الگوها دو مورد است:

الف) سازگار با عناصر برنامه‌ی درسی است که در مقاله حاضر مورد عنایت قرار گرفته است.
ب) در تولید طرح‌فراگیری^۳ یادگیرندگان موفق عمل می‌کند.

معرفی الگوی برنامه‌ریزی درسی

الگوی مبتنی بر تصمیم‌سازی، از جمله الگوهای علمی - فنی است که در تدوین برنامه‌های درسی مورد بهره‌برداری فراوان قرار می‌گیرد. این الگو هفت مرحله‌ی عمده دارد: مشروعیت‌بخشی و مفهوم‌سازی برنامه‌ی درسی، تشخیص، انتخاب محتوا، انتخاب تجربه، اجرا، ارزش‌یابی و نگه‌داشت.

نمودار شماره ۱

• مشروعیت‌بخشی و مفهوم‌سازی برنامه‌ی درسی

این مرحله، مرحله‌ی نخست الگوی برنامه‌ریزی درسی است. در مرحله‌ی حاضر، تصمیم‌گیرندگان بر مفهوم‌سازی مفاهیم برنامه‌ی درسی تأکید می‌ورزند. سؤالاتی از این دست پرسیده می‌شود: ماهیت برنامه‌ای که باید تدوین شود چیست؟ عناصر بنیادی آن کدام‌اند؟ به چه شیوه‌ای می‌توان به طراحی این عناصر پرداخت؟ یا آن که عناصر برنامه را به چه صورتی می‌توان با یکدیگر پیوند داد؟ افزون بر این، در مرحله‌ی حاضر، لازم است نیازهای یادگیرندگان به صورتی دقیق تعریف شود

و برنامه‌ی درسی پیشنهادی، از طریق تطابقی که با نیازهای یادگیرندگان می‌یابد، مشروعیت پیدا می‌کند.

به هر روی، در تدوین برنامه‌های درسی قرآن‌آموزی، برحسب آن چه در این مرحله از الگوی برنامه‌ریزی درسی آمده است، سؤالاتی نظیر سؤالات زیر پرسیده می‌شود:

• آیا برنامه‌ی درسی قرآن‌آموزی، ایجاد است؛ یعنی مهارت نوین را باید در فراگیرندگان ایجاد کند؟

• آیا برنامه‌ی درسی قرآن‌آموزی، تصحیحی است؛ یعنی برنامه به قصد بهینه‌سازی مهارت‌های قرآن‌آموزی تدوین می‌شود؟

• آیا برنامه‌ی درسی قرآن‌آموزی، ترغیبی است؛ یعنی برنامه‌ی درسی به قصد ایجاد انگیزه برای روآوری به فراگیری قرآن تدوین می‌شود؟

در کنار نظوروزی‌هایی از این نوع، اقدام دیگری نیز به انجام می‌رسد. اقدام مورد نظر، سنجش یا تعیین نیازهای یادگیری مخاطبان قرآن‌آموزی است. بدون نظوروزی مورد اشاره، و بی‌آن که نیازسنجی صورت گرفته باشد، برنامه‌های درسی که تدوین می‌شود، مشروعیت ندارند. این سخن بدین معناست که برنامه‌های درسی فاقد مشروعیت، از موفقیت مورد انتظار برخوردار نیستند.

• تشخیص برنامه‌ی درسی

مرحله حاضر، دو تکلیف عمده را شامل می‌شود: تبدیل نیازها به دلایل، و تدارک اهداف کلی و اهداف عینی. آن‌گاه که برنامه درسی برای برآورد نیازهای دانش‌آموزان مناسب تشخیص داده می‌شود یا دلیل‌مند انگاشته می‌شود، به دنبال آن اهداف کلی، و عینی تدوین می‌گردد تا به مثابه عوامل رهنموددهنده مورد استفاده قرار گیرند. اهدافی که در مرحله حاضر تدوین می‌گردند به مثابه چارچوبی برای تعیین محتوا در نظر آورده می‌شوند. مرحله تشخیص برنامه درسی از مراحل بسیار حساس است. ظرافت کار در آن است که برنامه‌ریزان باید به نحو مناسبی بتوانند نیازها را با توجه به نظام اولویت‌بندی خاصی که اعمال می‌کنند دلیل‌مند جلوه دهند. در کنار آن، تدوین‌کنندگان باید

درسی، زمینه برای ارزش‌یابی از بازده برنامه فراهم می‌آید.

● ارزش‌یابی برنامه‌ی درسی

این مرحله، معمولاً طی حیات برنامه به اجرا درمی‌آید. در فرایند ارزش‌یابی برنامه‌ی درسی، داده‌ها و اطلاعات صیقل می‌یابند تا از آن‌ها برای تصمیم‌گیری درباره‌ی تداوم برنامه، اصلاح آن و یا عدم ادامه آن استفاده شود. چون معمول است که برای سنجش برنامه، بازده‌های آن سنجیده شود. باید تلاش کرد افزون بر سنجش بازده‌ها، با استفاده از ابزارهایی غیر از آزمون‌ها، به ارزش‌یابی برنامه‌های درسی پرداخت.

● نگاه‌داشت برنامه‌ی درسی

مرحله‌ی پایانی الگوی برنامه‌ریزی درسی معرفی شده، مرحله‌ی نگاه‌داشت است. نگاه‌داشت برنامه‌ی درسی دربرگیرنده‌ی روش‌ها و ابزارهایی است که برنامه‌ی درسی به اجرا درآمده، با استفاده از آن‌ها هدایت می‌شود تا اثرگذاری عملی‌اش را نشان دهد. در این حوزه، راجع به آموزش‌دیدگی مدرسان بحث می‌شود، بودجه‌ی تخصیصی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و نظر بر این است که پشتیبانان برای حمایت از مدرسان آماده‌اند.

الگویی که ارائه شده، دارای این مزیت سیستمی است که حلقه‌ی بازخورد و اطلاعاتی کافی در اختیار دارد و تصمیم‌گیرندگان می‌توانند از هر نقطه که بخواهند، وارد فرایند برنامه‌ریزی بشوند.

در کنار الگوی برنامه‌ریزی درسی پیشنهادی، با توجه به اهمیت زیادی که در نظام قرآن‌آموزی بر بازده‌های یادگیری می‌شود، تلاش می‌شود شرایط یادگیری معطوف به بازده‌های یادگیری بحث شود و در آن، انواع روش‌های تدریس متناسب با بازده‌های یادگیری عرضه شوند.

اهداف را به گونه‌ای استخراج و بیان کنند که آن‌ها معرف مناسبی برای نیاز یا نیازهای تعریف شده باشند.

● انتخاب محتوا

انتخاب محتوا به مثابه یکی از مراحل بنیادی الگوی برنامه‌ریزی درسی، بر تصمیم‌سازی مبتنی است. در این مرحله، درباره‌ی آن چه باید در قالب سند برنامه بیاید، تصمیم‌گیری می‌شود. محتوا، «بن‌مایه‌ی» برنامه‌ی درسی است. محتوا «چیزی است» که هم باید تدریس شود و هم باید از سوی یادگیرنده فراگرفته شود. محتوا از مبانی برنامه‌ی درسی است. محتوا به واقعیت‌ها، مفاهیم، اصول، نظریه‌ها، تعمیم‌ها و مهارت‌ها اطلاق می‌شود. همچنین، محتوا به مثابه فرایند، به روش‌هایی که دانش‌آموزان می‌آموزند تا دانش و مهارت‌های خود را به کار ببرند هم اطلاق می‌شود.

● انتخاب تجربه

این مرحله در وهله‌ی نخست با آموزش سروکار دارد. سؤال اساسی در مرحله‌ی حاضر آن است که محتوای آموزشی به چه صورتی باید به فراگیرندگان عرضه شود. چه روش‌های تدریسی باید در نظر گرفته شود. چه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی‌ای باید طراحی شوند تا یادگیری را اثرگذار و لذت‌بخش سازند؟ چگونه باید محتوای آموزشی عرضه شود تا اهداف منظور شده، برآورده گردند؟ در این مرحله، برنامه‌ریز درسی درباره‌ی مواد آموزشی مانند کتاب‌های درسی، نرم‌افزارهای رایانه‌ای، فیلم‌ها، کتاب‌های مرجع و مواد آموزشی در دسترس مانند نقشه‌ها، تصاویر و... می‌تواند راهنما باشد. پس از آن که تجربه انتخاب و سازمان‌دهی و با محتوای برنامه تطبیق شدند، برنامه‌ی درسی اساساً برای اجرا آماده می‌شود.

● اجرای برنامه‌ی درسی

اجرای برنامه‌ی درسی دو مرحله دارد: اجرای آزمایشی برای رفع خطاها و نکات ابهام؛ و اشاعه‌ی برنامه‌ی آزمون شده. برای اطمینان از اجرای برنامه‌ی طراحی شده، نوعی سیستم مدیریتی قوی نیاز است تا آن که برنامه را عرضه کند و با آموزش تیم مجری، تعهد مناسبی را برای اجرای برنامه پدید آورد. با به اجرا درآمدن برنامه‌ی

**این الگو هفت مرحله‌ی
عمده دارد: مشروعیت‌بخشی
و مفهوم‌سازی برنامه‌ی
درسی، تشخیص، انتخاب
محتوا، انتخاب تجربه، اجرا،
ارزش‌یابی و نگاه‌داشت**

شرایط یادگیری: انطباق الگوهای یادگیری و تدریس

تدوین برنامه‌های درسی دوره‌های آموزشی، واحدهای درسی و تک‌درس‌ها، از اقدامات مطلوب برای آموزش است. در این قسمت، برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه رابرت ام. گانیه بررسی می‌شود. سپس کوشش می‌شود، چارچوب پیشنهادی وی برای حل مسئله‌ی برنامه‌ریزی، برای یادگیری و تدریس به کار رود.

گانیه در کتاب «شرایط یادگیری»^۴ تحلیل دقیقی از متغیرهای مهم در یادگیری ارائه می‌دهد چگونگی سازمان‌دهی تدریس با توجه به متغیرهای مورد نظر را عرضه می‌کند. تصویری که گانیه از فرصت‌های یادگیری ارائه می‌دهد، برنامه‌ریزان را قادر می‌سازد تا اهداف یادگیری را طبقه‌بندی و تعریف و روابط بین انواع متعدد کارکردهای یادگیری را درک کنند.

انواع کارکردهای یادگیری

گانیه شش نوع کارکرد را می‌نماید که طبقه‌های متفاوتی از انواع یادگیری را روشن می‌سازد:

- پاسخ‌دهی معین
- زنجیره‌سازی
- تمیز چندگانه
- طبقه‌بندی
- کاربرد اصل (قاعده)
- حل مسئله

پاسخ‌دهی معین: پاسخ‌دهی معین، نشان دادن پاسخی خاص به محرک مشخصی است. نمونه‌ای از این پاسخ‌دهی زمانی است که معلمی کارتی را بالا می‌گیرد (محرک) که روی آن واژه‌ی فکر نوشته شده است و یادگیرنده نوشته را می‌خواند و می‌گوید فکر. پاسخ‌دهی معین، از انواع مهم یادگیری است؛ راهی است که ما با آن، بسیاری از اطلاعاتی را که داریم، کسب کرده‌ایم.

زنجیره‌سازی: از «زنجیره‌سازی» پاسخ‌هایی عاید می‌شود که به یکدیگر ارتباط داده می‌شود. گانیه نمونه‌ای از زنجیره‌سازی را باز کردن قفل با کلید و ترجمه از زبانی به زبان دیگر اعلام می‌کند. باز کردن قفل مستلزم نشان دادن یک دسته پاسخی است. نظیر انتخاب کلید، گذاشتن کلید در مقر قفل، چرخاندن کلید و... مثلاً زمانی که کسی جمله‌ی «ان الله مع الصابرين» را از عربی به جمله‌ی فارسی «خدا با صابران است» ترجمه می‌کند، کاری شبیه به باز کردن قفل به وسیله‌ی کلید انجام می‌دهد.

تمیز چندگانه: در یادگیری، انواعی از پاسخ‌ها و زنجیره‌ها، و نحوه‌ی رج‌بندی یا ترتیب‌دهی مناسب آن‌ها به کار گرفته می‌شود. برای مثال، یادگیرنده‌ای می‌آموزد تارنگ‌ها را با نام آن‌ها در شرایط مشخصی ارتباط دهد و از آن‌ها به مقاصد گوناگونی تحت شرایط متفاوتی بهره بگیرد و نیز زنجیره‌ها و پاسخ‌های صحیح را برگزیند. آن‌گاه که زبانی مورد فراگیری قرار می‌گیرد، فراگیرنده گنجینه‌ای از واژه‌ها و عبارات را برای خود تدارک می‌بیند و زمانی که گفت‌وگو پیش می‌آید، آن شخص واژه‌ها و عبارات را برای پاسخ‌دهی ترتیب و آرایش می‌دهد، یادگیری تمیز چندگانه، معمولاً یادگیری کاربرد قاعده‌ها و زنجیره‌سازی از پیش آموخته‌ها در شرایط متفاوت را نیز دربرمی‌گیرد.

طبقه‌بندی: طبقه‌بندی قرار دادن اشیا یا مفاهیم برحسب ویژگی‌های مشترکشان در یک دسته است. نتیجه‌ی این یادگیری، طبقه‌بندی مفاهیم و ایده‌هاست که از فعالیت مقایسه‌ای و استخراج تشابهات و تفاوت‌ها حاصل می‌شود.

کاربرد اصل (قاعده): توانایی عمل روی یک مفهوم است که روشن‌سازی عملی را نتیجه می‌دهد. برای مثال، در هجی کردن، انواع مفاهیمی را می‌آموزیم که توصیف می‌کند چگونه واژه هجی یا تلفظ می‌شود. سپس مفاهیم آموخته شده را به شکل قاعده در خود هجی کردن هم به کار می‌بریم. برای مثال، فراگیر یاد می‌گیرد اشباع هاء ضمیر در کلمه‌ی «بِه»، زمانی که به صورت به نوشته می‌شود، همراه با یک «ا» اضافی می‌آید. و این قاعده می‌شود. یعنی کاربرد «ا» اضافی یا مضاعف که معمولاً در قرائت کردن واژه‌ها به کار گرفته می‌شود.

حل مسئله: حل مسئله، کاربست چند قاعده یا اصل برای حل مسئله‌ای است که یادگیرنده پیش‌تر با آن مواجه نشده است. حل مسئله، انتخاب قاعده‌های درست و کاربرد ترکیبی آن‌ها را دربرمی‌گیرد. برای مثال، فراگیر، چند قاعده

الگوی مبتنی بر
تصمیم‌سازی هانکینز، از
جمله الگوهای علمی-فنی
است که در تدوین برنامه‌های
درسی مورد بهره‌برداری فراوان
قرار می‌گیرد

درباره‌ی قرآن با خط کم علامت یاد می‌گیرد. سپس زمانی که قرآن کم علامت قرائت می‌کند، آن‌ها را به کار می‌برد.

نگاهی به شش طبقه‌ی یادگیری

گمانیه بر این باور است که شش طبقه‌ی یادگیری از ساده به پیچیده تنظیم می‌شوند. با توجه به آن چه که مباحث گمانیه روشن می‌سازد، وی سلسله مراتبی برای یادگیری در نظر می‌آورد. هر کدام از یادگیری‌ها، در سلسله مراتب یادگیری، پیش‌نیازی برای یادگیری طبقه‌ی بالاتر است. بنابر آن چه گفته شد، بر وفق نظر گمانیه، کسی که می‌خواهد در طبقه یا مرتبه‌ی زنجیره‌سازی به یادگیری بپردازد، باید به یادگیری پاسخ‌دهی خاص که مرتبه‌ی زیرین زنجیره‌سازی است، رسیده است. همین‌طور یادگیری تمیز چندگانه، مستلزم فراگیری زنجیره‌های متعددی است. یادگیری طبقه‌بندی، بر مبنای یادگیری تمیز چندگانه رخ می‌دهد و قواعد کار، صورت‌هایی از مفاهیم آموخته شده از طریق طبقه‌بندی‌اند و حل مسئله، مستلزم کاربرد قاعده‌های پیش‌آموخته است. شرایط معینی برای پرورش و حصول هر کدام از طبقه‌ها موردنیاز است. وظیفه‌ی معلم آن است که شرایط موردنظر را در کلاس درس برای انواع یادگیری‌ها به‌وجود آورد. یکی از راه‌های دستیابی به این مقصد، کاربرد الگوهای تدریس مناسب و متناسب است.

اکنون نگاهی داریم بر نحوه‌ی ارتباط دادن طبقه‌های یادگیری و الگوهای تدریس - یادگیری. برای تسهیل یادگیری «پاسخ‌دهی معین»، تحت شرایطی محرکی به دانش‌آموز ارائه می‌شود که توجه وی را جلب کند و او را به واکنش مرتبط با آن چه ارائه می‌شود، وادارد. برای مثال، معلم کارتی را که روی آن واژه‌ی «فکر» نوشته شده است، با دست بالا می‌گیرد و می‌گوید: «فکر». دانش‌آموزان می‌خواهند بگویند «فکر». سپس لبخند می‌زند و می‌گوید: «عالی است». معلمی که مکرراً این عمل را تکرار می‌کند، احتمال این را که دانش‌آموزان بتوانند بعداً واژه‌ی فکر را بشناسند، بالا می‌برد. به تدریج، بی‌آن که خود واژه‌ی «فکر» را بگوید، دانش‌آموزان می‌توانند واژه را تشخیص دهند و آن کلمه را بیان کنند. الگوی تدریس -

یادگیری یادیار (کمک‌کننده‌ی

حافظه) از الگوهای است

که برای تسهیل

یادگیری

پاسخ‌دهی مناسب است.

هم‌چنین، مراحل نخست الگوهای تدریس یادگیری استقرایی و درک و دریافت مفاهیم، و مرحله‌ی گردآوری اطلاعات و کاوشگری گروهی، برای تسهیل یادگیری پاسخ‌دهی مناسب هستند.

برای تسهیل یادگیری زنجیره‌سازی، اشاره‌هایی به صورت متوالی ارائه و پاسخ‌های مناسب گرفته می‌شود. مثلاً معلم آموزش زبان عربی بگوید «کیف حالک» و در ادامه بگوید «حالتان چه‌طور است؟» این کار، دانش‌آموزان را برمی‌انگیزد تا آنان هم چنین عملی را تکرار کنند. سپس معلم می‌تواند فرصت تمرین مناسب را در نظر آورد تا دانش‌آموزان زنجیره را کسب کنند و به سهولت به بیان و تبدیل دو جمله برسند. الگوهای تدریس - یادگیری، تفکر استقرایی و یادیار، برای کمک به زنجیره‌سازی مناسب‌اند.

برای تسهیل «یادگیری تمیز چندگانه»، تمرین با نمونه‌های درست و نادرست موردنیاز است تا دانش‌آموزان بتوانند به تمیزگذاری برسند. برای مثال، در نظر بگیرید دانش‌آموزان در یادگیری زبان عربی باید فرا بگیرند که از جمله یا عبارت‌هایی چون «کیف حالک؟»، «صباح‌الخیر» و «سلام علیکم» در چه مواقعی باید استفاده کنند. معلم موقعیت‌ها و شرایط مناسب و محرکی به‌وجود می‌آورد تا آن که دانش‌آموزان با توجه به آن، عبارت‌ها یا جمله‌های اشاره شده را از نظر کاربردی تمیز دهند و به کار ببرند. الگوهای تدریس استدلال استقرایی و درک

و دریافت مفاهیم، برای یادگیری تمیز چندگانه مناسب‌اند. طبقه‌بندی از طریق ارائه‌ی انواعی از مصداق‌ها یا نمونه‌ها و مفاهیم که دانش‌آموزان می‌توانند به تدریج با بهره‌گیری از تمیزدهی فراگیرند، تدریس می‌شود. الگوهای تدریس تفکر استقرایی و درک

و دریافت مفاهیم، برای آموزش طبقه‌بندی مناسب‌اند.

کاربرد اصل یا قاعده، از طریق واداشتن دانش‌آموزان به

**انتخاب محتوا به مثابه
یکی از مراحل بنیادی
الگوی برنامه‌ریزی
درسی، بر تصمیم‌سازی
مبتنی است**

بازخوانی مفهوم و سپس کاربرد آن به صورت‌های گوناگون تسهیل می‌شود. در مثالی که پیشتر ارائه شد، دیدید که دانش‌آموزان قاعده را بازخوانی می‌کنند و با استفاده از آن، گاهی که کلمه‌ای به «ه» ختم می‌شود، هنگام افزودن «ا»، صدای «ای» دیگر هم به کلمه اضافه می‌کنند «بهی».

الگوهای تدریس درک و فهم مفهوم و تفکر استقرایی، برای آموزش کاربرد قاعده یا اصل مناسب‌اند.

در بیشتر موارد، حل مسئله از سوی خود دانش‌آموزان به انجام می‌رسد. چون موقعیت‌های مسئله منحصر به فرد هستند. یادگیری حل مسئله را می‌توان با فراهم‌آوری مجموعه‌ای از مسائل که دانش‌آموزان می‌توانند با آن به چالش بپردازند، تسهیل کرد. به‌ویژه، زمانی که معلم می‌داند که دانش‌آموزان قواعد یا اصول موردنیاز برای حل مسئله را فراگرفته‌اند، الگوهای کاوشگری گروهی، ایفای نقش، بدیعه‌پردازی، تدریس-یادگیری مشاوره‌ای، ساخت‌گرایی و فراشناخت، برای آموزش حل مسئله مناسب‌اند.

فعالیت‌های تدریس

گانه تأکید دارد، فعالیت یادگیرنده است که به یادگیری می‌انجامد. وظیفه‌ی معلم آن است که شرایطی را مهیا سازد تا احتمال فراگیری یادگیرنده را افزایش می‌دهد. تمرین کردن قاعدتاً حائز اهمیت است، چون سبب می‌شود دانش‌آموز ارتباط موردنیاز بین عناصر محتوایی برقرار کند. معلم نمی‌تواند فعالیت مربوط به خود را به دانش‌آموز واگذار کند.

معلم دانش‌آموزان را یاری می‌کند تا طبقه‌ی متفاوتی از یادگیری را مورد استفاده قرار دهند. این کار از طریق هفت کارکرد رخ می‌دهد که در کلاس درس پی گرفته می‌شود:

۱. آگاه کردن فراگیرندگان از اهداف؛

۲. ارائه‌ی محرک؛

۳. افزودن بر توجه یادگیرندگان؛

۴. کمک به بازخوانی پیش‌آموخته‌ها؛

۵. ایجاد شرایط عملی برای فعالیت؛

۶. تعیین توالی یادگیری؛

۷. ارتقا و هدایت یادگیری.

هم‌چنین معلم دائماً دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند آن‌چه را یاد گرفته‌اند، تعمیم دهند تا دانش و مهارتی که فراگرفته شده است، به سایر موقعیت‌های یادگیری و فعالیت انتقال یابد.

آگاه کردن یادگیرندگان از عملکرد مورد انتظار برای فراهم‌آوری، فرصت مناسبی برای دستیابی به مقاصد حیاتی است. برای مثال، معلم باید در ابتدای کار به دانش‌آموزان بگوید: «امروز قرار است درباره‌ی نقش صداها در قرائت‌ها بحث شود. از این‌رو، لازم است اسامی چندین صدا را بیاموزید و نحوه‌ی عمل آن‌ها را فراگیرید.» معلم سپس می‌تواند اسامی صداها را همراه با عکس‌هایشان به یادگیرندگان نشان دهد و از دانش‌آموزان بخواهد، نام آن‌ها را همراه با او تکرار کنند. اشاره به عکس‌ها و اسامی و گفتن نام صداها می‌تواند توجه دانش‌آموزان را جلب کند.

برای بازخوانی آموخته‌های پیشین، معلم امکان دارد بپرسد: مباحثی را که درباره‌ی نحوه‌ی قرائت قرآن به بحث گذاشته شد، به یاد دارید؟ می‌توانید برخی موضوعات بحث شده را بیان کنید؟ دانش‌آموزان می‌توانند به حافظه‌ی خود رجوع کنند، و سپس موضوعات مربوطه را با توجه به نشانه‌هایی که در ذهن دارند، بیان کنند.

برای واداشتن دانش‌آموزان به عمل، معلم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد، نقش صداهایی را که بیشتر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، نقد کنند.

توالی یادگیری گوناگون می‌تواند بنا به نوع یادگیری مواد درسی، مورد استفاده قرار گیرد. روی‌هم‌رفته، ارائه‌ی محرک، جلب توجه، کمک به درک و فهم اهداف و اشیا، واداشتن به عمل، و سپس کمک به تصمیم آموخته، توالی یادگیری مناسبی را در اختیار دانش‌آموز قرار می‌دهد. در جدول شماره ۲ تطبیق الگوهای تدریس و انواع عملکرد ارائه می‌شود.

پی‌نوشت

1. Clayn. 1992
2. Hunkin's Decision - making Model
3. Learning Plan
4. Condition Of Learning

مؤدار شماره ۲

جدول تطبیق الگوهای تدریس و انواع عملکرد یادگیری

الگوهای تدریس - یادگیری

پاسخ‌دهی معین	یادیار	شبیه‌سازی	مرحله‌ی اول تفکر استقرایی	مرحله‌ی دوم درک و فهم مفهوم	کاوشگری گروهی (فعالیت‌های گردآوری اطلاعات)
زنجیره‌سازی	یادیار	تفکر استقرایی			
تمیز جندگانه	تفکر استقرایی	درک و فهم مفهوم (دریافت مفهوم)			
طبقه‌بندی	تفکر استقرایی	درک و فهم مفهوم			
کاربرد اصل (قاعده)	کاوشگری	تفکر استقرایی	تفکر استقرایی		
حل مسئله	گروهی	ایفای نقش	بدیعه‌پردازی	ساخت‌گرایی	فراشناخت

انواع
عملکرد



نام دکتر عین‌الله خادمی برای خوانندگان مجله‌ی رشد آموزش قرآن آشناست. ایشان دارای دکترای فلسفه‌ی اسلامی و استاد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی است که دبیران بسیاری را برای آموزش و پرورش تربیت کرده است. به مناسبت دوازدهم اردیبهشت، سال روز شهادت استاد مطهری و روز معلم، مقاله‌ی ایشان در ارتباط با «احترام به استاد در دیدگاه آیات و روایات»، تقدیم خوانندگان مجله می‌شود.

چکیده

در عصر انفجار اطلاعات، هم‌بستگی مستقیمی میان تولید علم و زیست شرافتمندانه وجود دارد. آیات متعدد قرآن، از جمله پنج آیه‌ی نخست سوره‌ی علق، آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۲۶۹ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۹ سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۱۱ مجادله و... و احادیث متعدد از پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه‌ی معصومین(ع)، مبین و مؤید ارزش زایدالوصف مقام دانش، متعلم و دانشمند (استاد) هستند. از دیدگاه آیات قرآن و احادیث، راه‌های متعددی برای ابراز احترام و محبت نسبت به استاد وجود دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. ارج نهادن به مقام استاد؛ ۲. تواضع و فروتنی در برابر استاد؛ ۳. رعایت آداب سخن و گفتن و رفتار با استاد؛

۴. چشم‌پوشی از برخی اشتباهات احتمالی استاد. **کلید واژه‌ها:** احترام، محبت، دانش، متعلم، دانشمند، استاد.

طرح مسئله

در برهه‌ای زندگی می‌کنیم که کاروان معرفت بشری با سرعتی محیرالعقول به پیش می‌تازد. پرده‌های جهل را کنار می‌زند و افق‌های نوینی فراروی بشر قرار می‌دهد. در عرصه‌ی معرفت بشری، هر ثانیه هزاران اطلاعات نو حیات لباس هستی بر تن می‌پوشانند و مقارن آن، هزاران دیو جهل به دیار عدم رهسپار می‌شوند. عمر مفید اطلاعات بیش از حد کوتاه شده است و در اندک زمانی، آثار پیری و کهنگی بر رخساره‌ی آن‌ها پدیدار می‌شود. بدین دلیل، یکی از مهم‌ترین ویژگی عصر ما،

«حرمت استاد» در آیات و روایات

به مناسبت هفته‌ی بزرگداشت مقام معلم

دکتر عین‌الله خادمی
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی

«انفجار اطلاعات» است.

در چنین دوره‌ای، کشوری می‌تواند مقتدرانه و عزت‌مدارانه به زیست خویش ادامه دهد که در خلق و تولید فرزندان جدید به نام «دانش»، تلاشی وافر و سهمی بسزا داشته باشد. عوامل متفاوتی در دست‌یابی و وصول به این مقصد متعالی می‌توانند مؤثر باشند. یکی از مهم‌ترین عوامل، استادان و معلمان هستند. سیر و سلوک بهینه و مطلوب استادان در این وادی، به شرایط و عوامل گوناگونی وابسته است. یکی از این شرایط آن است که حرمت مقام علم پاس داشته شود.

این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که: «احترام به استاد در نصوص دینی از چه اهمیتی برخوردار است و راه‌های ابراز محبت و احترام به استاد

از دیدگاه قرآن و روایات چیست؟» ولی پسندیده است، قبل از طرح بحث درباره‌ی راه‌های ابراز محبت و احترام به معلم، به صورت مختصر با اهمیت دانش، متعلم و دانش‌گستر (استاد)، از طریق آیات و روایات آشنا شویم.

اهمیت مقام دانش، متعلم و دانش‌مند (استاد) از دیدگاه قرآن

بنا به نقل مفسر جلیل‌القدر، مرحوم طبرسی در «مجمع‌البیان» (۷۸/۱۰)، کثیری از مفسران معتقدند که پنج آیه‌ی نخست سوره‌ی «علق»، جزو اولین آیاتی هستند که فرشته‌ی وحی در «جبل‌النور و غار حراء» بر پیامبر گرامی اسلام (ص) نازل کرده به پیامبر (ص) فرموده است: «به نام خدای بخشاینده‌ی مهربان» بخوان به

نام پروردگار که بیافرید همه‌ی آفریدگان «آدمی را از خون بسته آفرید» بخوان و پروردگار تو بزرگوارترین بخشندگان است «آن که نوشتن با قلم پیاموخت» آدمی را آن‌چه نمی‌دانست، پیاموخت.^۱ در این آیات، خداوند خودش را به عنوان معلم معرفی می‌کند و اولین فرمان خویش را به پیامبر با موضوع خواندن (یکی از مهم‌ترین راه‌های فراگیری علم و دانش از معلم) آغاز می‌کند و جبرئیل - فرشته‌ی مقرب - مأمور می‌شود که این پیام مبارک را به پیامبر ابلاغ کند. بر این اساس، جبرئیل به پیامبر (ص) فرمود: «بخوان.» پیامبر (ص) فرمود: من خواندن بلد نیستم. فرشته‌ی وحی بار دیگر سخن خویش را تکرار کرد و پیامبر نیز همان پاسخ را بازگفت. سومین بار، فرشته‌ی وحی فرمود: «قُرْأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...» و تا آخر آیه‌ی پنجم را قرائت کرد و آن‌گاه از دید پیامبر (ص) نماند.

جالب است که خداوند این مأموریت عظیم را به شخصی درس‌نخوانده (امی) و در محیطی واگذار می‌کند که متمدن‌ترین شهر آن بلاد، یعنی «مکه»، کمتر از ۲۰ نفر باسواد

قرآن در توصیف عظمت مقام دانشمندان می‌فرماید:
در میان همه‌ی بندگان الهی، تنها دانشمندان هستند
که در سایه‌ی علم خویش به مقام رفیع خشیت الهی
دست یافته‌اند

داشت. و جالب‌تر آن که در ابلاغ این پیام به یک بار بسنده نمی‌شود، بلکه بنا بر نقل روایات، فرشته‌ی وحی سه بار پیامبر را مکلف به «خواندن» می‌کند و در مورد تکرار واژه‌ی «قرأ»، برخی از مفسران آن را مبین اهمیت خواندن و تأکید می‌دانند. ولی برخی دیگر گفته‌اند: خواندن اول مخصوص پیامبر و خواندن دوم برای مردم و به منظور تبلیغ است. نه تنها تفسیر اول، بلکه تفسیر دوم نیز بیانگر اهمیت و ضرورت خواندن از دیدگاه اسلام است. بیان این نکته ضروری است که در اسلام، خواندن به صورت مطلق واجد ارزش نیست، بلکه خواندنی ارزشمند است که با نام پروردگار و در راه حق و مورد رضایت خالق منان باشد.^۲

امام صادق (ع) یکی از وظایف متعلمان را تواضع معرفی کرده و فرموده است: «نسبت به کسی که از او علم می‌آموزید (استاد) فروتن باشید

در ادامه‌ی سوره‌ی «علق»، خداوند بار دیگر بر خواندن تأکید می‌کند و می‌فرماید: «اقرأ و ربك الاكرم» کرامت الهی در این آیه با صیغه‌ی افعال تفضیل «الاکرم» بیان شده است؛ یعنی خدایی که کرمش از همه چیز عظیم‌تر است و کرم هیچ کریمی به پایه‌ی کرمش نمی‌رسد. زیرا نعمت‌هایی که خدا عطا می‌کند، هیچ‌کسی قادر نیست مثل آن را عطا کند. علاوه بر آن، همه‌ی نعمت‌ها از جانب خدا هستند. بدان معنی که یا او آن‌ها را اختراع کرده یا راه رسیدن به آن نعمت را برای مخلوقات هموار ساخته است. باید کرامت نامحدود الهی را در آموزش از طریق قلم و خواندن

آن چه که قلم می‌نویسد، جست‌وجو کرد. چرا که خواندن (مطالعه) و نوشتن از مهم‌ترین علل پیدایش و قوام تمدن بشری هستند.

لازمه‌ی هر خواندن به‌طور طبیعی «نوشتن» است، یعنی باید نوشته‌ای باشد تا از روی آن خوانده شود. از این رو خداوند در آیه‌ی بعد، از قلم که ابزار نوشتن، آموزش و توسعه‌ی علوم است یاد می‌کند.^۳ حتی در آیه‌ی نخستین سوره‌ی مبارکه‌ی «قلم»، به قلم و آن چه که قلم می‌نویسد، سوگند یاد می‌کند.^۴ [طبرسی، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۱۰: ۷۸۱؛ طباطبایی ۱۳۶۳، ج ۲۰: ۵۷۰-۵۴۵؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۸، ج ۲۴: ۳۶۷-۳۷۰ و ج ۲۷: ۱۶۰-۱۵۲؛ حجتی، ۱۳۵۹: ۳۶-۳۵].

برخی دیگر از محققان، به شیوه‌ی دیگر درباره‌ی دلالت این پنج آیه‌ی سوره‌ی علق بر اهمیت علم و دانش استدلال کرده و گفته‌اند: خداوند در این آیات، از نخستین مرحله‌ی انسان در دوران جنینی یاد می‌کند که او به صورت خون لخته شده یا هم‌چون زالو به جدار رحم چسبیده است. از چنین مرحله‌ای پست، موجودی به وجود می‌آید که اشرف مخلوقات است. گویا خدا به انسان هشدار می‌دهد که ای انسان، ابتدای حیاتت از مرحله‌ی پستی آغاز شد و این همان تویی که در واپسین مراحل، به عالی‌ترین منازل شرافت دست می‌یابی. این سخن بر این اساس استوار است که علم و دانش شریف‌ترین حالات ارج آفرین انسان است. زیرا اگر جز علم، جهات و حیثیات دیگری معیار برتری انسان به شمار می‌رفت و این حیثیات در درجه‌ی اول قرار می‌داشت، چنین شایسته به نظر می‌رسید که خداوند در این مورد بلافاصله پس از گفتار درباره‌ی آفرینش عالم و آدم، از این حالات و حیثیات سخن به میان می‌آورد [حجتی، ۱۳۵۹: ۳۵-۳۴].

قرآن در توصیف عظمت مقام

دانشمندان می‌فرماید: در میان همه‌ی بندگان الهی، تنها دانشمندان هستند که در سایه‌ی علم خویش به مقام رفیع خشیت الهی دست یافته‌اند.^۵ این آیه نیز به نحوی دیگر مبین اهمیت دانش و استاد از نظر قرآن است: خدا به هر کس که بخواهد حکمت عطا می‌کند و کسی که از حکمت، دانش و استحکام در اندیشه، گفتار و رفتار برخوردار شود، به خیر و برکت فراوانی دست یافته است.^۶ درباره‌ی معنای حکمت تفسیرهای مختلفی ارائه شده‌اند. دکتر حائری یزدی درباره‌ی معنای حکمت چنین می‌فرماید: «حکمت در اصطلاح مفسرین قرآن کریم و علمای مذهبی فقط به آن قواعد اخلاقی گفته می‌شود که بخش عقل عملی فلسفه آن‌ها را دربرمی‌گیرد؛ همان قواعد اخلاقی که کانت از آن به عنوان فرامین اخلاقی یاد می‌کند و این فرامین اخلاقی را کانت در مقابل ستاره‌های درخشان آسمان قرار می‌دهد و می‌گوید: آسمان‌های پر ستاره و قوانین اخلاقی عقل عملی، دو پدیده‌ی محیرالعقول‌اند که پیوسته اذهان ما را هر چه بیشتر و هر چه تازه‌تر سرشار از تعظیم و تحسین آمیخته با بهت و حیرت می‌سازند و به هر اندازه که ژرف‌اندیشی و بازتاب فکری روی آن‌ها افزون شود، این آمیزه‌ی تحسین و حیرت افزایش می‌یابد.»

دکتر حائری در ادامه می‌افزاید: «اما حکمت در زبان خاص به معنای مترادف فلسفه است که در تقسیمات ارسطویی و همچنین در اول کتاب «الهیات شفا» به دو قسم حکمت نظری - از نظام هستی که در اختیار ما نیست بحث می‌کند - و حکمت عملی - پیرامون هستی‌هایی که به اراده و اختیار ماست، رایزی به عمل می‌آورد - تقسیم می‌شود [حائری، ۱۳۵۹: ۳۴].

حکمت از نظر مفسران، بازیابی پند و اندرز قرآن، آگاهی و بصیرت و درک حقایق نبوت است. اگر کسی از چنین

آگاهی‌هایی بهره‌مند شود، بدون شک خیر و برکت فراوانی را عائد خودش می‌سازد؛ چون همه‌ی این آگاهی از مجرای علم و دانش به روی انسان چهره می‌کشایند. در نتیجه این آیه نیز می‌تواند بیانگر نقش علم و معلم در رهایی انسان به سوی سعادت و کمال باشد [حجتی، ۱۳۵۹: ۳۶].

خداوند صاحبان دانش را بالاتر از سایر طبقات قرار داده و امتیاز آنان را نسبت به سایر افراد، چنین بازگو می‌کند: «ای پیامبر بگو آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی که نمی‌دانند برابر هستند؟ صرفاً دانشمندان هستند که تفاوت عظیم این دو گروه را درک می‌کنند.»^۷

قرآن در سوره‌ی مجادله به دو معیار برتری افراد - علم و ایمان - چنین اشاره می‌کند: «خداوند با کسانی از شما که ایمان بیاورند و کسانی را که دانشمند هستند، برحسب درجات بلند می‌گرداند.»^۸

راه‌های ابراز احترام و محبت به استاد

متعلم از طرق متفاوت می‌تواند محبت صادقانه‌ی خویشتن را نسبت به استادش نشان دهد و احترام خویش را نسبت به مقام والای استاد ابراز کند. ما در این مقال تنها به چند راه مهم‌تر اشاره می‌کنیم.

• ارج نهادن به مقام استاد

دانش و دانشمند از نظر معارف اسلامی اهمیت و فضیلت زایدالوصفی دارد، و در روایات توصیه‌ی زیاد به نشستن در جلسات علمی و همدمی با صاحبان علم شده است. بنابر فرمایش امام موسی ابن جعفر (ع)، گفت‌وگوی با عالم در خاکروبه بهتر از گفت‌وگوی با جاهل روی تشک‌ها است.^۹

بر این اساس، متعلم نباید تنها به زرق و برق‌های ظاهری محل درس

توجه داشته باشند، بلکه بنابر حدیث پیش‌گفته، حتی در بدترین شرایط محیط فیزیکی، باید مصاحبت با استادان را قدر دانست و از وجود پر خیر و برکت ایشان بهره گرفت و مقامشان را گرامی داشت.

متعلم در همه‌ی اوقات، به ویژه در جلسه‌های درس، باید این فرمایش **حضرت علی (ع)** را که «هرکس به من یک حرف بیاموزد، مرا بنده‌ی خویش گردانده است»^{۱۰} [نراقی، ۱۳۷۹: ۶۴۱]. آویزه‌ی گوش قرار دهد، تا با تمام هستی‌اش مقام شریف استاد را گرامی بدارد.

در ارج نهادن به مقام معلم همین بس که در حدیثی دیگر، معلم به عنوان پدری معرفی شده که مقام او از مقام پدری که باعث پیدایش انسان شده، بالاتر است. حدیث چنین است: «پدران تو سه نفرند: یکی آن که تو را متولد کرد و آن که تو را علم داد و آن که دخترش را به تو تزویج کرد و بهترین این سه پدر، آن است که تو را تعلیم داد» [همان، ص ۶۴۰].

خواجه نصیرالدین طوسی، علت برتری محبت معلم بر محبت پدر را آن دانسته است که پدر - پدری که سبب پیدایش انسان شده است - در واقع پدر جسمانی فرد است، اما معلم پدر روحانی اوست. به همان نسبت که مقام و مرتبه نفس بالاتر از جسم است، مقام پدر روحانی از پدر جسمانی بالاتر است. بدین خاطر، محبت نسبت به معلم باید بیشتر از پدر باشد، هم‌چنان که محبت معلم نسبت به معلم شریف‌تر از محبت پدر نسبت به فرزندانش است. بر این اساس می‌توان گفت: محبت نسبت به معلم دون محبت خدا و فوق محبت نسبت والدین است [طوسی، بی تا: ۲۶۹].

قرآن کریم داستان **حضرت موسی (ع)** و **حضرت خضر (ع)** را در سوره‌ی کهف (آیات ۸۲-۶۰) بیان کرده است. حضرت موسی (ع) با این که یکی از پیامبران اولوالعزم بود، حتی بعد

از رسیدن به مقام نبوت، خداوند برای ارتقای مقام علمی و معنوی او زمینه‌ی یک برخورد علمی با یک استاد (حضرت خضر(ع))^{۱۱} را برایش فراهم کرد.

مرحوم **علامه طباطبایی**، در تفسیر بارزش «المیزان»، نکاتی را که مبین ارج نهادن به مقام استاد در این داستان است، چنین بیان می‌دارد:

۱. براساس این آیات، حضرت موسی (ع) همراهی با استاد را به عنوان مصاحبت و همراهی مطرح نکرد، بلکه آن را به صورت متابعت و پیروی تعبیر کرد و فرمود: موسی به او گفت: «آیا [اجازه می‌دهی که] پیروی کنم...»^{۱۲}

۲. موسی رسماً خود را شاگرد او خواند و پیروی خود را به تعلیم مشروط نکرد و نگفت: من به شرط این که تعلیم

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: پاداش فرد دانشمند، از روزه‌دار شب‌زنده‌داری که در راه خدا مبارزه می‌کند، بیشتر است

کنی، از تو پیروی می‌کنم. فرمود: تو را پیروی می‌کنم، باشد که تو مرا تعلیم کنی. بیان قرآن چنین است: «... تو را پیروی می‌کنم برای این که مرا از آن چه به تو آموخته‌اند، بیاموزی...»^{۱۳}

۳. علم استاد (خضر(ع)) را تعظیم کرد و به مبدئی نامعلوم نسبت داد و با اسم و صفت آن را معین نکرد، بلکه فرمود: «از آن چه تعلیم داده شده‌ای و نگفت: «از آن چه می‌دانی.»^{۱۴}

۴. علم او را با واژه‌ی «رشد» مدح کرد و فهماند که علم استاد «رشد» است، نه جهل مرکب و ضلالت.^{۱۵}

۵. دستوره‌های استاد را «امر» نامید و خود را در صورت مخالفت، نافرمان او

خواند و به این وسیله، شأن استاد خود را بالا برد. بیان قرآن چنین است: «تورا در چنین امری، نافرمانی نکنیم.»^{۱۶}

۶. وعده‌ای که داد، وعده صریح نبود و نگفت: من چنین و چنان می‌کنم، بلکه فرمود: «ان شاء الله به زودی خواهی یافت که چنین و چنان کنم.» و نیز نسبت به خدا رعایت ادب نمود و ان شاء الله آورد. قرآن این مطلب را چنین بیان فرموده است: «گفت: اگر خدا خواهد، مرا شکیبیا خواهی یافت» [طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۳: ۵۸۲-۵۸۳].

• تواضع و فروتنی در برابر استاد

یکی دیگر از راه‌های ابراز احترام و محبت دانشجو به استاد، تواضع و فروتنی در برابر استاد است. تواضع و فروتنی در برابر استاد، نه تنها از مقام و عزت متعلم نمی‌کاهد، بلکه باعث افزایش عزت او می‌شود. داستان حضرت موسی (ع) و خضر (ع) در قرآن نیز مبین

محبت نسبت به معلم، دون محبت خدا و فوق محبت نسبت والدین است

همین نکته است. حضرت موسی (ع) با این که از پیامبران اولوالعزم بودند و خداوند کتاب «تورات» را بر او نازل کرده بود، در برابر استادش نهایت ادب را رعایت می‌کند. از آغاز برنامه تا آخر سخنش، سرشار از ادب و تواضع است. مثلاً از همان اول، تقاضای همراهی با او را به صورت امر بیان نکرد، بلکه جمله‌ی خود را به صورت استفهام آورد و فرمود: «آیا می‌توانم تو را پیروی کنم.»^{۱۷}

امام صادق (ع) یکی از وظایف متعلمان را تواضع معرفی کرده و فرموده است: «نسبت به کسی که از او علم

می‌آموزید (استاد) فروتن باشید.»^{۱۸}

مرحوم شهید ثانی، در این باره حکایت جالبی را بیان کرده است: «**حمدان اصفهانی** می‌گوید: در حضور **شریک** به سر می‌بردم، ناگاه یکی از فرزندان خلیفه‌ی عباسی، یعنی فرزند **مهدی** وارد شد و به دیوار تکیه کرد و سؤال و پرسشی درباره‌ی یکی از احادیث با شریک در میان گذاشت، ولی شریک به او توجهی نکرد و چهره‌اش را به سوی ما برگرداند. فرزند خلیفه سؤال خود را تکرار کرد، ولی باز هم شریک بی‌اعتنایی کرد. فرزند خلیفه سؤال خود را تکرار کرد، ولی باز هم شریک بی‌اعتنایی کرد. فرزند خلیفه خطاب به شریک گفت: آیا نسبت به فرزندان خلفا، تحقیر و توهین روا می‌داری؟ شریک گفت: نه، ولی علم و دانش در پیشگاه خدا، شکوه‌مندتر و برتر از آن است که من [به دل خواه دیگران] آن را تباه سازم. فرزند خلیفه آمد و دو زانو در برابر شریک نشست. شریک به او گفت که باید بدینسان جویای علم گردد [و دانش را با تواضع و فروتنی کسب کند] [محمد حجتی، ۱۳۵۹: ۳۲۳].

آیت الله حسن زاده، درباره‌ی **علامه الهی قمشه‌ای** می‌گوید: «وقتی در جلسه‌ی درس، کف پایش را بوسیدم و خودش در ابتدا توجه نداشت. بنده در کنارش دو زانو نشسته بودم و ایشان چهار زانو. لذا توفیق بوسیدن کف پایش را یافتم. بعد از بوسیدنم ناراحت شد و با من مواجه شد و فرمود: آقا چرا این طور می‌کنی؟

عرض کردم: آقا حق شما بر من بسیار عظیم است، نمی‌دانم چه کنم. مگر به این وسیله دلم تشفی یابد و آرام گیرد و خودم را لایق نمی‌بینم که دست مبارک شما را ببوسم.

و چون بدن مبارکش را به خاک می‌سپردیم، پاهایش را این بنده در بغل گرفته بودم و به یاد آن شب افتادم که کف پایش را بوسیدم، خواستم در کنار

تربتش تجدید عهد کنم، ولی حضور مردم مانع شد» [آملی، ۱۳۷۹: ۲۴۷].

آیت الله حسن زاده اظهار لطف **علامه رفیعی قزوینی** و رفتار تواضع‌آمیز خویش را چنین بیان کرده است: «یک دو روز بعد از هفته‌ی دوم (بعد از رفتن به جلسه‌ی درس ایشان)، بعد از درس به من اشاره کرد که شما باشید، من نشستم و رفقا رفتند. استاد فرمود: شما اظهار داشتید که شرح **قیصری بر فصوص الحکم** را در محضر **آقای فاضل تونی** درس خوانده‌اید. گفتم: آری. فرمود: **مصباح الانس** را درس خوانده‌اید؟ گفتم: خیر.

سپس فرمود: حاضر هستی که **مصباح الانس** را با هم - مشروط به این که دو به دو من و شما باشیم - مباحثه کنیم؟ دو زانویش را بوسیدم و اشک شوق در چشمم حلقه زد و عرض کردم:

من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم لطف‌های کنی ای خاک درت تاج سرم» [همان، ص ۲۸۸ و ۲۸۹].

تواضع در برابر استاد تأثیر مهمی در پیشرفت علمی متعلم دارد. **آیت الله حسن زاده** آملی این نکته را از قول استاد بزرگوارش، **الهی قمشه‌ای**، درباره‌ی خودش چنین نقل کرده است: «شبی بعد از درس به من بشارت داد و فرمود: تو در راه علم خیر می‌بینی. تا این بشارت را از او شنیدم، آمین گفتم و پرسیدم: به چه دلیلی مرا بشارت به خیر می‌دهید؟ فرمود: به دلیل ادب و احترامی که نسبت به استادانت به کار می‌بری و تواضعی که پیششان می‌نمایی [همان، ص ۴۱۹].

• رعایت آداب سخن گفتن و رفتار با استاد

متعلم باید هنگام سخن گفتن با استاد از الفاظ و واژه‌هایی که متناسب با شأن استاد است، استفاده کند و از به کار بردن برخی الفاظ و عبارات - از قبیل



حضرت علی (ع) در پاسخ به کسی که مسئله پیچیده‌ای سؤال کرد، فرمود: «برای کسب دانش و تفقه پرس، نه برای گیج کردن و آزار رساندن؛ و بدان نادانی که در پی آموختن است، به دانا می‌ماند و دانایی که در پی چیزی جز هدایت است، چون نادان است»

معصوم این است که فرد متعلم فقط باید در مقابل و روبه‌روی عالم بنشیند و حق نشستن در سمت راست یا چپ و یا پشت سر او را ندارد.

حالت دوم: عبارت را با کمی تسامح تفسیر کنیم، بنابراین فرض، مراد حضرت علی (ع) این است که متعلم نباید پشت سر عالم بنشیند، بلکه اگر روبه‌روی او و یا سمت چپ یا راست او بنشیند، اشکالی ندارد.

نکته چهارم: حضرت علی (ع) در پایان حدیث شریف فرموده است: «پاداش فرد دانشمند، از روزه‌دار شب زنده‌داری که در راه خدا مبارزه می‌کند، بیشتر است.» مرحوم مجلسی علت افزایش این پاداش را چنین تبیین فرموده است: فرد دانشمند با دلایل قاطع، با اعتقادات باطل و آرای فاسد به نزاع برمی‌خیزد و این کردارش سبب می‌شود که در گستره‌ی زمان، گروه

سلام کنی و او را نزد آن‌ها به تحیت مخصوص گردانی، مقابلش بنشینی و پشت سرش منشینی، چشمک مزنی، با دست اشاره مکنی، پرگویی مکنی که فلانی و فلانی برخلاف نظر او چنین گفته‌اند و از زیادی مجالستش دل‌تنگ مشوی. زیرا مثل عالم، مثل درخت خراماست. باید منتظر باشی تا چیزی از آن بر تو فرو ریزد و پاداش عالم، از روزه‌دار شب زنده‌داری که در راه خدا جهاد کند، بیشتر است.»^{۱۹}

در تفسیر این حدیث، مرحوم علامه مجلسی نکاتی را بیان کرده است، ما به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم: **نکته اول:** زیادی در سؤال به دو شکل قابل تبیین است:

(الف) یا مراد از فرونی در پرسش، افزایشی است که به نوعی متضمن ضرر است، بدین معنی که دانشجو پرسش را تا بدان حد و حوزه‌ای ادامه بدهد که عالم در آن حوزه‌ی معرفتی، آگاهی کافی ندارد و در نتیجه خطا یا ناتوانی او آشکار شود. این عمل ناپسندی است، چون شخصیت و آبروی فرد عالم در معرض خطر قرار می‌گیرد.

(ب) یا مراد از آن، پرسش بیش از حد متعارف در حوزه‌های معرفتی است. این شق نیز عملی ناصواب است.

نکته دوم: عبارت «مالا تأخذ بثوبه» (جامه‌اش را نگیری) نیز به این شکل قابل تفسیر است که اگر خواسته‌ای از عالم داری، نباید بیش از حد متعارف برخواست‌ها پافشاری کنی. معیار اکرام عالم، شخصیت علمی اوست، نه نوع خاص لباس و پوشش او.

نکته سوم: مراد معصوم از عبارت «واجلس بین یدیه» این است که متعلم باید در جایی بنشیند که دانشمند برای خطاب به او احتیاج به تغییر جا یا برگرداندن چهره نداشته باشد. این امر نیز به دو شکل قابل تفسیر است:

حالت اول: عبارت را به صورت مضیق تفسیر کنیم. در این صورت، مراد

شنیدنی، می‌دانی، مرد حسابی، چرا، نه، قبول ندارم، چه کسی چنین گفته است، این سخنی که شما می‌گویید در کجاست؟ آن چه به خاطر دارم و یا دیگران نقل کرده‌اند با گفتار شما مغایرت دارد و... - در ارتباطات با استاد پرهیز کند.

اگر متعلم درصدد تفحص بیشتر و بهره‌گیری بیشتر از استاد باشد، باید الفاظ و عبارات خویش را تلطیف کند. مثلاً به جای «چرا و قبول ندارم»، لحن خود را ملایم کند و بگوید: اگر کسی از ما علت این امر را بپرسد، چه بگوییم؟ یا اگر کسی نسبت به دعاوی ما چنین انتقاداتی را مطرح بکند، باید چه پاسخی بدهیم؟ و...

هم‌چنین در حضور استاد نباید با متعلمان دیگر در گوشی صحبت کند، پرحرفی کند، با صدای بلند و همراه با قهقهه بخندد، بدون اذن استاد پرسشی را مطرح کند، یا پیش استاد از دیگران غیبت و بدگویی بکند و... [حجتی، ۱۳۵۹: ۳۴۵-۳۳۹].

امام صادق (ع) از جدش حضرت علی (ع) نقل می‌کند: «از جمله حقوق استاد بر تو این است که بسیار از او نپرسی (او را سؤال پیچ نکنی) و به اصرار از او نپرسی...» [مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۲].

حضرت علی (ع) در پاسخ به کسی که مسئله‌ی پیچیده‌ای سؤال کرد، فرمود: «برای کسب دانش و تفقه پرس، نه برای گیج کردن و آزار رساندن، و بدان نادانی که در پی آموختن است، به دانا می‌ماند و دانایی که در پی چیزی جز هدایت است، چون نادان است» [سید رضی، ۱۳۷۶: ۳۲۰].

امیر مؤمنان علی (ع)، درباره‌ی نحوه سلوک و رفتار با عالم (استاد) چنین توصیه می‌فرماید: «از جمله حقوق عالم این است که از او زیاد نپرسی و جامه‌اش نگیری و چون بر او وارد شوی و گروهی نزد او بودند، به همه

کثیری از مردم به روزهداری، قیام در راه خدا و... بپردازند. اما فرد مجاهد تنها زمینه‌ی استیلائی کفار بر ابدان خلق را در زمانی کوتاه از بین می‌برد. یا به بیان دیگر، دانشمند زمینه‌ی استیلائی شیاطین و گمراهان بر متدینان و دین حق را در زمان طولانی - تا قیامت - از بین می‌برد، اما مجاهد تنها در برابر تجاوز فیزیکی کفار ایستادگی می‌کند. به همین دلیل است که مولای متقیان می‌فرماید: پاداش عالم ربانی - که مردم را به سوی حق و صواب هدایت می‌کند - از روزه‌دار شب زنده‌داری که در راه خدا جهاد می‌کند، بیشتر است [مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۲۴-۱۲۳].

چشم‌پوشی از برخی اشتباهات احتمالی استاد

یکی دیگر از راه‌های ابراز احترام و محبت به استاد این است که اگر استاد

برخی از راه‌های ابراز احترام به استادان عبارتند از: ۱. ارج نهادن به مقام استاد ۲. تواضع و فروتنی در برابر استاد ۳. رعایت آداب سخن گفتن و رفتار با استاد ۴. چشم‌پوشی از برخی اشتباهات احتمالی استاد

گاهی در رفتار خویش با معلم دچار اشتباهی شده‌ایم، مثلاً از روی اشتباه و بدون این که معلم کار خلافی مرتکب شده باشد، به او تندی کنید، یا عبارات عتاب‌آمیز به کار ببرید، او باید به خاطر تلاش‌هایی که استاد برای او متحمل شده است، از این موارد چشم‌پوشی کند و هم‌چنان حرمت استاد را نگه دارد. بعد از گذشت ایام، در صورتی که فرصت مناسب پیش آید، به گونه‌ای محبت‌آمیز

برای استاد توضیح دهد که در موارد مدنظر استاد، او مقصر نبوده است. و یا اگر استاد مطلبی را در کلاس توضیح داده و توضیح استاد نارسا و یا نادرست است، متعلم نباید به صورت صریح این اشتباه را به استاد گوشزد کند، بلکه باید با اشارات لطیف این اشتباهات را برطرف کند. مثلاً خودش پاسخ صحیح مسئله را بیان کند و از استاد بپرسد: آیا در برابر سؤال مذکور، این پاسخ نیز قابل دفاع است یا نه؟ و... یا اگر در مواردی استادی پاسخ مسئله‌ای را نمی‌داند و از پاسخ دادن در آن جلسه طفره می‌رود، متعلم نباید با اصرار از استاد بخواهد که در همان جلسه پاسخ سؤال را بدهد.^{۲۰} هم‌چنین اگر استاد در کلاس مطلبی را به صورت ناقص یا نادرست توضیح داده است، متعلم نباید این عیب استاد را پیش دیگران بازگو کند.

حضرت آیت‌الله حسن‌زاده آملی در این باره خاطره‌ی تأمل برانگیزی را نقل می‌کند. ایشان خاطره‌ای ناگواری از درس شفای فاضل تونی را چنین بیان می‌کند: در این درس شفا کسی با من شرکت نداشت، فقط من تنها به محضرش تشریف می‌یافتم. یک روز چهارشنبه که روز آخر درس هفته است، دیدم آن جناب (رضوان‌الله علیه) درست و موزون مطلب شفا را تقریر نمی‌فرماید و پریشان می‌گوید: من چند بار سؤال پیش آوردم و جواب مقنعی نفرمود. چنین انگاشتم که شاید مانعی پیش آمده و درس را مطالعه نفرموده است ...

در روز پنج‌شنبه که به درس استاد شعرانی رفتم، عرض کردم: حضرت آقا دیروز جناب فاضل تونی درس شفا را درست تقریر نفرموده است ... استاد شعرانی در این هنگام به نوشتن اشتغال داشت. بدون این که سر بلند کند و مرا نگاه کند، به حالت انقباض و گرفتگی چهره با لحنی خاص و اعتراض‌آمیز فرمود: درس‌ها و بحث‌هایت را کم کن و

شفا را پیش مطالعه کن و در آن بیشتر زحمت بکش.

من خاموش شدم، ولی انفعالی شدید به من روی آورد که شاید استاد شعرانی این گستاخی را از من درباره‌ی خودش نیز احتمال دهد که در محضر استادان دیگر، از ایشان هم‌چنین بی‌ادبی از من صادر شود. تا فرادای آن روز که روز جمعه بود، برای درس ریاضی تشریف حاصل کردم؛ در حالی که این حالت انفعال بر من حاکم بود. به محض نشستن رو به من کرد و فرمود: آقا آن اعتراض دیروز شما برای آقای فاضل تونی، حق با شماست، زیرا که ایشان به سکنه‌ی مغزی دچار شده است و الان در بیمارستان بستری است. آن پریشانی گفتارش از رویداد طلیعه‌سکنه بود.

پس از درس استاد شعرانی به بیمارستان رفتم. تا چشم آن جناب به من افتاد، به شدت گریست و مرا نیز به گریه آورد. دست و پایش را بوسیدم و عرض کردم: آقا جان ما باید از شما صبر و سکینه و وقار بیاموزیم» [آملی، ۱۳۷۹: ۳۷۱-۳۶۹].

نتیجه

براساس آیات متعدد قرآن و احادیث بسیار فراوان از پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع)، علم‌آموزی و دانش‌گستری از اهمیت و قداست زایدالوصفی برخوردار است، تا بدان حد که مقام یک عالم عامل مساوی مقام هفتاد هزار عابد معرفی شده است. برای گسترش و توسعه‌ی این سنت حسنه، اسلام به همه‌ی متدینان توصیه اکید کرده است که در همه حال پاسدار راستین مقام علم و علما باشند. هم‌چنین، راه‌های متعددی برای ابراز احترام و محبت به استادان مطرح کرده است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. ارج نهادن به مقام استاد

۲. تواضع و فروتنی در برابر استاد

۳. رعایت آداب سخن گفتن و رفتار با استاد

۴. چشم‌پوشی از برخی اشتباهات احتمالی استاد

پی نوشت

۱. اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ - خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ - اَقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ - الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ - عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ [علق/ ۵ - ۱].
 ۲. «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» [علق/ ۱].
 ۳. «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» [علق/ ۴].
 ۴. «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» [قلم/ ۱].
 ۵. «... إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ...» [فاطر/ ۲۸].
 ۶. «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ...» [بقره/ ۲۶۹].
 ۷. «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» [زمر/ ۹].
 ۸. «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» [مجادله/ ۱۱].
 ۹. عن ابی الحسن موسی بن جعفر (ع) قال: «محدثه العالم علی المزابل خیر من محدثه الجاهل علی الزوابی» [کلینی، بی تا، ج ۱: ۳۹۰].
 ۱۰. قال علی (ع): «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً».
 ۱۱. نکته‌ی جالب آن است که برخی صاحب‌نظران احتمال داده‌اند، معلم حضرت موسی (ع) پیامبر نبوده، بلکه بنده‌ی صالحی بود که خداوند علم باطن امور را به او آموخته بود [طبرسی، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۶: ۷۴۶].
 ۱۲. «قال له موسى هل اتبعك» [کهف/ ۶۶].
 ۱۳. «... هل اتبعك علی ان تعلمن مما علمت ...» [پیشین]. صاحب مجمع‌البیان می‌فرماید: تعبیر اهل اتبعك ...، نهایت تعظیم را می‌رساند، چون علم را بدان اضافه کرد و به پیروی او رضایت داد [طبرسی، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۶: ۷۴۶].
 ۱۴. «... علی ان تعلمن ...» [پیشین].
 ۱۵. «... مما علمت رشداً ...» [پیشین].
 ۱۶. «... ولا عصی لك امراً» [کهف/ ۶۹].
- مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌فرماید: تعبیر حضرت موسی (ع) - «به من فرمان ده، من فرمانت را مخالفت نمی‌کنم» - دال بر این امر است که هیچ‌کس نباید طلب علم را، حتی در سخت‌ترین شرایط ترک کند و

تواضع در برابر کسی که از او آگاه‌تر است، واجب است [طبرسی، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۶: ۷۴۶].

۱۷. «قال له موسى هل اتبعك ...» [کهف/ ۶۶].

۱۸. متن کامل حدیث امام صادق (ع) چنین است: «اطلبوا العلم و تزینوا معه بالحلم و الوفاق و تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم و لاتكونوا علماء جبارین فیذهب باطلکم بحقکم» [کلینی، بی تا، ج ۱: ۳۶].

امام صادق (ع) می‌فرماید: «دانش بیاموزید و دانشتان را با حلم و وقار زینت دهید.» در مورد تفسیر ادامه‌ی حدیث، یعنی «تواضعوا لمن تعلمونه العلم»، مرحوم علامه مجلسی دو احتمال را مطرح می‌کند:

- اول آن که متعلم باید تنها در اوان اشتغال به علم، تواضع داشته باشد.
- دوم آن که متعلم باید در همه‌ی موارد تواضع داشته باشد.

مرحوم مجلسی در ادامه می‌فرماید: احتمال این‌که شق اول مراد معصوم باشد، بسیار ضعیف است. به همین دلیل پذیرش احتمال دوم به صواب نزدیک‌تر است.

در مورد تعبیر «لمن طلبتم منه العلم» نیز علامه مجلسی می‌فرماید: مراد معصوم آن است که متعلم باید، هم در زمان متعلم و هم در تمام زمان‌های پسین، فروتن باشد و بر این اساس است که واژه‌ی «جبارین» در حدیث را به «متکبرین» تفسیر می‌نماید و قسمت پایانی حدیث، یعنی «فیذهب باطلکم بحقکم» را چنین تفسیر می‌کند: «تکبر شما نسبت به حقتان - علم شما - ممکن است یکی از نتایج سه‌گانه را در پی داشته باشد:

- یا علمی نزد شما باقی نماند.
- یا فضیلت و شرافتی برای شما باقی نماند.
- یا از جهت تعلیم و تربیت، بهره‌ای از ثواب نداشته باشید.»

سپس مرحوم علامه مجلسی احتمال دوم را بر دو احتمال دیگر ترجیح می‌دهد و می‌گوید: «به احتمال زیاد، مراد معصوم آن است که تکبر فرد عالم باعث می‌شود، فضیلت و شرافتی که فرد عالم در سایه‌ی دانش به دست می‌آورد، در معرض خطر و نابودی قرار بگیرد» [مجلسی، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۱: ۱۱۸].

۱۹. کان امیرالمؤمنین (ع) یقول: ان من حق العالم ان لاتكثر علیه السؤال و لاتأخذ بثوبه و اذا دخلت علیه و عنده قوم فسلم علیهم جمیعاً و خصه بالتحیه دونهم و اجلس بین یدیه و لاتجلس خلفه و لاتغمز بعینک و

لاتشر بیدک و لاتكثر من القول: قال فلان و قال فلان خلافا لقوله و لاتنجر بطول صحبته فانما مثل العالم مثل النخلة تننجر ما حتی یسقط علیک منها شیء و العالم اجرا من الصائم القائم الغازی فی سبیل الله [کلینی، بی تا، ج ۱: ۳۷].

۲۰. برای توضیح بیشتر در این محبت رجوع شود به: حجتی، ۱۳۵۹: ۳ صص ۳۰۷-۳۶۲.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. سید رضی. نهج البلاغه. ترجمه سید جعفر شهیدی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران، چاپ دهم، ۱۳۷۶.
۳. آملی حسن‌زاده، حسن. در آسمان معرفت. انتشارات تشییع. چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
۴. حائری یزدی، مهدی. حکمت متعالیه زبان برتر حکمت. خردنامه‌ی صدرا. ویژه‌ی دهمین سال انتشار.
۵. حجتی، سید محمد باقر. آداب تعلیم و تعلم در اسلام. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۵۹.
۶. طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان (ج ۱۲ و ۱۳). بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء. قم، ۱۳۶۳.
۷. طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (ج ۶ و ۱۰). دارالمعرفه، بیروت. چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ. ق/ ۱۹۸۸ م.
۸. طوسی، خواجه نصیر. اخلاق ناصری. تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری.
۹. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق. الاصول من الکافی. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. دار صعب دارالتعارف، بیروت. چاپ چهارم.
۱۰. فیض کاشانی. المحجبه البیضاء فی تهذیب الاحیاء. تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. بیروت. چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ. ق. ۱۹۸۳ م.
۱۱. مجلسی، مولی محمد باقر. مرآة العقول. تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی. دارالکتب الاسلامیه. تهران. چاپ دوم، ۱۳۶۳ هـ. ش/ ۱۴۰۴ هـ. ق.
۱۲. مکارم شیرازی و دیگران. تفسیر نمونه (ج ۲۴ و ۲۷). دارالکتب الاسلامیه. چاپ پانزدهم، ۱۳۷۸.
۱۳. نراقی، ملا محمد. معراج السعاده. انتشارات هجرت. قم، ۱۳۷۹.

همراه با کتاب

«چهل چرا» از قرآن

«چهل چرا»، پاسخ به ۹۰ سؤال اعتقادی، فقهی، قرآنی و عمومی به قلم عباس معصومی، ویژه‌ی مخاطب نوجوان و جوان، از سوی انتشارات مسجد مقدس جمکران منتشر شد. این کتاب، مجموعه‌ی چهل پرسش نوجوانان است که در قالب موضوعات اسلامی دسته‌بندی شده است. نویسنده کوشیده است با زبانی ساده و روان، زمینه‌ی استفاده‌ی بیشتر مخاطب را فراهم سازد.

«چهل چرا» که در حقیقت مجموعه‌ی چهل جلدی پرسش و پاسخ‌های اسلامی است، مجموعه‌ای از معارف قرآن و اهل‌بیت (ع) را در خود جای داده است. کتاب در چهار فصل: پرسش‌ها و پاسخ‌های اعتقادی، پرسش‌ها و پاسخ‌های احکام، پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآنی، و پرسش‌ها و پاسخ‌های عمومی، خلاصه شده است.

«چهل چرا» در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه، ۶۴ صفحه، قطع جیبی منتشر شده است.

پاسخ قرآن به شبهات

«روش پاسخ‌دهی به شبهات و تعامل با شبهه‌گران»، به قلم حجت‌الاسلام و المسلمین سعید بهمنی، از سوی مؤسسه‌ی بوستان کتاب قم، منتشر شد.

نویسنده در این کتاب، براساس الگوی قرآن، روش پاسخ‌دهی خداوند به شبهات مطرح شده نسبت به قرآن را تحلیل می‌کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین سعید بهمنی، درباره‌ی این کتاب گفت: «خداوند عالم در مقابل شبهات نسبت به قرآن، بی‌تفاوت نبوده و هر بار که شبهه‌ای در قرآن گزارش شده است، اولاً عناصر پاسخ به آن در آیات ذکر شده و نیز خداوند با شبهه‌گر نوعی تعامل را سامان داده است.»

وی ادامه داد: «در قرآن کریم، افزون بر عناصر پاسخ به شبهه، عناصری را می‌بینیم که بر نوع برخورد و تعامل خداوند با شبهه‌گر دلالت دارند. یعنی این‌گونه نیست که خداوند تنها به پاسخ به شبهه اکتفا کرده باشد.»



زن از زبان قرآن

ایکنا - «زن از زبان قرآن»، پاسخ‌های قرآنی به مهم‌ترین پرسش‌ها درباره‌ی جایگاه زنان، به همت مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، از سوی انتشارات جمال منتشر شده است.

براساس مطالب کتاب «زن از زبان قرآن»، زن که تقریباً نیمی از پیکره‌ی اجتماع است، افزون بر دارا بودن مقام انسانی که با مرد هم‌تا و هم‌سواست، می‌تواند به مقام خلیفه‌اللهی برسد و نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد، بقا و گسترش نسل انسانی، پرورش، تربیت و دیگر خدمات فرهنگی داشته باشد؛ هم‌چنان که تاکنون در طول تاریخ، همراه مرد در فراز و فرودهای زندگی اجتماعی، حضور فعال و مؤثرش را اثبات کرده است. به همین دلیل، شخصیت انسانی زن و نقش‌های چشمگیر او در خانواده، اجتماع و نیز دیدگاه دین اسلام به ویژه قرآن کریم نسبت به او، همیشه مورد توجه دانشمندان اسلامی بوده است.

این کتاب مهم‌ترین پرسش‌هایی را که مخاطبان درباره‌ی جایگاه زنان در عرصه‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی مطرح کرده‌اند، جمع‌آوری و با استناد به آیات قرآن، پاسخ‌های قانع‌کننده ارائه کرده است. راز آفرینش زن، حقوق زنان در جامعه‌ی اسلامی، زن در فقه اسلامی، پوشش زن، زنان ویژه در قرآن و احکام ویژه‌ی زنان، از جمله مباحث مطرح شده در این کتاب هستند.

«زن از زبان قرآن» در شمارگان پنج هزار نسخه به همت مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم و از سوی نشر جمال منتشر شده است.

«خداشناسی قرآن» برای کودکان

ایکنا: «خداشناسی قرآن»، پاسخ به چهل پرسش قرآنی کودکان، به قلم غلامرضا حیدری ابهری، از سوی نشر جمال منتشر شد.

«خداشناسی قرآن» به ۴۰ پرسش قرآنی کودکان مانند خدا کجاست؟ آیا خدا هم شیرینی دوست دارد؟ خدا کامل است، یعنی چه؟ آیا می‌توان با خدا تلفنی حرف زد؟ چرا خدا جن‌ها را آفریده تا آدم‌ها را اذیت کنند؟ آیا خدا ما را دوست دارد؟ و... پاسخ می‌دهد.

این کتاب حاصل تلاش نویسنده در پاسخ به ۴۰ پرسش اصلی در این زمینه است و می‌تواند برای کودکان مفید باشد. این کتاب از یک سو به معارف ناب قرآنی تکیه دارد و از سویی دیگر با ادبیات ویژه‌ی کودکان و نوجوانان نگارش یافته است.

نویسنده‌ی کتاب، نه به بهانه‌ی ساده‌نویسی، از طرح دیدگاه‌های توحیدی بزرگان دین چشم‌پوشی کرده و نه با تفصیل مباحث، از ادبیات ویژه و نیاز مخاطبان آن دور شده است.

«خداشناسی کودکان» در ۱۲۸ صفحه و ۵۰۰۰ نسخه منتشر شده است.



اخبار قرآنی

خط نسخ ایرانی در کتابت قرآن به کار می‌رود

گروه فرهنگ و هنر: متأسفانه، چشمان ایرانیان به طور سنتی به قرآن‌هایی که با نسخ عربی نوشته شده، خو گرفته است و کمتر به خط نسخ ایرانی توجه می‌شود.

علی جعفری، مدرس انجمن خوش‌نویسان مشهد، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) شعبه‌ی خراسان رضوی، با بیان این مطلب گفت: «قرآن‌هایی که در کشور چاپ می‌شود، با خصوصیات ادبی و هنری ایران همراه نیست.

وی ادامه داد: «فلسفه‌ی درست خواندن، راحتی و سهولت در خواندن است و خط نسخ ایرانی، در مقایسه با خط نسخ عربی، این راحتی را داراست.

مدرس جهاد دانشگاهی مشهد، قدیمی‌ترین قرآن‌هایی را که به خط نسخ ایرانی موجود است، از مرحوم **احمد نیری** دانست و ادامه داد: «نگارش قرآن در سال‌های گذشته به خط نسخ ایرانی، با مشکلاتی مواجه بوده، اما خوشبختانه این مشکلات در حال حاضر رفع شده است.»

وی با بیان این که کتابت قرآن با خط نستعلیق مشکلاتی را به همراه دارد، افزود: خط نستعلیق عروس خطوط دنیا است، اما اعراب‌گذاری در خط نستعلیق، به دلیل نوع نگارش خاص آن، مشکلاتی را برای کاتب به‌وجود می‌آورد.

مدرس انجمن خوش‌نویسان مشهد تصریح کرد: «اعراب‌ها در خط نستعلیق، این خط را از حالت طبیعی خود خارج می‌کند و فضایی را به‌وجود می‌آورد که خوش‌نویس باید با خلاقیت خود این فضاها را پر کند.

جعفری یادآور شد: «با توجه به پیچش‌ها و دوره‌هایی که در خط نستعلیق وجود دارد، نمی‌توان اعراب‌های قرآن را به درستی روی حروف قرار داد. لذا در این مرحله، کاتب باید با

خلاقیت خود توازن را در نگارش کلمه‌ها و حروف رعایت کند که این امر جز در سایه‌ی تجربه حاصل نمی‌شود.» وی با بیان این که برکت و قداست قرآن روی کاتب و کتابت آن تأثیر می‌گذارد، گفت: «کسی که با توکل به خدا کار کتابت قرآن را آغاز کند، خداوند نیز او را در نگارش قرآن یاری می‌کند و به‌طور قطع فرد از برکات و قداست قرآن بهره‌مند خواهد شد.»

مدرس انجمن خوش‌نویسان مشهد، با بیان این که خوش‌نویس قرآن باید در وهله‌ی اول جنبه‌ی معرفتی کتاب الهی را مدنظر قرار دهد، افزود: «قرآن نویس باید با در نظر گرفتن قداست قرآن، حس امانت‌داری را رعایت کند و آیات الهی را به درستی و بدون اشتباه کتابت کند.»

جعفری اصل دوم در نگارش قرآن کریم را برخورداری کاتب از تکنیک خوش‌نویسی دانست و ادامه داد: «خوش‌نویس آیات قرآن باید با تکنیک‌های عرصه‌ی خوش‌نویسی آشنا و از تجربه‌ی کافی در این زمینه برخوردار باشد.»

وی اظهار کرد: «اعتبار و ارزش خط نستعلیق به دلیل همراهی این خط با آیات قرآن و سخنان ائمه است که زیبایی‌های خط نستعلیق را دوچندان کرده است.»

این خوش‌نویس معاصر، با اشاره به این مطلب که خط نستعلیق منتسب به حضرت علی (ع) است، اذعان کرد: «خط نستعلیق به زیور قرآن و کلام بزرگان آراسته شده است و بسیاری از هنرمندان به دلیل کلام حضرت علی (ع) در باره‌ی این خط، به عرصه‌ی خوش‌نویسی وارد شده‌اند.

وی تصریح کرد: «بسیاری از خوش‌نویسان گذشته‌ی ایران، از جمله مرحوم **میرعلی نیری** و **سلطان‌علی مشهدی**، خود از عرفا بوده‌اند که به خط اعتبار ویژه‌ای بخشیده‌اند.»

مدرس جهاد دانشگاهی مشهد یادآور شد: «مسئولان و مدیران اجرایی کشور، باید به هنرهای قرآنی از جمله خوش‌نویسی و کتابت قرآن توجه بیشتری داشته باشند و هنرمندان این رشته را مورد حمایت قرار دهند.



آذرنوش گفت: «برنامه‌ی دوم، ترجمه‌ی قرآن است. ممکن است این پرسش مطرح شود که ترجمه‌ی متنی به سنگینی قرآن، تا چه اندازه می‌تواند برای کودکان سودمند باشد؟ در پاسخ باید گفت: ترجمه‌ی قرآن به هر زبان و سطحی، مفاهیم و معنایی پایین‌تر از متن اصلی قرآن دارد و نمی‌توان به آسانی معانی قرآن را دریافت.» من معتقدم، اگر با ترجمه‌ی گونه‌ای از قرآن را به زبان ساده برای کودکان بنویسیم، بدون مراعات ترکیب سوره‌ها، ترکیب آیات و...، بلکه تنها به صورت روایت‌ها و گفتارهای ملموس و منسجم، و با نثر زیبایی که قابل فهم باشد، بسیار موفق خواهیم بود و مورد استقبال کودکان واقع می‌شود.

نویسنده‌ی «تاریخ زبان و فرهنگ عربی»، در اشاره به ارائه‌ی مفاهیم مقدس دینی به کودکان و نوجوانان گفت: «بررسی کتاب‌های انجیل، تورات و... در کشورهای اروپایی نشان می‌دهد، زیباترین عکس‌ها و تصویرها در کتاب‌های مقدس و با نثری روان و جذاب برای کودکان به کار رفته است. برای نمونه، یکی از داستان‌های انجیل را به صدها شکل گوناگون برای سلیقه‌های متفاوت مخاطبان عرضه کرده‌اند. اما متأسفانه در کشورهای اسلامی این پدیده تاکنون به شکل موفق‌تری رخ نداده است. در جامعه‌ی اسلامی، به دلیل این که ما به تصویرگری عادت نداریم و چنین سنتی در هنرهای اسلامی کمتر به کار رفته است، ناچار با عکس‌العمل‌های در جامعه روبه‌رو خواهیم شد. بنابراین، تولید چنین آثاری باید با دقت نظر خاصی انجام و حساسیت‌های موضوع رعایت شود.»

مترجم کتاب «اطلس تاریخ اسلام» در پاسخ به این پرسش که در مراکز دانشگاهی تا چه اندازه در زمینه‌ی نوآوری در ارائه‌ی مفاهیم قرآنی برای مخاطبان، به ویژه مخاطبان کودک، سرمایه‌گذاری شده است، تصریح کرد: «دانشگاه‌های علوم اسلامی - انسانی نسبتاً در این زمینه گام‌هایی برداشته‌اند و روند پژوهش‌های علمی انجام شده در این زمینه، نسبتاً خوب بوده است.»

وی افزود: «سازمان‌ها و مراکز هنری کشور، باید با حمایت از کاتبان قرآن و افرادی که در حوزه‌ی نگارش و هنرهای قرآنی فعالیت می‌کنند، هنرمندان را به فعالیت در عرصه‌های قرآنی جذب کنند.»

بارقه‌های نوآوری در ارائه‌ی مفاهیم قرآنی به کودکان پدید آمده است

گروه ادب: آذرتاش آذرنوش گفت: خوش‌بختانه در جامعه‌ی دانشگاهی ما، بارقه‌های نوآوری در عرضه‌ی مفاهیم قرآنی به همه‌ی مخاطبان به‌ویژه کودکان زده شده است و در آینده شاهد این نوآوری‌ها به شکل گسترده خواهیم بود.

آذرتاش آذرنوش، استاد دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: «ما حدود ۱۵۰ ترجمه به زبان فارسی داریم که از نظر سطح زبانی و سطح فرهنگی، بر چندین طبقه قرار گرفته‌اند. حال پرسش این‌جاست که آیا زبان کودکان یکی از طبقات زبانی ما نیست؟ اگر چنین است، باید بتوانید قرآن را هم در همین زبان بیان کنیم.»

وی ادامه داد: «قرآن کریم دو نقش گوناگون در جامعه‌ی ما ایفا می‌کند؛ نخست نقش آیینی است که به قرائت قرآن اختصاص دارد و معمولاً تعدادی از آیات بیش‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند سوره‌ی «فاتحه»، و نقش دیگر فهم قرآن است.»

نویسنده‌ی کتاب «چالش میان زبان فارسی و عربی» افزود: «در ارائه‌ی مفاهیم قرآنی به کودکان، دو راه اساسی پیش‌رو داریم: اول این که چگونه برخی از مفاهیم قرآنی ویژه را که در زندگی بیش‌تر مورد بهره‌برداری همگان قرار دارد، به کودکان آموزش دهیم. این کار با تألیف آثاری با محتوای مناسب که در آن‌ها آیات قرآنی همراه با تصاویر، صفحه‌آرایی و جلدسازی جذاب ارائه شود، امکان‌پذیر است.»



آثار منثور معاصر، بیش‌تر از آثار منظوم تحت تأثیر قرآن بوده‌اند

گروه ادب: «غلامرضا کافی» گفت: اکنون در آثار داستانی، بیش‌تر از قرآن وام گرفته می‌شود تا در شعر. در برخی از آثار نویسندگان، گاهی می‌توان بسیاری از آیات قرآن و مضامین آن را به وضوح و روشنی درک کرد.

غلامرضا کافی، مدرس ادبیات و عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: «اگر شاعران و مسئولان ما تلاش داشته باشند تا در شعر نیز به مانند داستان، چه در قالب‌های کلاسیک و چه در قالب‌های سپید، تحت تأثیر قرآن باشند و در اشاعه‌ی مفاهیم قرآنی بکوشند، جریان شعر سپید و کلاسیک ما، بسیار پربرتر از امروز خواهد بود.

این استاد زبان و ادبیات فارسی گفت: «در دوره‌های قبل از انقلاب، معناگرایی در شعر فارسی به ندرت دیده می‌شد. بنابراین نمی‌توان ادعا کرد، ما در چه حوزه‌های مضمونی خاصی معناگرایی داشتیم و در چه حوزه‌هایی نداشتیم. به همین دلیل، اگر در آن دوران، رگه‌هایی از مفاهیم دینی و قرآنی را در شعری سپید یا کلاسیک ببینیم، کاملاً اتفاقی و به فرد وابسته است. پس از انقلاب نیز به دلیل رواج مسائلی مانند دفاع مقدس، در دهه‌ی اول، و آزادی، ایثار، جانبازان و... در دهه‌ی دوم، توجه همگان به این موضوعات معطوف شد و شاعران کمتر برای ورود به شعر با مضمون قرآنی تمایل نشان دادند. بنابراین، نمی‌توانیم بگوییم جریانی در شعر سپید قرآنی وجود داشته است.»

شاعر «سمفونی سیم‌های خاردار» افزود: «شعر سپید قرآنی به افراد متکی است. برای نمونه در شعر صفارزاده، به دلیل پیوندی که خود شاعر با قرآن داشته، مفاهیم قرآنی به خوبی منعکس شده است. هم‌چنین، در شعر علی موسوی گرمارودی، به دلیل علاقه و دانش شاعر در حوزه‌ی علوم قرآنی، این مفاهیم کاربرد یافته است.»

کافی در پاسخ به این پرسش که آیا شاعرانی مانند صفارزاده و موسوی گرمارودی توانسته‌اند بر شاعران سپیدگرا تأثیر بگذارند یا خیر، گفت: «شاعران جوان ما از صفارزاده و

موسوی گرمارودی تأثیر گرفته‌اند، چون کتاب انقلاب ما قرآن است. به عبارت دیگر، در همه‌ی حوزه‌ها، قرآن منبعی الهام‌بخش و مؤثر بوده، بنابراین در شعر نیز این‌گونه است. اما پس از انقلاب، تنها به دلیل این که شاعران به فضاهای دیگری مشغول شده‌اند، این توجه به شعر قرآنی کمتر شده است.»

وی گفت: «با وجود این، عرصه‌ی شعر سپید، کلاسیک و... از این نوع شعر خالی نیست. می‌توان به‌طور پراکنده در شعر شاعران انقلاب این موضوع را دید. به دلیل بنیان مذهبی انقلاب اسلامی، حتی در شعر شاعرانی که توجهی به ادبیات انقلاب اسلامی و معناگرایی هم نداشتند، رگه‌هایی از فضای تحت تأثیر انقلاب اسلامی و بنیان‌های قرآنی دیده می‌شود.

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز در پایان گفت: «اگر شاعران متوجه بطن‌های متعدد قرآن شوند، می‌توانند از مفاهیم قرآنی به‌صورت فاخر در شعر بهره‌برند. هنر کلامی بودن قرآن باید مورد توجه قرار گیرد.»

شعیشع: جریان تلاوت‌های ماندگار قاریان مصر هم‌چنان ادامه دارد

گروه بین‌الملل: أبو‌العینین شعیشع، شیخ‌القراء مصر، بار د این گزاره که «مصر از عصر طلایی تلاوت و قرائت قرآن فاصله گرفته است»، تصریح کرد: جریان خروشان تلاوت‌های ماندگار و قرائت‌های آسمانی قراء گذشته‌ی مصر هم‌چنان ادامه دارد.

أبو‌العینین شعیشع رئیس اتحادیه‌ی حافظان و قاریان مصر و رئیس مرکز بین‌المللی حفظ قرآن کریم، در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار بین‌الملل (ایکنا)، با بیان این مطلب، به ظهور پدیده‌های جوان در قرائت و تلاوت در سطح کشور مصر اشاره کرد و گفت: «أنور و محمود فرزندان مرحوم شحات انور و یاسر و لواء فرزندان مرحوم عبدالباسط عبدالصمد، آینده‌ی درخشانی را برای مصر رقم خواهند زد و من به عنوان رئیس کمیته‌ی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک‌آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های عمومی دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ◆ **رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- ◆ **رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- ◆ **رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- ◆ **رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- ◆ **رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های عمومی بزرگسال

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ◆ **رشد آموزش ابتدایی** ◆ **رشد آموزش راهنمایی تحصیلی**
- ◆ **رشد تکنولوژی آموزشی** ◆ **رشد مدرسه فردا** ◆ **رشد مدیریت مدرسه** ◆ **رشد معلم**

مجله‌های اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ◆ **رشد برهان راهنمایی** (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) ◆ **رشد برهان متوسطه** (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی) ◆ **رشد آموزش قرآن** ◆ **رشد آموزش معارف اسلامی** ◆ **رشد آموزش زبان و ادب فارسی** ◆ **رشد آموزش هنر** ◆ **رشد مشاور مدرسه** ◆ **رشد آموزش تربیت بدنی** ◆ **رشد آموزش علوم اجتماعی** ◆ **رشد آموزش تاریخ** ◆ **رشد آموزش جغرافیا** ◆ **رشد آموزش زبان** ◆ **رشد آموزش ریاضی** ◆ **رشد آموزش فیزیک** ◆ **رشد آموزش شیمی** ◆ **رشد آموزش زیست‌شناسی** ◆ **رشد آموزش زمین‌شناسی** ◆ **رشد آموزش فنی و حرفه‌ای** ◆ **رشد آموزش پیش‌دبستانی**

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران، مربیان و مشاوران مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

- ◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.
- ◆ نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
- ◆ تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۴۹۰۹۹
- ◆ E_mail: info@roshdmag.ir ◆ www.roshdmag.ir



گزینش قرآء در رادیو و تلویزیون مصر، تاکنون استعدادهای فراوانی را شناسایی کرده‌ام.

عضو شورای عالی امور اسلامی مصر، با تأکید بر اهتمام ویژه‌ی مصری‌ها به تلاوت و قرائت قرآن ابراز داشت: «من سالانه وظیفه دارم، دو قاری ممتاز و جوان را شناسایی و به جهان اسلام معرفی کنم که هر دو هم‌زمان با میلاد حضرت رسول اکرم (ص)، در حضور قرآن‌دوستان قرائت می‌کنند. این پیر استاد قرائت، دومین دوره‌ی مسابقات دانشجویان مسلمان را در سطح ممتازی ارزیابی و تأکید کرد: «به جرأت می‌توانم بگویم، این مسابقات از بهترین مسابقاتی بود که من در سطح جهان در آن‌ها شرکت کردم. دومین دوره‌ی مسابقات دانشجویان مسلمان، نسبت به مسابقاتی که جمهوری اسلامی ایران تاکنون برگزار کرده است، در سطح کلان و پیشرفته‌ای از نظم و انضباط برگزار شد.»

شعیشع تصریح کرد: «حس هم‌گرایی و میل به هم‌بستگی ایرانی‌ها نسبت به مصری‌ها را از نزدیک لمس کردم و این مشابه همان احساس، شور و علاقه‌ی مصری‌ها نسبت به ملت آزاده‌ی ایران است. پیامی که من به مصر خواهم برد، این است که ملت ایران احترام و محبت فراوانی نسبت به ملت مصر دارد.»

قاری مسجد حضرت زینب (س) مصر، آرزوی دیرینه‌ی خود را وحدت، همبستگی و یکپارچگی ملت‌های مسلمان و حکومت‌های اسلامی دانست و دلیل دودستگی و تشتت مسلمانان را حضور اشغال‌گران و دخالت استعمارگران در امور داخلی امت اسلام برشمرد.

شعیشع بر ضرورت و لزوم هوشیاری مردم و حکومت‌های اسلامی نسبت به بحران‌های ساختگی بدخواهان تأکید کرد و گفت: «استعمارگران نوظهور در تلاش‌اند که ملت‌ها و فرهنگ‌های اسلامی را دور از هم نگاه دارند تا اطلاعاتی از مشترکات همدیگر کسب نکنند.»

او، آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای را میان ملت عرب، به‌ویژه مردم مصر، از جایگاه و اعتبار خاصی برخوردار دانست و افزود: «ایشان امروزه به‌عنوان پرچم‌دار اسلام راستین و رهبر نهضت اصیل اسلامی شناخته شده‌اند.»

برگ اشتراک مجله های رشد

شرایط:

- ۱- پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله‌ی درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک با پست سفارشی. (کپی فیش رانزد خود نگه دارید.)

نام مجله های درخواستی :

.....
.....
.....

نام و نام خانوادگی :

.....

تاریخ تولد:

.....

میزان تحصیلات:

.....

تلفن:

.....

نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: کد پستی:

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

امضا:



شعیشع به مراسم نکوداشت خویش و تنی چند از قرآن پژوهان اشاره کرد و گفت: «بهترین و برترین بزرگداشت و تکریم برای من زمانی بود که حضرت آیت الله خامنه‌ای، نماینده‌ای به نیابت از خود فرستاد و مرا مورد لطف قرار داد. من نیز برای آن حضرت آرزوی موفقیت و طول عمر کردم.»

أبوالعینین شعیشع در پایان، دو صفت «استقامت» و «اخلاص» را برترین صفات قاری خوب عنوان کرد و گفت: «من در طول زندگی پر فراز و نشیب و همراه با عسرت و تنگدستی، با ایمان کامل به قادر لایزال هستی و کتاب گران سنگ او، توانستم مراحل و مدارج مهم را طی کنم.»

استاد ابوالعینین شعیشع در ۱۲ آگوست ۱۹۲۲ میلادی، مطابق با ۱۳۴۳ قمری در «بیلا» از توابع استان «کفر شیخ» متعلق به مصر علیا، در خانواده‌ای پرجمعیت و به لحاظ مالی متوسط که ۱۱ فرزند دختر و پسر داشت، به دنیا آمد. بازمانده‌ی عصر طلایی تلاوت قرآن کشور مصر، با تحریرهای معروفش، راه تقلید را بر قاریان بست و به نماد تلاوت کلاسیک قرآن مبدل شد که به هفت قرائت، قرآن تلاوت می‌کند.

از دیگر ویژگی‌های ممتاز تلاوت‌های این استاد بزرگ قرائت جهان اسلام، وزین و باوقار بودن صوتش و دقت در ادای کلمات و بیان رسا و تلفظ قوی کلمات و حروف او است که استاد شعیشع تمامی موفقیت‌های خویش را در این زمینه، مرهون مساعدت‌های مرحوم شیخ **عبدالله عفیفی**، شاعر و مؤلف داستان پیامبر بزرگ (ص) می‌داند.

یادآوری:

- ♦ هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، بر عهده‌ی مشترک است.
- ♦ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک است.

● امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۶۶۵۵

● صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

● پیام گیر مجله های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲